مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور

نفت و سیاست های نفتی عراق

حسن لطیف کاظم الزبیدی
هیثم عبداله سلمان
عبدالجبار عبود حلفی
حیدر الفریجی



نفت و سیاست‌های نفتی عراق

(داخلی، منطقه‌ای و بین‌الملل)

مؤلف

دکتر حسن لطیف کاظم الزبیدی

مترجم

جواد اصغری



مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

تهران- ۱۳۹۰

سرشناسه	: زبیدی، حسن لطیف zubaydi, Hasan Latif Kazim
عنوان قراردادی	: النفطا العراقی و السیاسیة النفطیة فی العراق و المنطقة فی الظل الاحتلال الأمریکی: رویة المستقبلیة. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: نفت و سیاست‌های نفتی عراق (داخلی، منطقه‌ای و بین‌الملل)/ مولف حسن لطیف کاظم الزبیدی؛ مترجم جواد اصغری
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۲۳ص.: مصور (بخش رنگی).
شابک	: ۲۰۰۰۰ ریال: 978-600-5437-51-5
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا.
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: نفت ـ ـ عراق ـ ـ صنعت و تجارت
موضوع	: نفت ـ ـ قوانین و مقررات ـ ـ عراق
موضوع	: عراق ـ ـ تاریخ ـ ـ حمله ایالات متحده، ۲۰۰۳م.
موضوع	: عراق ـ ـ سیاست اقتصادی ـ ـ ۲۰۰۳ م.
موضوع	: ایالات متحده ـ ـ روابط خارجی ـ ـ ۲۰۰۱ م.
موضوع	: عراق ـ ـ آینده‌نگری
شناسه افزوده	: اصغری، جواد، ۱۳۵۷ـ مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ۲۵۰۴۱ ز ۳۷۲ع/۹۵۶۷ HD
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۶۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۱۸۰۷۱

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

نام کتاب: نفت و سیاست‌های نفتی عراق
نویسنده: دکتر حسن لطیف کاظم الزبیدی
مترجم: جواد اصغری
ویراستار: طاهره زارع زواردهی
تایپ و صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان گیلوائی
طراح جلد: عظیم انصاری
نوبت چاپ: اول ـ ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

سخن ناشر

اقتصاد عراق و هرگونه تحول در اقتصاد این کشور به نفت و ذخایر نفتی وابسته است. نفت در اقتصاد و سیاست عراق نقشی دوگانه بازی کرده است. ایجاد نظام متمرکز و استبدادی و آغاز و تحمیل جنگ‌های خانمان‌سوز در منطقه جز با اتکاء به نفت و درآمدهای نفتی ممکن نبود. از این نظر، نفت در اقتصاد عراق عامل نابودی، فقر و فساد است. در شرایط صلح نیز اتکاء اقتصاد به نفت می‌تواند گسترش واردات، ایجاد رفاه کاذب و نابودی صنعت داخلی را به دنبال داشته باشد. از طرف دیگر، در صورت مدیریت و استفاده درست از منابع نفتی و بکارگیری منابع حاصل از آن در اقتصاد کشور می‌تواند چهره عراق را متحول و اقتصاد آن را پویا و توانمند کند، درآمد سرانه را افزایش دهد و رفاه عمومی را به ارمغان آورد. در نتیجه می‌توان گفت، نفت به خودی خود امتیازی محسوب نمی‌شود، بلکه نتیجه استفاده از آن است که می‌تواند دارای آثار مثبت یا منفی باشد.

در عراق بعد از صدام، سرمایه‌گذاری قابل ملاحظه‌ای در صنعت نفت و در بخش‌های مختلف آن ـ اکتشاف، استخراج و پالایش ـ انجام گرفته است و قراردادهای متعددی برای اکتشاف، استخراج، پالایش نفت با شرکت‌های بزرگ نفتی از سراسر جهان منعقد و برای تولید و عرضه ۱۲میلیون بشکه نفت در روز

در برنامه میان‌مدت هفت ساله برنامه‌ریزی شده است. منابع حاصل از چنین سرمایه‌گذاری می‌تواند چهره اقتصاد عراق را دگرگون سازد و بازار نفت جهانی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، سرمایه‌گذاری‌های عراق در صنعت نفت و بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای آن از جهات مختلف مورد توجه علاقه‌مندان به بازار نفت و اقتصاد نفت است.

این کتاب با عنوان «نفت عراق و سیاست‌های نفتی در عراق و منطقه» که توسط متخصصان تراز اول اقتصاد و بازار نفت عراق تهیه شده است، به موضوع نفت و سیاست‌های نفتی عراق و آثار احتمالی آن در منطقه و کشور می‌پردازد و سناریوهای مختلف را برای توسعه میدان‌های نفتی عراق بررسی می‌کند و از این جهت برای متخصصان حوزه نفت، پژوهشی ارزشمند و مفید است.

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور برای استفاده دانشجویان، دانش‌پژوهان و علاقمندان به بازار نفت، کتاب مذکور را ترجمه و منتشر کرده است.

نفت عراق و سیاست نفتی در عراق و منطقه

نویسنده: دکتر حسن لطیف کاظم الزبیدی

مقدمه

هیچ چیز مانند نفت بر اوضاع عراق تأثیر نگذاشته است. از زمان کشف نفت، تغییراتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ساختار، ارزش‌ها و نهادهای این کشور رخ داده است. به همین دلیل، عراق صحنه رقابت بین نیروها و جریان‌های داخلی و حتی کشورهای دیگر بوده است که تلاش کرده‌اند بر نفت عراق مسلط شوند و سیطره خود را بر این کشور دائمی کنند.

نفت به عنوان کالایی حیاتی در شکل‌گیری چشم‌انداز اقتصادی عراق تأثیرگذار بوده زیرا درآمدهای حاصل از آن در مقایسه با منابع درآمدنی دگیر، تأثیری بسیار روی اوضاع اقتصادی این کشور داشته است. به همین دلیل، این ماده عاملی مهم برای ایفای مهم‌ترین نقش‌ها در ساختن عراق به شمار می‌رود و آمارها و مطالعات نشان می‌دهد در قرن کنونی نفت هم‌چنان عامل تأثیرگذار حقیقی برای پیشبرد اقتصاد عراق باقی خواهد ماند. بنابراین مبالغه نیست اگر گفته شود نفت تأثیرگذارترین عامل اقتصادی در آینده جامعه، اقتصاد و حکومت است.

نیازی نیست که بخواهیم اهمیت نفت را برای اقتصاد و جامعه عراق ثابت کنیم. بخش نفت هم‌چون موتور محرکی است که سایر بخش‌های اقتصادی را



به حرکت درمی‌آورد و حول محور آن تغییرات و تحولات اقتصادی احتمالی رخ می‌دهد. بنابراین، بحث و بررسی‌ها در خصوص نفت هم‌چنان پویا و نو است و پیوسته نیازمند تقویت‌شدن است.

مدیریت نامناسب و عقب‌ماندگی در بخش شیوه‌های تولید که تعهد و پای‌بندی به شیوه‌های جدید و معمول در آن دیده نمی‌شود و نیز روی آوردن به روش‌های پرهزینه برای افزایش تولید و تأمین درآمدهای مالی مد نظر هنگام پایین آمدن قیمت نفت، در سال‌های گذشته ضررهای زیادی به تأسیسات و ذخیره نفت خام عراق وارد کرده است.

وضعیت نفتی عراق و نقشی که این کشور می تواند در این زمینه ایفا کند متاثر از مجموعه ای از عوامل مستقل است که از جمله ان می توان به موارد زیر اشاره کرد: توان عراق در ادامه دادن به تولید پیوسته و در صورت امکان همراه با افزایش نفت، تقاضای جهانی نفت و حرکت قیمت های نفت در بازار جهانی، چشم‌اندز رشد و توسعه در کشورهای وارد کننده نفت و توان عراق در ایجاد توافقی در داخل اوپک و به دست آوردن دوباره جایگاه و سهم خود از بازار نفت که متناسب با قدرت تولید و دخیره نفتی آن باشد. به ویژه اینکه عراق نیازمند این است که توان تولید خود را به مرز شش میلیون بشکه در روز برساند. در این پژوهش تلاش می‌شود با مشکلاتی آشنا شویم که بخش نفت عراق از آن رنج می برد و همچنین سعی می شود سیاست‌های نفتی ارزیابی گردد. با این هدف که آینده بخش نفت و نقش آن در توسعه اقتصادی عراق روشن شود.

پیشینه تاریخی

از آوریل ۱۹۲۷ عراق تلاش می‌کرد جایگاه خود را بین کشورهای نفت‌خیز

بزرگ جهان به دست آورد. شرکت نفت ترکیه (که بعدها نام خود را به «شرکت نفت عراق» تغییر داد) اقدام به حفر چاه‌های نفت کرد. نتیجهٔ این اقدام زودهنگام فوران استثنایی نفت در بابا کرکر نزدیک کرکوک در ۷ اکتبر ۱۹۲۷ بود.[۱] با این حال، عملیات تولید نفت با گذشت سال‌ها شروع و توافق شد دو خط لوله نفت به سوی غرب و دو کشور سوریه و لبنان که تحت قیمومت فرانسه بودند، کشیده شود. البته صادرات نفت عراق تنها در اواخر سال ۱۹۳٤ شروع شد.

اما تاریخ سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش نفت عراق به نیمه دوم قرن نوزدهم باز می‌گردد. اولین امتیاز بهره‌برداری از نفت عراق در سال ۱۹۲٥ به مدت ۷٥ سال به شرکت نفت ترکیه داده شد. هم‌چنین دو شرکت فرعی این شرکت به نام‌های شرکت نفت موصل و شرکت نفت بصره توانستند امتیازهایی مشابه را به ترتیب در سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۸ به دست آورند. این سه امتیاز کل اراضی عراق را تحت پوشش قرار می‌داد.[۲] به موجب توافق‌نامه‌ای که با فشار انگلستان به امضا رسید، امتیاز نفت عراق به صورت انحصاری به شرکت نفت عراق (IPC) داده شد. این شرکت هم سهم خود از نفت عراق را با شرکت‌های غربی یعنی شرکت نفت انگلیس و ایران (که بعداً به شرکت بریتیش پترولیوم (BP) تغییر نام داد)، شرکت هلندی شل، یک گروه نفتی امریکایی (نیوجرسی استاندارد اویل وسکونی ـ فاکوم که بعداً موبیل نامیده شد) و شرکت فرانسوی پترول (CFP) تقسیم می‌کرد. هر کدام از این شرکت‌ها ۲۳/۷٥ درصد سهم داشتند، در حالی که ٥ درصد هم به کالوست کولبنکیان

۱. ستیف همسلی لونکریک، *العراق الحدیث من سنة ۱۹٥۰ ـ ۱۹۰۰*، ترجمه سلیم طه التکریتی، بغداد: منشورات الفجر، ۱۹۸۸، ص ۳۴۲.

۲. عباس النصراوی، «الاقتصاد العراقی: النفط، التنمیة، الحروب، التدمیر، الآفاق، ۲۰۱۰ ـ ۱۹٥۰»، ترجمه محمد سعید عبد العزیز، بیروت: دار الکنوز الادبیة، ۱۹۹٥، ص ۱۴.

(یکی از بازرگانان مطرح عراقی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹٦۰) اختصاص داشت. وضعیت تولید نفت در عراق مانند وضعیت سایر کشورهای خاورمیانه بود و تحت سیطره انحصاری شرکت‌های نفتی جهان قرار داشت.

در سال ۱۹٤۸ اعضای سه شرکت نفتی فوق توانستند مکانیسمی پیچیده برای حرکت شرکت نفت عراق وضع کنند. آنها نیازهای خود به نفت را برای مدت پنج سال مشخص و تعیین کردند که نفت را در مبادی دریای مدیترانه یا خلیج فارس با قیمت تمام‌شده دریافت کنند؛ به خصوص که مبنای شرکت نفت عراق بر این اساس بود که به دنبال سود نبود. اما نفتی که باقی می‌ماند در همان مبادی با در نظر گرفتن هزینه تولید و قیمت اعلام‌شده برای نفت قیمت‌گذاری می‌شد.[1]

در چارچوب سیستم امتیازدهی موجود، شرکت‌های خارجی از حق مشخص کردن سطح تولید و قیمت نفت برخوردار شدند و دولت عراق هم بدون اینکه از درآمدهای نفت سهمی داشته باشد، فقط این نفت را تحویل می‌داد. سیستم قیمت‌گذاری خاصی که این شرکت‌ها در نظر گرفته بودند باعث می‌شد مصرف‌کننده عراقی پول زیادی برای نفت بپردازد، زیرا قیمت نفت بر اساس قیمت‌های اعلام‌شده در خلیج مکزیک مشخص می‌شد.[2] درخواست‌های دولت عراق برای افزایش سهم خود از نفت صادراتی بالا گرفت و تحت فشارها و شرایطی که بازارهای جهانی نفت تحمیل کردند، شرکت‌های نفتی و دولت عراق وارد مذاکراتی شدند که نتیجه آن امضای توافق‌نامه‌ای در سال ۱۹۵۲ بود که پیشرفت مهمی در صنعت نفت عراق به حساب می‌آمد و زمینه را برای ایجاد تحولی اساسی در روند اقتصاد عراق و صنعت نفت فراهم کرد.

---

۱. همان، صص ۱٤ ـ ۱.
۲. همان، صص ۱۷ ـ ۱٦.

به موجب این تغییر، سهم دولت عراق از نفت صادراتی از ۲۲ سنت امریکا در سال ۱۹۵۰ به ۸٤ سنت طی سال‌های ۱۹۵۸ ـ ۱۹۵۲ افزایش یافت.

رشد تولید نفت و درآمدهای آن، تحولی اساسی در اقتصاد عراق در دهه پایانی حکومت پادشاهی به شمار می‌آمد؛ در سال ۱۹۲٦ عراق ٤/٦ میلیون تن نفت تولید می‌کرد. این تولید به تدریج افزایش یافت و در سال ۱۹۵۸ به ۳۵ میلیون تن رسید و هم‌زمان ۸۰ میلیون دینار از درآمدهای نفت نصیب عراق شد.[1] دوره پس از سقوط حکومت پادشاهی در عراق با افزایش چشم‌گیر درآمدهای حکومت مشخص می‌شود که باعث اتکای بیشتر حکومت به نفت و درآمدهای آن شد.

پس از کودتای سال ۱۹۵۸، مذاکرات با مشکل مواجه و روابط بین دولت جدید و شرکت‌های نفتی بحرانی شد، چون این شرکت‌ها در پاسخ‌گویی به تقاضای افزایش اکتشاف و صادرات نفت عراق جدی نبودند. دولت نیز قانون شماره ۸۰ را در سال ۱۹٦۱ صادر کرد که به موجب آن، امتیازهایی که شرکت‌های نفتی دریافت می‌کردند، محدود می‌شد.[2] بدین‌ترتیب، دولت توانست سیطره خود را بر راضی که از لحاظ تولید نفت توسعه نیافته بودند و ۹۹/۵ درصد اراضی تحت کنترل شرکت‌های خارجی را شامل می‌شدند، مستحکم کند. سرانجام در سال ۱۹٦٤ شرکت ملی نفت تأسیس شد تا اهداف کلان سیاست ملی نفت را اجرایی کند. اما این شرکت در تحقق اهدافی که برای آن در نظر گرفته شده بود، شکست خورد. با وضع قوانین سال ۱۹٦۷ که

---

۱. غسان سلامة، *المجتمع و الدولة فی المشرق العربی*، چ ۲، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، بیروت، ۱۹۹۵، ص ۱۸۴.

۲. رمزی سلمان، «السیاسة النفطیة»، فی: *احتلال العراق و تداعیاته عربیا و اقلیمیا و دولیا: بحوث و مناقشات الندوة الفکریة التی نظمها مرکز دراسات الوحده العربیة*، احمد یوسف احمد [و آخرون]، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۲۰۰۴، ص ۹۰۷.



به شرکت ملی نفت حقوق کاملی برای بهره‌برداری از ذخیره‌های نفتی می‌داد، این شرکت در سال ۱۹۷۲ توانست نفت استخراج‌شده از میدان‌های نفتی را که مشمول این قانون بودند، تولید کند و بفروشد.[۱]

علاوه بر این، در زمینه ایجاد زیرساخت‌های ضروری برای صنعت ملی و پیشرفته نفت، موفقیت‌های گسترده حاصل شد که آموزش کادرهای متخصص، لوله‌گذاری، توسعه شبکه پالایشگاهی، ساخت تأسیسات صادرات نفت و ایستگاه‌های بارگیری، خرید نفت‌کش، و توسعه شبکه بازاریابی تولید نفتی در داخل و خارج را شامل می‌شد.

اولین قرارداد در زمینه خدمات مربوط به نفت بین شرکت ملی نفت عراق و شرکت فرانسوی ایراب با مشارکت ژاپن امضا شد که نقطه حرکت مهمی به حساب می‌آمد. نه فقط به این دلیل که عراق یکی از کشورهای دارنده ذخیره نفتی بالا بود، بلکه جبهه شرکت‌های جهانی نفتی نفوذپذیر شده بود. با استفاده از تأسیسات شوروی و با وام و امضای قراردادی با شرکتی مجارستانی، اولین چاه نفت ملی عراق در جنوب رمیله حفر شد. در کنار این اقدام، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم دیگری صورت گرفت که نتیجه آن بارگیری اولین نفت‌کش عراقی ساخت اسپانیا در آوریل ۱۹۷۲ بود.[۲]

صنعت نفت عراق در دهه ۱۹۷۰ در زمینه توسعه میدان‌های نفتی، افزایش توان تولید، گسترش خطوط لوله، چه برای صادرات چه در داخل برای انتقال فرآورده‌های نفتی و گاز مایع، توسعه بنادر صادرات نفت در ترکیه و حاشیه خلیج [فارس]، گسترش پالایشگاه‌ها، انبار کردن مشتقات نفتی و صنعت گاز

---

۱. عباس نصراوی، پیشین، ص ۲۶.

۲. رمزی سلمان، پیشین، ص ۹۰۹.

رشدی چشم‌گیر پیدا کرد.[1] هم‌چنین عملیات‌های اکتشاف و حفر چاه افزایش یافت. شرکت ملی نفت تعداد گروه‌های ملی لرزه‌نگار و دستگاه‌های حفار را که کادرهایی کاملاً ملی روی آنها کار می‌کردند، افزایش داد. علاوه بر آن، از چند شرکت به عنوان مقاطعه‌کار با هدف کمک برای بالاتر بردن توان و استفاده از امکاناتی که در اختیارشان بود، بهره گرفته شد.[2]

هم‌زمانی سیاست نفتی عراق با رشد قیمت نفت سازمان اوپک در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷٤ باعث بالا رفتن درآمدهای این کشور شد که در تولید ناخالص ملی آن بازتابی مثبت داشت.

در سال ۱۹۷۹ شرکت نفت ملی عراق پس از اکتشاف میدان‌های نفتی جدید و بزرگی مثل مجنون، نهر عمر، حلفایا، غرب قرنه و... طرحی برای افزایش توان تولید خود تا مرز ۵/۵ میلیون بشکه در روز تهیه کرد. هم‌چنین وزارت نفت طرحی برای افزایش توان پالایش نفت و گاز به منظور استفاده کامل از نفت همراه گاز و مجهز کردن کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و ایستگاه‌های تولید برق تدارک کرد.[3]

جنگ عراق و ایران با اولین سال از دهه‌ای جدید همزمان شد که بشارت رشد اقتصادی امیدوارکننده‌ای برای کشور می‌داد؛ به ویژه اینکه دولت در نتیجهٔ تصمیم ملی کردن صنعت نفت و افزایش قیمت جهانی نفت در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷٤ به درامد مالی هنگفتی دست یافته بود. علاوه بر آن، مبالغی در زمینه پروژه‌های زیرساختی، بخش تولید کالا، خدمات اجتماعی، واردات و بخش دفاعی هزینه شده بود. با توجه به ارتباط بین شکوفایی اقتصادی با نفت،

---

۱. عصام الجبلی، «صناعة النفط و السياسة النفطية في العراق»، في: *برنامج لمستقبل العراق بعد انهاء الاحتلال*، بیروت: اعمال ندوة مركز دراسات الوحدة العربية حول «مستقبل العراق»، ۲۰۰۵، ص ۱۲۳.

۲. همان، ص ۱۲۸.

۳. همان، ص ۱۲۳.

جنگ و پیامدهای آن باعث توقف صادرات نفت عراق شد و ضربه سختی به اقتصاد این کشور وارد کرد. درآمدهای نفتی از ۲٦ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۱ کاهش یافت. در نتیجهٔ این کاهش، اهمیت بخش نفت در تولید ناخالص داخلی کم شد. عراق به اجبار برای رسیدن به درآمدهای نفتی به مسیرهای زمینی انتقال نفت از طریق اردن، کویت و عربستان سعودی روی آورد که باعث بالا رفتن هزینه این درآمدها شد. با شدت گرفتن نبردها بخش نفت عراق زیر فشاری شدید قرار گرفت. از یک سو، نفت منبع اصلی درآمد کشور برای رفع نیازهای روزافزون جنگ به حساب می‌آمد و از سوی دیگر، این بخش به منظور فشار آوردن به دولت زیر شدیدترین حملات نظامی بود. از همان روزهای اول جنگ؛ نیروهای ایرانی موفق شدند ضرباتی سنگین به تأسیسات نفتی بصره وارد کنند و به طور کامل آن را از کار بیندازند. ضربه دیگر تصمیم سوریه به بستن خط لوله نفتی بود که از اراضی این کشور می‌گذشت و به همین دلیل سال ۱۹۸۳ صادرات نفت عراق به شدت کاهش یافت. خطرناک‌ترین تأثیر جنگ بر بخش نفت عراق از دست رفتن جایگاه عراق در بازار نفت به نفع عربستان بود که هم‌زمان سهم عراق و ایران را در بازار نفت به خود اختصاص داد. با بحرانی شدن وضعیت بخش نفت، وابستگی عراق به کمک‌های مالی همسایگان خود در حوزه خلیج فارس بیشتر شد.

با این حال، وزارت نفت و شرکت ملی نفت دستاوردهایی متعدد در زمینه پروژه‌های بزرگ مثل لوله‌گذاری برای صادرات نفت از طریق عربستان سعودی و پالایشگاه بیجی داشتند و توان انتقال نفت را از طریق خط لوله‌ای که به ترکیه می‌رفت دوبرابر کردند و پروژه‌های گاز در شمال و جنوب و مناطق دیگر را عملی ساختند.

در دهه ۱۹۸۰ پیشرفت‌های مهمی در زمینه تکیه به بخش خصوصی در مدیریت تأسیسات مشتقات نفتی حاصل شد. با توجه به سیاست خصوصی‌سازی که دولت از ابتدای سال ۱۹۸۷ در مدت زمانی کوتاه (تقریباً یک ماه) اجرا کرد، مدیریت ایستگاه‌های مربوط به نفت از مدیریت ثابت مرکزی به طور کامل به بخش خصوصی واگذار شد. این فرایند موارد زیر را دربرمی‌گیرد. اجاره دادن تمام این ایستگاه‌ها در سراسر کشور به بخش خصوصی به موجب مناقصاتی که سالانه اعلام می‌شود؛ توقف مدیریت دستگاه‌های وزارت نفت بر ایستگاه‌های جدید و تشویق بخش خصوصی به برعهده گرفتن این امر؛ تشویق بخش خصوصی به تأسیس شرکت‌هایی که متولی مدیریت مراکز نفتی می‌شوند؛ فروش وسایل انتقال نفت به کسانی که تأسیسات نفتی را اجاره می‌کنند و مدیریت امور انتقال مشتقات نفتی از طریق بخش خصوصی و فروش ایستگاه‌های کوچکی که ویژه توزیع گاز است.[1]

با پایان یافتن جنگ در ۸ آگوست ۱۹۸۸ مشکلات اقتصادی عراق پایان نیافت، بلکه مرحله‌ای جدید شروع شد که بحران اقتصادی ناشی از دلایل بسیار از جمله پایین بودن قیمت نفت نمود یافت؛ طلبکاران عراق طلب خود را می‌خواستند و بیکاری ناشی از مرخص کردن تعداد زیادی از نیروهای مسلح عراق دامن‌گیر عده زیادی شده بود. از سوی دیگر، با وجود تلاش‌هایی که در سال‌های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ صورت گرفت و صنایع نظامی و غیرنظامی زیر نظر وزارت صنایع و صنایع نظامی در هم ادغام شدند، اقتصاد هم کمکی به حل بحران نکرد. به همین دلیل، بسیاری از پژوهشگران تأیید می‌کنند تهاجم ارتش عراق به کویت به مثابه صدور بحران داخلی بود که حکومت عراق با آن

۱. همان، ص ۱۵۹.

روبه‌رو شده بود.[1] هنگام حمله عراق به کویت توان تولید نفت عراق روزانه ۳/۸ میلیون بشکه بود و انتظار می‌رفت در سال ۱۹۹۱ به ٤/۲ میلیون بشکه در روز برسد.[2] روشن بود جنگ دوم خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ ویرانی کامل اقتصاد عراق و نیروی انسانی و توان مالی آن را در پی داشت.

در دهه ۱۹۹۰، صنعت نفت عراق به علت بمباران‌های هوایی، ویرانی‌ها، محاصره و تحریم، کمبود منابع مالی، و سخت بودن دسترسی به منابع اولیه به دوران تاریکی وارد شد. وضعیت بحرانی این دوره را می‌توان در موارد زیر ملاحظه کرد:

توقف صادرات نفت خام به علت تحریم‌های تحمیلی شورای امنیت سازمان ملل که باعث شد عراق صدها میلیارد درآمد نفتی خود را از دست بدهد و بر جایگاه آن در بازار جهانی نفت نیز تأثیری منفی گذاشت.

توقف سرمایه‌گذاری در صنعت نفت که به فرسودگی تأسیسات و تجهیزات این صنعت و عدم رشد آنها همراه با پیشرفت‌های تکنولوژیکی منجر شد.

تعداد گروه‌های لرزه‌نگار فعال در صنعت نفت قبل از سال ۱۹۹۱ حدود ۷۲ گروه بود که به یک گروه کاهش یافت.

از بیش از ۲۰ سکوی فعال تولید نفت که بیش از نیمی از آنها با کادرهایی ملی کار می‌کردند فقط سه سکو فعال بودند.

پس از سال ۱۹۹۰ عملیات تعمیر چاه‌های نفت و چاه‌های تزریق آب متوقف شد که نتیجه آن بحرانی شدن وضعیت این بخش بود؛ به ویژه با بالا

---

۱. خلدون حسن النقیب، *الدولة التسلطیة فی المشرق العربی المعاصر: دراسة بنائیة*، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۱۹۹۱، إرسین کالایسی أوغلو، *السیاسة الخارجیة الترکیة إزاء الامن الإقلیمی و التعاون فی الشرق الاوسط: العلاقات العربیة – الترکیة... إلی این؟، العرب و جوارهم... الی این؟*، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ص ۲۳۸.

۲ . عصام الجلبی، پیشین، ص ۱۲۳.

رفتن متوسط تزریق دوباره نفت پس از مشتق شدن گاز و سوخت‌های سنگین. به گونه‌ای که متوسط تزریق در میدان نفتی کرکوک گاهی به حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز می‌رسید که باعث وخامت وضعیت این چاه‌ها و پایین آمدن کیفیت نفت تولیدی آن شد.

با توجه به ضعف اطلاعاتی و نیز ضعف در زمینه ارتباطات، ابزارها و تجهیزات، تعداد پژوهش‌های زمین‌شناسی به شدت کاهش یافت.

به علت مشکلات و سختی‌هایی که در بخش اقتصادی وجود داشت، تمایل به بالا بردن تولید نفت کیفیت مدیریت بخش نفت را تنزل داد. به رغم نکات مثبتی که در برنامه نفت در برابر غذا بود، این موضوع با اصرار دولت به افزایش تولید نفت، بدون توجه به مؤلفه‌های فنی، تأثیری منفی بر بخش نفت گذاشت. در نتیجه، به جای اینکه این برنامه سبب بهبود وضعیت بخش نفت شود، چاه‌های نفت وضع بدی پیدا کردند. در ژوئیه ۱۹۹۸ در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد که بر اساس گزارش شرکت سایبولت در خصوص کنترل و زیر نظر داشتن فرایند تولید نفت صادر شده بود، این‌گونه آمده بود: «عراق هم‌چنان به سیاست افزایش تولید نفت خام از چاه‌ها ادامه می‌دهد بدون اینکه اقدام کافی برای حفظ فشار چاه‌ها انجام دهد. در نتیجه، ۲۰ درصد چاه‌های نفت در شمال و جنوب عراق قابلیت اصلاح و تعمیر ندارند.» در این گزارش هشدار داده شده بود افزایش تولید بدون فراهم کردن ابزارها و تجهیزات لازم و زیان‌های خطرناکی به تأسیسات و شبکه لوله‌ها وارد می‌کند و مخالف مبانی معنوی در مدیریت درست و رعایت حقوق است.[1]

نکته جالب اینکه در شرایط سخت ناشی از تحریم عراق دولت در تلاش بود با وعده و وعید از نفت به عنوان سلاحی برای مبارزه با غرب استفاده کند.

---

۱. همان، صص ۱۳۹ ـ ۱۳۸.

در همین راستا، برای اولین‌بار تلاش کرد تعدادی از کشورهای خارجی را به امضای قراردادهایی قابل توجه در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش نفت عراق تشویق کند. در اواسط سال ۱۹۹۱ دولت عراق با شرکت‌های نفتی فرانسوی توتال و ELF و سپس با شرکت‌های چندملیتی تماس‌هایی برقرار کرد.

در جریان کنفرانس نفت که در مه ۱۹۹۵ در بغداد برگزار شد، شرکت‌های بزرگ نفتی از ترس مواجه شدن با تحریم‌های امریکا از شرکت در این کنفرانس خودداری کردند. دولت عراق پس از آنکه دریافت به سختی می‌تواند شرکت‌ها و کشورها را به سرمایه‌گذاری در نفت عراق تشویق کند، به تغییر بنیادین سیاست‌های نفتی خود روی آورد و شیوه مشارکت در تولید[1] را دنبال کرد. هم‌چنین مذاکراتی جدی را با تعدادی از شرکت‌ها برای شکستن محاصره و تحریم شروع کرد. برخی از شرکت‌ها به این سیاست پاسخ دادند و قراردادهایی امضا شد که بزرگ‌ترین آن با شرکت لوک اویل روسیه بود که در سال ۱۹۹۷ در زمینه توسعه میدان نفی غرب قرنه به امضا رسید. اما دولت عراق خیلی سریع متوجه شد که تلاش‌هایش هیچ گشایش سیاسی در پی نداشته و تمام قراردادها و توافق‌نامه‌ها عملاً بلوکه باقی مانده و کار چندانی روی آنها انجام نشده است. این وضعیت دولت را بر آن داشت که قرارداد امضاشده با شرکت لوک اویل را در دسامبر ۲۰۰۲، تنها سه ماه قبل از شروع جنگ علیه عراق، لغو کند.[2] در ژوئن ۱۹۹۷ چند قرارداد دیگر با شرکت‌های چینی به رهبری شرکت CNPC برای توسعه میدان نفتی احدب نزدیک کوت

---

1. Production Sharing

۲. در مارس ۱۹۹۷ قرارداد بزرگی برای توسعه میدان نفتی غرب قرنه امضا شد که پیش‌بینی می‌شود بیش از ۱۱ میلیارد بشکه نفت از آن استخراج شود و متوسط تولید روزانه آن ۶۱۰ هزار بشکه باشد.

امضا شد. در سال ۲۰۰۲ قراردادی با شرکت نفت سوریه و قراردادی هم برای اکتشاف نفت نزدیک مرز عراق و کویت با شرکت هندی ONGC امضا شد. علاوه بر آن، قراردادهایی با چند شرکت دیگر امضا شد. در حال حاضر همین قراردادها مشکلی برای دولت عراق شده است و این شرکت‌ها، به ویژه شرکت لوک اویل، با حمایت کشورهایشان مدعی‌اند قراردادشان هنوز پابرجاست.[۱]

از سوی دیگر، در سال ۲۰۰۰ که دولت عراق نفت را با قیمت ۲۵ دلار برای هر بشکه به فروش می‌رساند، سه مرتبه صادرات نفت را متوقف کرد. که خسارتی بالغ بر ۲/۹ میلیارد دلار به اقتصاد عراق وارد کرد و بر درآمدهای برنامه نفت در برابر غذا هم تأثیر منفی برجای گذاشت. در ابتدای آوریل ۲۰۰۲ که اوضاع در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بحرانی شده بود، دولت عراق از ایران خواست به آن در استفاده از نفت به عنوان سلاحی علیه ایالات متحده امریکا و اسرائیل کمک کند. در هشتم همین ماه دولت عراق به مدت یک ماه صادرات نفتی خود را متوقف کرد.

از سوی دیگر، بازنگری قراردادهای یادداشت تفاهم با سازمان ملل قبل از ۹ آوریل ۲۰۰۳ تا پایان مرحله ۱۲، نشان داد مبالغ بسیاری از این قراردادها پرداخت شده است، هر چند ناقص یا مخالف معیارهای اعلام‌شده بودند. این پرداخت‌ها از طریق شرکت کوتکنا صورت گرفته بود که تا هشتم اکتبر ۲۰۰٤ مسئول تأیید و پرداخت بود و پس از آن این وظیفه به بانک مرکزی عراق سپرده شد. ارزش قراردادهایی که مطابق ویژگی‌های اعلام‌شده نبودند ۱۲۸/۷ میلیون دلار و ارزش قراردادهای ناقص ۲۱۳/۷ میلیون دلار بود. خسارت‌های ناشی از این امر تنها به اموال پرداخت‌شده محدود نشد بلکه در آثار ناشی از عدم پاسخ‌گویی به تقاضای بخش تولید در خصوص مواد تولیدی مهم نیز

---

۱. پیشین، صص ۱۳۶ ـ ۱۳۵.

نمود یافت. به همین دلیل، شرکت‌های بخش نفت مجبور شدند پس از رسیدن مواد ناقص یا غیراستاندارد، این مواد را از راه‌هایی دیگر به دست آورند. تقاضای دوباره این مواد زمان زیادی می‌برد و علاوه بر آن به علت انتظار طولانی که در خصوص قراردادهای امضاشده صورت گرفته است، خود این امر با تأخیر انجام می‌شود.[1]

آمارهای مربوط به دهه ۱۹۹۰ نشان می‌دهد به علت تحریم‌های تحمیل‌شده بر عراق اقتصاد این کشور در زمینه صنایع تبدیل و استخراج منابع با مشکلات زیادی مواجه بوده است.[2] هر چند اکثر ناکامی‌ها و شکست‌های اقتصاد عراق ناشی از محاصره اقتصادی این کشور در دهه ۱۹۹۰ بوده، اما بخشی از این ناکامی‌ها نیز به شکست برنامه‌های توسعه اقتصادی مربوط می‌شد که نتوانسته بود متوسط مد نظر از رشد و توسعه را محقق کند. ضمن اینکه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بیشتر درآمدهای کشور برای نیازهای جنگ هزینه می‌شد که تاثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی داشت. در نتیجهٔ این وضعیت، اقتصاد عراق در مقابل شوک‌هایی که به آن وارد می‌شد خیلی حساس و آسیب‌پذیر بود؛ به ویژه در بخش تغییر قیمت کالاها در بازارهای خارجی و بی‌ثباتی‌هایی که در این دهه در بازارهای نفتی وجود داشت.[3]

---

۱. وزارة النفط، مکتب المفتش العام، تقریر الشفافیة الثانی: تهریب النفط الخام و المنتجات النفطیة، التقریر السنوی لعام ۲۰۰۵، ص ۲۰.

۲. سالم توفیق النجفی، «التنمیة الاقتصادیة فی العراق: الحاضر و المستقبل»، در: *احتلال العراق و تداعیاته عربیا و اقلیمیا و دولیا بحوث و مناقشات الندوة الفکریة التی نظمها مرکز دراسات الوحدة العربیة*، پیشین، ص ۸۶۵.

۳. همان، صص ۸۶۷ ـ ۸۶۶.

وضعیت صنعت نفت

در پایان جنگ، وضعیت اقتصاد عراق مشخص شد. خرابی و ویرانی همه جا را گرفته بود. آنچه قبل از اشغالگری وجود داشت، متوقف شد و نهادها و شرکت‌های عمومی در معرض غارت و چپاول قرار گرفتند. مقامات اشغالگر خیلی سریع تعدادی از مستشاران امریکایی را جذب کردند و قدرت مطلق را به آنها دادند بدون اینکه هیچ ضابطه تشکیلاتی و قید و بندی از ناحیه عراق متوجه آنها باشد؛ چنان که هیچ‌گونه تعهدی در قبال ملت عراق نداشتند و به مؤلفه‌های اجتماعی آن بی‌اعتنا بودند. چه بسا تنها التزام آنها این بود که پروژه امریکا در عراق موفق شود.

پس از اشغال، تأسیسات استخراج نفت عراق به شکلی سازمان‌یافته غارت شد و زیان‌های بسیاری به دنبال آورد. می‌توان گفت این میزان ضرر و زیان فراتر از چیزی بود که در جریان جنگ عراق و ایران و جنگ دوم خلیج فارس رخ داد.[1] مراکز شرکت‌های نفت شمال و جنوب و مرکز اکتشاف حبیبیه و بسیاری مراکز پمپاژ، جداسازی گاز، دستگاه‌های حفاری و وسایل انتقال و ذخیره نفت غارت شدند. حجم این ویرانی عظیم که به صنعت نفت عراق وارد شد به حدی بود که برخی از کارشناسان نفتی را بر آن داشت که بگویند بعد از سال‌ها بمباران، تحریم و غارت و چپاول اخیر، آماده کردن دوباره بخش نفت عراق نیازمند هزینه‌ای ۵۰۰ میلیارد دلاری است.

از همان روزهای اول جنگ امریکا علیه عراق تردیدهایی در خصوص نگرش نیروهای اشغالگر امریکایی به نفت وجود داشت. حفظ وزارت نفت عراق از سوی امریکا، بدون توجه به وزارت‌خانه‌های دیگر، تردیدهایی درباره اهداف اشغال عراق برانگیخت و این دیدگاه را تقویت کرد که هدف از تهاجم

---

۱. عصام الجلبی، پیشین، ص ۱۲۴.

به عراق رسیدن به نفت این کشور بوده است. به رغم اینکه مقامات اشغالگر مدعی‌اند در جهت توسعهٔ نقشِ عراقی‌ها در بازسازی این کشور اقدام کرده‌اند، هماهنگ‌کنندگان ائتلاف موقت که بعدها به آنها «مشاور» گفته شد، کسانی بودند که عملاً وزارت‌خانه‌ها را اداره می‌کردند و کارمندان عالی‌رتبه وزارت‌خانه‌ها از این شکایت داشتند که این افراد چیز زیادی درباره چگونگی هزینه و مدیریت درآمدهای نفت نمی‌دانند.[1]

علاوه بر این، دولت امریکا صنعت نفت عراق را به گونه‌ای آماده کرده بود که هم‌چون شرکتی امریکایی عمل کند. لذا مدیر اجرایی و گروه اداری مشغول به کار در این بخش از حمایت کارمندان امریکایی برخوردارند. تمام افراد در برابر شورای مشاوران که تابعیت‌های مختلفی دارند، مسئول‌اند. ریاست شورای مشاوران را فیلیپ جی. کارول بر عهده دارد که در گذشته مدیرکل شرکت نفت شل و شرکت مهندسی فلور بوده است. بنابراین ملاحظه می‌شود قصد امریکا تحکیم سیطره خود بر نفت عراق بوده است.[2] کارول نقش خود را چنان توصیف می‌کند که تنها به برطرف کردن نیازهای کوتاه‌مدت بخش نفت و اصلاح تأسیسات تولید بسنده نمی‌کند، بلکه به دنبال برنامه‌ریزی برای تشکیل دوباره وزارت نفت است تا کارایی آن بهبود یابد و توان تولید آن به شکلی چشم‌گیر بالا رود. در ماه اکتبر «باب ماکی» از شرکت کونکو فلپس جانشین کارول شد و در مارس ۲۰۰٤ هم مایکل استنسون از شرکت کونکو فلپس و باب مورگان (که در مه ۲۰۰٤ در بغداد کشته شد) از شرکت بریتیش پترولیوم

---

۱. المجموعة الدولية للازمات (الشرق الاوسط)، اعادة اعمار العراق، التقرير رقم ۳۰ للمجموعة الدولية لمعالجة الازمات (الشرق الاوسط)، ۲ سپتامبر ۲۰۰۴، ص ۱۱.

۲. جيف سيمونز، *عراق المستقبل: السياسة الامريكية فی اعادة تشكيل الشرق الاوسط*، بيروت: دار الساقی، ۲۰۰۳.

جایگزین باب ماکی شدند.[1]

مقامات اشغالگر به حمایت از تولید نفت و صادرات آن روی آوردند تا درآمدهایی را محقق کنند که دولت و اقتصاد به آنها نیاز دارند؛ تولید نفت از حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز در ژوئن ۲۰۰۳ افزایش یافت و در سپتامبر ۲۰۰٤ از ۲/۵ میلیون بشکه در روز فراتر رفت. اما در طول این مدت عملیات تولید نفت با نوسانات آشکاری همراه بود که علت آن خرابکاری در تأسیسات نفتی، خطوط لوله انتقال نفت، حمله به تأسیسات تولید برق، فساد و بحرانی شدن اوضاع امنیتی بود. اما متوسط تقریباً ثابتی برای صادرات نفت خام حفظ شد.

جدول یک ـ درآمدهای صادرات نفت (میلیارد دلار)

سال / ماه	۲۰۰۳	۲۰۰٤	۲۰۰۵	۲۰۰٦
ژانویه		۱/۲۶	۱/۴۹	۱/۸۴
فوریه		۱/۱۰	۱/۳۴	۲/۱۶
مارس		۱/۶۱	۱/۹۹	۲/۲۵
آوریل		۱/۵۰	۱/۸۳	۳/۰۲
مه		۱/۳۶	۱/۵۷	۲/۹۲
ژوئن	۰/۲	۱/۲۸	۲/۰۳	۳/۰۳
ژوئیه	۰/۳۶	۱/۴۰	۲/۴۷	۳/۴۱
آگوست	۰/۴۴	۱/۲۴	۲/۶۳	۳/۴۴
سپتامبر	۰/۷۳	۱/۷۵	۲/۷۴	۲/۲۴۵/۷۳
اکتبر	۰/۸۶	۱/۹۹	۱/۸۹	۲/۱۹

۱. کریج موتیت، عقود مشارکة الانتاج: التنازل عن مصدر سیادة العراق، ص ۱۵:
http://www.carbonweb.org/documents/crude-designs-arabic.pdf

نوامبر	۰/۸۶	۱/۲۵	۱/۳۴	۲/۴۶
دسامبر	۱/۲۱	۱/۴۴	۱/۶۰	
مجموع درآمدها از ژوئن ۲۰۰۳ تا ۱۰ ژانویه ۲۰۰۷			۷۸۶	

جدول ۲ـ شاخص اقتصادی فصلی نفت

فصول	۲۰۰۳				۲۰۰۴			
	۱	۲	۳	٤	۱	۲	۳	٤
تولید نفت خام	۲/۱۲	۰/۲۹	۱/۰۵	۱/۸۲	۲/۱۰	۲/۰۷	۱/۸۲	۱/۹۹
قیمت فوری نفت خام کرکوک دلار / بشکه	۲۷/۶۵		۲۶/۵۵	۲۶/۸۱	۲۷/۷۱	۳۱/۴۹	۳۶/۴۷	۲۵/۶
قیمت نفت خام برنت دلار / بشکه	۳۱/۴۹	۲۶/۰۳	۲۸/۳	۲۹/۴۳	۳۲/۰۳	۳۵/۳۲	۴۱/۵۴	۴۳/۸۵

منبع: جمهوری عراق، وزارت برنامه‌ریزی و همکاری توسعه، راهبرد توسعه ملی ۲۰۰۷ ـ ۲۰۰۵، ۳۰ ژوئن ۲۰۰۵، جدول ۲، ص ۲۳.

به رغم کاستی‌هایی که بخش نفت در زمینه سرمایه‌گذاری دارد، وزارت نفت در اجرای پروژه‌هایی که در طرح سال ۲۰۰۵ گنجانده شده بودند و بخشی از آنها هم در سال ۲۰۰٤ اجرا شده بودند، شکست خورده است. این موضوع باعث شده است مشکلات بخش نفت ادامه پیدا کند و توان تولید آن افزایش نیابد. به رغم تلاش‌هایی که مسئولان و فعالان بخش نفت انجام دادند، اکثر راه‌حل‌های ارائه‌شده آنی و کوتاه‌مدت بودند. هم‌چنین در سال ۲۰۰٤ برخی پروژه‌های مربوط به بازسازی تأسیسات، انبارها، مخازن، پمپاژها و... بین ۸۰ تا ۹۷ درصد با موفقیت انجام شده بودند، ولی در سال ۲۰۰۵ هیچ اقدامی



برای تکمیل این پروژه‌ها انجام نگرفت.[1]

از سوی دیگر، طرح‌های وزارت نفت برای خرید و اجاره تأسیسات لرزه‌نگاری و بازسازی تأسیسات «شرکت اکتشافات نفتی» که بخش اعظم تجهیزات و نیازهای کار خود و گروه‌هایش را از دست داده بود، شکست خورد. در حالی که در طرح سرمایه‌گذاری سال‌های ۲۰۰٤ و ۲۰۰۵ حدود ۱۸۰ میلیون دلار برای فراهم‌سازی نیازهای این شرکت اختصاص داده شده بود، اما نسبت موفقیت آن تقریباً در حد صفر بود. به عبارتی، این شرکت به علت نداشتن تأسیسات لرزه‌نگاری هم‌چنان در انجام عملیات‌های مربوط به اکتشاف نفت ناتوان بود.[2]

در خصوص پروژه‌های حفر چاه هم با اینکه طرح‌های در نظر گرفته شده برای این بخش در مقایسه با نیاز واقعی آن اندک بود، اما بخش اعظم آنها محقق نشد. از مجموع ۹۸ چاهی که حفر آنها در شمال کشور برنامه‌ریزی شده بود، تنها شش چاه به صورت کامل حفر شدند و ۱۲ حلقه چاه هم موفقیتی ۳٦ درصدی داشتند. در جنوب نسبت موفقیت حفر چاه‌ها ٤٦ درصد بود. اما در بخش تست چاه‌ها موفقیت صفر بود. علاوه بر این، در پروژه‌های مهم و اساسی که به طور مستقیم با افزایش صادرات نفت خام در ارتباط‌اند، موفقیتی حاصل نشد. (طبق برنامه‌ریزی صورت‌گرفته، این پروژه‌ها باید در سال ۲۰۰۵ به طور ۱۰۰ درصد با موفقیت به پایان می‌رسیدند.) زیرا پروژه‌های بازسازی تأسیسات صادرات نفت در جنوب موفق نبوده‌اند. در خصوص کار گذاشتن لوله ٤۸ اینچ صادراتی به سمت بنادر عمیق ـ به علت پوسیدگی لوله‌های کنونی و عدم تحمل فشار پمپاژ نفت ـ و نیز لوله‌های زمینی ۲۸ اینچ پروژه‌ای

۱. وزراة النفط، پیشین، صص ۵ ـ ۳.
۲. همان، ص ۹.

اجرایی نشده است. در این میان، پروژه‌های بنادر صادراتی بین ۲۰ تا ۳۵ درصد موفق بوده‌اند، در حالی که طبق برنامه‌ریزی صورت‌گرفته باید تا پایان سال ۲۰۰۵ موفقیتی ۱۰۰ درصد داشته باشند.[1]

از آنجا که شرکت‌های نفتی برای برطرف‌سازی نیازهای خود و دستیابی به مواد، تجهیزات و دستگاه‌های مورد نیاز برای راه‌اندازی، نگهداری و توسعه تأسیسات خود اساساً به طرف‌های خارجی وابسته بودند، تأخیر در دستیابی به این نیازمندی‌ها باعث توقف‌های دائم و پیوسته‌ای در این زمینه می‌شد و مشکلات و تأخیرهایی در ساخت، تعمیر و اصلاح به وجود می‌آورد. در حالی که تولید و صادرات نفت خام به علت مشکلات ناشی از زمان بیرون آوردن نفت از چاه تا رساندن آن به تأسیسات صادراتی، در سطح پایینی بود. به اقداماتی که در حال حاضر بر اساس دستورها و ضوابط مرکزی اتخاذ می‌شود، در اکثر موارد تقاضاها در خصوص تجهیزات مورد نیاز بخش نفت پس از گذشت یک سال محقق می‌شود. هم‌چنین موافقت‌ها درباره مسائل مالی، گشایش اعتبار و اقدامات مربوط به تحویل و بارگیری به گونه‌ای است که ادامه این روند کمکی به پیشرفت بخش نفت عراق نمی‌کند و چه بسا تأخیرهایی که هم اکنون وجود دارد باعث شود عراق از میلیاردها دلار درآمد نفت ـ با توجه به قیمت کنونی نفت و تولیدات نفت ـ محروم شود. بنابراین لازم است اقدامات عاجل و فوق‌العاده‌ای انجام گیرد تا مکانیسم‌ها و سازوکارهایی وضع شود که دسترسی شرکت‌های نفتی به نیازهایشان را آسان کند. برای این منظور باید در بخش‌های مختلف مربوط به تولید و صادرات نفت تجدیدنظرهایی صورت گیرد. بازرس کل وزارت نفت برای حل این مشکلات پیشنهاد می‌کند دفترهای این وزارتخانه در برخی کشورها تأسیس

---

۱. همان، ص ۲۱.



شود تا انجام خواسته‌های شرکت‌ها آسان و نیازهای مهم، فوق‌العاده و اضطراری پاسخ داده شود.[1]

تأسیسات صنعت نفت عراق به عمد در معرض تخریب است و به علت تأخیر در انجام تقاضاها و کاستی‌هایی که در بخش تولید و صادرات وجود دارد و نیز به علت ضررهایی که به محیط زیست وارد می‌شود، هزینه‌های هنگفتی به کشور تحمیل می‌گردد. علاوه بر این، ناتوانی در اجرای بسیاری از پروژه‌های نفتی در بخش اکتشاف، حفر چاه استخراج نفت و صادرات آن ضعف زیادی در توان تولید و صادرات ایجاد می‌کند و پویایی بخش نفت عراق را به تأخیر می‌اندزد. مشکل دیگر خسارت‌هایی است که به علت توقف تجهیز سوخت صنعتی به ایستگاه‌های برق و برخی شرکت‌های صنعتی وارد شده و علت آن خراب شدن و از بین رفتن لوله‌های انتقال سوخت صنعتی است.[2]

وزارت نفت برای سال جاری (۲۰۰۷) طرحی بلندپروازانه در نظر گرفته است که متضمن افزایش تولید نفت خام از چاه‌های نفتی سراسر کشور است و در پایان سال توان صادرات نفت کشور را تا مرز سه میلیون بشکه در روز افزایش می‌دهد. در عمل هم برای این منظور در شرکت نفت جنوب سرمایه‌گذاری زیادی شد و چه بسا مهم‌ترین کار انجام گرفته در این خصوص مربوط به آماده‌سازی تأسیسات میدان‌های نفتی مشترک با ایران باشد که از زمان شعله‌ور شدن آتش جنگ عراق و ایران در سال ۱۹۸۰ هم‌چنان متوقف مانده است. شایان ذکر است این تأسیسات شامل سه چاه حفرشده و تعدادی ساختمان، دستگاه‌های پمپاژ، لوله‌های نفت و تجهیزات تولید و سیستم‌های حفاظتی می‌شود.

---

۱. همان، ص ۳۱.
۲. همان، ص ۴۲.



مشکلات صنعت پالایش

ساخت پالایشگاه الدوره به سال ۱۹۵۵ بازمی‌گردد، در حالی که پالایشگاه بصره اوایل دهه ۱۹۷۰ و پالایشگاه بیجی اوایل دهه ۱۹۸۰ ساخته شدند. عراق به منظور برطرف کردن کمبودهایی که در بخش مشتقات نفتی وجود داشت از اوایل دهه ۱۹۷۰ به خرید واحدهای متحرک تصفیه نفت روی آورد که روزانه ۱۰ هزار بشکه را تصفیه می‌کرد. پس از آن دولت در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تعداد دیگری تصفیه‌خانه ساخت و آنها را در مناطق مختلف کشور مثل کسک، حبانیه، کرکوک، صنیه، سماوه، ناصریه و... مستقر کرد. بدین ترتیب، توان ناخالص تولید مشتقات نفتی به بیش از ۲۰۰ هزار بشکه در روز رسید. اما اکثر این تولیدات غیر از واحدهایی بود که بنزین تولید می‌کنند و عمده آنها تنها می‌توانستند سوخت سنگین تولید کنند. با توجه به ساده بودن این واحدهای پالایش برای تولید بنزین و برطرف‌سازی نیازهای داخلی، باید نفت خام زیادی تولید می‌شد که باقی‌مانده آن به صورت سوخت سنگین و گاهی مشتقاتی مثل نفت گاز و نفت سفید بود که خود در صورت وجود نداشتن راهی برای مصرف آن مشکل ایجاد مشکل می‌کرد. عراق از سال ۱۹۸۳ برای مقابله با این وضعیت راه‌های زیر را دنبال می‌کرد: در موارد اضطراری، به ویژه پس از جنگ خلیج [فارس]، اقدام به آتش زدن این مشتقات کرد، انبار کردن در مخازن به ویژه در کرکوک، انتقال توسط لوله‌های نفت خام برای صادرات و هم‌چنین صادرات از طریق تانکرهای نفت‌کش به ویژه به ترکیه و اردن.[۱] بنابراین، مشتقات نفتی که در عراق تولید می‌شد پایین‌تر از سطح مطلوب بود و حتی کیفیت بسیار بدی داشت که محیط زیست را هم به خطر می‌انداخت.

پس از جنگ اخیر، مقامات اشغالگر اقدام به وارد کردن مشتقات نفتی

---

۱. همان، صص ۱۵۰ ـ ۱۴۹.

کردند و از اواسط سال ۲۰۰٤ وزارت نفت عراق مسئولیت واردات این مشتقات را بر عهده گرفت. از اکتبر ۲۰۰٤ عراق شاهد بحران کمبود شدید مشتقات نفتی بود که مقامات مسئول علت آن را پایین آمدن توان پالایش ۵۰ تا ٦۰ درصدی ظرفیت اسمی پالایشگاه‌ها دانستند که خود ناشی از تخریب لوله‌های انتقال نفت خام و کمبود برق بود. اما موضوع فراتر از این بود، زیرا پدیده فساد داخل دستگاه‌های وزارت نفت و مراکز تابعه گسترش یافته بود و مشتقات تولیدی در بازار سیاه به فروش می‌رسید.[۱]

در حال حاضر در عراق ۱۲ پالایشگاه وجود دارد که روزانه بالغ بر ٦٦۷ هزار بشکه تولید دارند. بزرگ‌ترین پالایشگاه‌ها در بصره و بیجی به ترتیب با توان ۱۷۰ و ۱۵۰ هزار بشکه در روز فعالیت می‌کنند. با اینکه تأسیسات خطوط لوله انتقال و صادرات نفت هم‌چنان فعال است، مدت‌هاست به علت عدم رسیدگی مناسب، مشکلات زیست محیطی هم‌چنان پابرجاست و خطرهایی در این خصوص وجود دارد. در حالی که تأسیسات پمپاژ و انبار نفت در جنوب نیازمند توجهی ویژه است.[۲] در سال گذشته پالایشگاهی در سماوه و در سال جاری پالایشگاه کوچکی در نجف اشرف ساخته شد. وزارت نفت برنامه‌ریزی کرده است در بابل و سلیمانیه هم چند پالایشگاه بسازد.

---

۱. همان، ص ۱۴۸.
۲. المجموعة الدولة لمعالجة الازمات، پیشین، ص ۹.



جدول ۳ ـ میزان تولید ناخالص پالایشگاه‌ها در سال‌های ۲۰۰٤ و ۲۰۰۵

ماده	مقیاس تولید	۲۰۰٤	۲۰۰۵
بنزین	میلیون متر مکعب	۳۴۶۰	۳۲۸۱
نفت سفید	میلیون متر مکعب	۲۲۱۰	۱۶۶۲
نفت گاز	میلیون متر مکعب	۴۵۳۰	۴۱۰۷
نفت کوره	میلیون متر مکعب	۱۰۸۷۰	۱۰۷۵۳
گاز مایع	هزار تن	۱۶۰۵۰۰	۹۱۸۸۸

منبع: وزارت نفت عراق، پیشین، ص ۱۳.

آمار جدول فوق نشان‌دهنده کاهش تولید پالایشگاه‌ها از سال ۲۰۰٤ به میزان ۵ درصد در بخش تولید بنزین، ۲۵ درصد در بخش تولید نفت سفید، ۹ درصد در بخش تولید نفت گاز، ۱۹ درصد در بخش تولید نفت کوره و ٤۳ درصد در بخش تولید گاز مایع است، هر چند میزان تولید در سال ۲۰۰٤ و نیز در سال ۲۰۰۵ حدود ٦۰ درصد میزانی بود که برای پالایش آن برنامه‌ریزی شده بود. علت این کاهش به موارد زیر بازمی‌گردد:[1]

۱. پایین آمدن متوسط رساندن نفت خام به پالایشگاه‌ها به علت فرسودگی لوله های انتقال نفت؛

۲. افزایش میزان توقف تولید به علت قطع برق یا نرسیدن سوخت به پالایشگاه و نیز توقف‌هایی که به علت مسائل امنیتی، فنی و... رخ می‌داد.

۳. بالا رفتن عمر واحدهای تولیدی و بی‌توجهی به بخش نگهداری از این تأسیسات و نیز تکیه بر شیوه‌های فنی قدیم که اکثر آنها به بیش از سه دهه

---

۱. وزارت نفت، پیشین، ص ۱۴.

پیش بازمی‌گردد.

٤. تولید میزان زیادی نفت کوره در پالایشگاه‌ها؛ قرار بود بخش زیادی از این ماده برای راه‌اندازی ایستگاه‌های برق استفاده شود، اما در حال حاضر به علت شرایط بد عملیاتی ایستگاه‌ها تنها یک‌سوم این ماده استفاده می‌شود. این مسأله مشکلاتی در پالایشگاه‌ها هنگام تخلیه یا فروش آن (به علت بی‌میلی خریداران به دلیل شرایط منطقه یا سختی انتقال آن) ایجاد کرده است. نتیجه این امر به وجود آمدن مشکلاتی در پالایشگاه‌هاست که توان نگهداری و انبار میزان زیادی از این ماده را ندارند و در نتیجه مجبور می‌شوند آن را به عمق زمین تزریق کنند که علاوه بر خسارت‌های ناشی از عدم استفاده از این ماده، آلودگی چاه‌ها و بالا بردن مواد همراه نفت خام استخراج‌شده، مشکلات زیست محیطی نیز ایجاد می‌کند.

۵. عدم اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری مهم در خصوص اصلاح و توسعه واحدهای مختلف و اضافه کردن واحدهای جدید.

طرح نوسازی پالایشگاه‌ها با ارتقای سطح پالایشگاه‌های موجود شروع می‌شود که در کنار اقداماتی دیگر انجام می‌گیرد و نتیجهٔ کلی آن افزایش توان تولید است. بر اساس یکی از برآوردها در این زمینه، هزینه توسعه سه پالایشگاه موجود بالغ بر یک میلیارد دلار و هزینه ساخت یک پالایشگاه جدید ۲/۷۵ میلیارد دلار خواهد بود. به عنوان گزینه‌ای جایگزین، عراق و سرمایه‌گذاران خارجیِ بخش خصوصی می‌توانند ظرفیت‌های جدیدی برای تصفیه و پالایش نفت ایجاد کنند.

جدول ٤ ـ تولید و واردات مشتقات نفتی (میلیون لیتر در روز)

ماه	۲۰۰۳			۲۰۰٤			۲۰۰۵			۲۰۰٦		
	دیزل	نفت سفید	گازوئیل	دیزل	نفت سفید	گازوئیل	دیزل	نفت سفید	گازوئیل	دیزل	نفت سفید	گازوئیل
ژانویه				۱۳/۹۱	۱۱/۳	۱۳/۳۳	۱۲/۷	۶/۷	۲۰/۶۵	۱۴	۶/۳	۱۸/۱
فوریه	-	-	-	۱۵/۲۱	۱۳/۰۵	۱۶/۶۵	۱۵/۹	۸/۵۵	۲۱/۳	۱۰/۵	۵	۱۲/۲
مارس	-	-	-	۱۵/۰۳	۱۲/۲۸	۱۷/۱۹	۱۹/۷	۸/۰۵	۲۰/۳	۱۲	۵/۷	۱۴/۹
آوریل	-	-	-	۲۲/۷۵	۴/۴۶	۱۹/۳	۱۸/۳	۷/۶	۲۳/۷	۱۳/۵	۴/۵	۱۶/۹
می	-	-	-	۲۲/۹۲	۴۰/۰۵	۱۸/۰۷	۲۲/۲	۴/۴	۲۲/۵	۱۵/۲	۴/۸	۱۷/۴
ژوئن	-	-	-	۱۶/۴۷	۴/۹	۲۳	۱۸/۹	۶/۲۵	۱۸/۳	۱۵/۷	۴/۳	۱۶/۱
ژوئیه	۶/۵	۴/۷۵	۱۳/۵	۱۷/۹۵	۷/۷۵	۲۲/۳	۱۹/۹	۵/۹	۲۳/۹	۱۲/۹	۳/۵	۱۳/۳
آگوست	۱۰/۲۶	۶/۲	۱۴	۱۶	۴/۲	۱۵/۱	۱۹/۳	۵/۲	۲۳/۸	۱۲/۴	۴/۴۷	۱۶/۵
سپتامبر	۱۴/۲۵	۶/۹	۱۷/۳	۱۶/۳۶	۶/۳۵	۱۴/۶	۱۷/۳	۴/۴	۲۰/۹	۱۳/۴	۶	۱۸/۳
اکتبر	۱۴/۷۵	۹/۶	۱۶/۳۵	۱۶/۱۵	۷/۹۵	۱۸/۶	۱۷	۸/۶	۱۸/۹	۱۰/۸	۴/۷	۱۵/۴
نوامبر	۱۳/۱۴	۱۳/۳	۱۱/۷۹۲	۱۶/۵	۷/۷	۱۷/۹	۱۷/۳	۸/۲	۱۹/۹	۱۱/۱	۶/۴	۱۳/۹
دسامبر	۱۲/۳۹	۹/۴	۱۲/۹	۱۸/۳	۱۰/۰۵	۱۷/۶	۱۶/۱	۸	۱۷/۵	۱۰/۰۷	۸/۱	۹/۸

Source: The Brookings Institution, Iraq: Tracking Variables of Reconstruction & Security in Post – Saddam Iraq, 26 January 2007, P. 29

خطوط لوله نفت

عراق چند خط لوله داخلی و خارجی برای انتقال نفت دارد. مهم‌ترین و راهبردی‌ترین خط لوله داخلی این کشور خط لوله حدیثه ـ رمیله است. این خط لوله در جریان جنگ عراق و ایران به علت حملات هوایی ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ و ابتدای ۱۹۸۱ آسیب جدی دید؛ چنان که به علت تحریم‌های اقتصادی سال ۱۹۹۰ و شرایط ناشی از آن آسیب‌های زیادی به آن وارد شد. در حال حاضر هم به علت حملات گروه‌های مسلح آسیب‌هایی به این خط لوله وارد می‌شود. اما خطوط لوله‌ای که نفت را به کشورهای همسایه منتقل می‌کنند همگی متأثر از تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله جنگ‌های طولانی‌مدتی بوده‌اند که منطقه و به طور خاص عراق درگیر آن بوده است. این خطوط لوله عبارت‌اند از:

خط اول، خط لوله کرکوک ـ جیهان (ترکیه): طول این خط لوله ۶۰۰ مایل است و قطر آن ۴۰ اینچ است. این خط لوله روزانه ۱/۱ میلیون بشکه نفت منتقل می‌کند. در جریان جنگ عراق و ایران ظرفیت این خط لوله افزایش یافت و به ۱/۶۵ میلیون بشکه در روز رسید. این خط لوله از ژوئیه ۲۰۰۳ هدف تخریب بوده است. در ابتدای جنگ اخیر به علت حملات هوایی امریکایی‌ها در پی فرو ریختن پل روی بخشی از مسیر این خط لوله نزدیک شهر بیجی آسیب‌هایی به آن وارد آمد که عمده خرابی اواخر سال ۲۰۰۵ تعمیر و بازسازی شد.[1] این خط لوله هم‌چنان نیازمند ایستگاه دوم پمپاژ و سامانه

---

۱. یک خط لوله قدیمی وجود دارد (خط لوله کرکوک ـ حیفا (فلسطین)) که قبل از شروع جنگ جهانی دوم ایجاد شد و شرکت نفت انگلیس و ایران نفت را از این خط لوله منتقل می‌کرد. این خط لوله در سال ۱۹۴۸ با شروع جنگ‌های اعراب و اسرائیل برای همیشه تعطیل و بخشی از آن به اردن فروخته شد. در زمان جنگ و بعد از آن پیش‌بینی‌هایی در مورد این خط لوله مطرح شد اسرائیل قصد دارد دوباره آن را بازگشایی کند.

ارتباطات و حمایت به منظور بالا بردن ظرفیت صادرات آن در سطح قبل از جنگ است.[1]

خط لوله دوم، خط لوله بصره: این خط لوله به موازات خط لوله اول قرار دارد و قطر آن ٤٦ اینچ است. ظرفیت انتقال این خط لوله ۵۰۰ هزار بشکه در روز و هدف از طراحی و ایجاد آن انتقال نفت صادراتی بصره است.

خط لوله سوم، خطوط لوله بانیاس: ایجاد این خط لوله انتقال نفت به حدود ۵۰ سال قبل بازمی‌گردد که قطری ۳۲ اینچی دارد. این خط لوله با قطر ۳۲ اینچ نفت را از میدان‌های نفتی کرکوک در شمال عراق به بندر بانیاس سوریه در ساحل مدیترانه و طرابلس در لبنان منتقل می‌کند. روزانه حدود ۲۰۰ هزار بشکه نفت از این خط لوله از جنوب عراق به پالایشگاه‌های سوریه در حمص و بانیاس منتقل می‌شود. بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ سوریه و عراق از این خط برای دور زدن تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل علیه عراق استفاده کردند. در آن زمان دو کشور موضوع ساخت خط لوله‌ای جدید به موازات این خط لوله را بررسی می‌کردند. در مارس ۲۰۰۳ پمپاژ نفت به این خط لوله متوقف شد، اما تقریباً یک سال بعد روزانه ۲۵۰ هزار بشکه نفت از این خط لوله پمپاژ می‌شد. طرف سوری هم‌چنان از بخشی از خط لوله‌ای که از خاک این کشور می‌گذرد به عنوان بخشی از خطوط لوله صادرات نفت خود استفاده می‌کند.

خط چهارم، خط لوله IPSA: این خط لوله که در زمان جنگ عراق و ایران ساخته شد از خاک عربستان سعودی می‌گذرد. فاز اول آن در سال ۱۹۸٦ با ظرفیت انتقال ۷۵۰ هزار بشکه در روز افتتاح شد که بعدها به یک میلیون و

---

۱. عادل سید احمد، «انابیب الطاقة... الجغرافیة تقود السیاسة»، *السیاسة الدولیة*، ش ۱۶۴، آوریل ۲۰۰۶، ص ۹۵.

۶۵۰ هزار بشکه افزایش یافت. پس از تهاجم عراق به کویت، به دنبال بحرانی که در روابط بین عراق و عربستان سعودی به وجود آمد، این خط لوله بسته شد.

در ژوئیه ۲۰۰۱، عربستان سعودی به رغم اعتراض‌های عراق این خط لوله را مصادره کرد. پس از اشغال عراق، مسئولان عراقی اعلام کردند که تمایل دارند بار دیگر از این خط لوله استفاده کنند. اما عربستان سعودی این خط لوله را به خطی برای انتقال گاز طبیعی به شهر صنعتی ینبع در ساحل دریای سرخ و استفاده از آن در طرح‌های توسعه‌ای تبدیل کرد.

موضوع فقط به این لوله‌ها محدود نمی‌شود. یک خط لوله پیشنهادی هم وجود دارد که برای انتقال نفت عراق از منطقه حدیثه به منطقه عقبه در اردن در نظر گرفته شده است. هزینه ساخت این خط لوله حدود ۲ میلیارد دلار و ظرفیت انتقال آن یک میلیون و دویست هزار بشکه در روز است. اگر این خط لوله ایجاد شود، صادرات نفت عراق از تولیدات جدید افزایش خواهد یافت.
در ماه ژوئیه عراق و ایران یادداشت تفاهمی برای ساخت خط لوله‌ای به طول ۲۴ مایل و ظرفیت ۳۵۰ هزار بشکه در روز امضا کردند که نفت را از بندر بصره به پالایشگاه آبادان در جنوب غربی ایران منتقل می‌کند. در مقابل، ایران مشتقات نفتی تولیدشده را به عراق باز می‌گرداند. علاوه بر این، ایران به عراق اجازه می‌دهد نفت خام را از طریق جزیره خارک صادر و مشتقات نفتی را از طریق بندر ماهشهر ایران وارد کند.[۱]

هر چند خطوط لوله انتقال نفت راهی برای تنوع در روش‌های صادرات نفت به حساب می‌آید، همیشه در زمان جنگ‌ها در معرض حملات قرار داشته است و اختلاف‌ها سیاسی بین عراق و کشورهایی که نفت از آنها

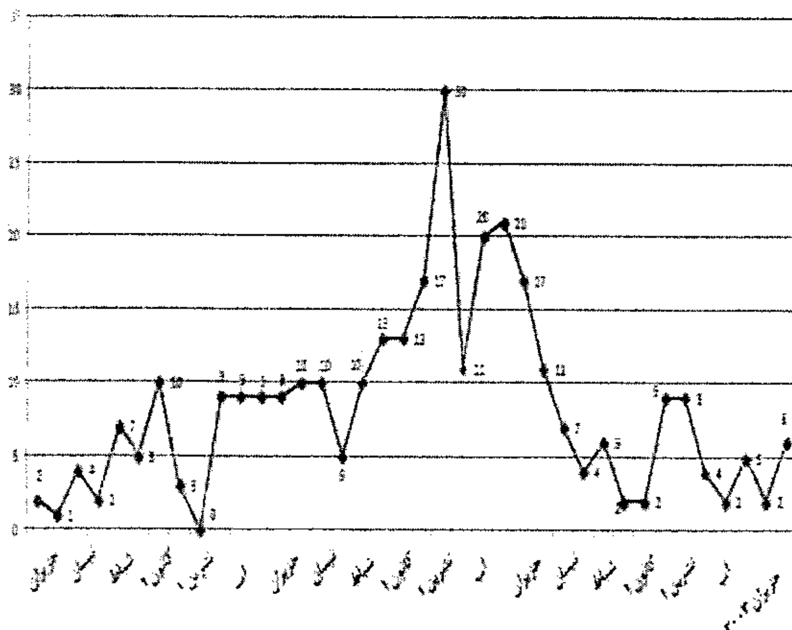
۱. همان، ص ۹۶.

ترانزیت می‌شود بر صادرات نفت از طریق لوله‌ها تأثیرگذار بوده است. امروز هم این خطوط لوله در معرض تهدیدهای داخلی، حملات گروه‌های مسلح و تجاوز گروه‌های قاچاقچی نفت قرار دارد.[1] کمبودها در زمینه نیازهای بخش نفت و نیروهای حفاظتی از این بخش، خطرناک است و بخش نفت را از کار می‌اندازد و باعث خسارت‌های میلیاردی می‌شود. تعرض به لوله‌های انتقال نفت و تخریب آن هم‌چنان ادامه دارد و به خطوط لوله راهبردی انتقال نفت ضربه می‌زنند. تخریب خطوط لوله ۵۵ درصد کل تخریب‌ها در بخش نفت را شامل می‌شود که به طور مستقیم بر روند تولید، صادرات و توزیع نفت تأثیر می‌گذارد. نتیجه این امر خسارت سالانه چهار میلیارد دلار به علت توقف تقریباً مداوم صادرات نفت خام از طریق بندر جیهان ترکیه است. این خسارت ناشی از توقف فعالیت پالایشگاه‌های عراق به علت هدف قرار گرفتن لوله‌هایی که نفت خام را به این پالایشگاه‌ها منتقل می‌کند یا لوله‌هایی است که مشتقات نفتی تولیدشده در این پالایشگاه‌ها را انتقال می‌دهند. برای مثال، توقف یک روزه فعالیت پالایشگاه بیجی خسارتی به بار می‌آورد که شامل بیش از ۱۵ میلیون لیتر تولیدات اصلی این پالایشگاه است و در مقابل این توقف، وارداتی که می‌شود بالغ بر ۸ میلیون دلار ارزش دارد. خسارت‌ها و آثار ناشی از توقف انتقال نفت از طریق لوله‌ها و به جای آن انتقال نفت از طریق تانکرها از خسارت‌های دیگری است که به علت عدم فعالیت لوله‌های نفت حادث می‌شود.[2]

---

۱. المجموعة الدولية لمعالجة الازمات (الشرق الاوسط)، پیشین، ص۳.

۲. وزارت نفت، پیشین، صص ۴۳ ـ ۴۲.



شکل ۱: حملات به تأسیسات نفتی و لوله‌های انتقال گاز (ژوئن ۲۰۰۳ تا ژوئیه ۲۰۰۶)

گاز ثروتی که از آن استفاده نشده است

به موجب آمار و ارقام رسمی وزارت نفت، ذخیره گاز عراق ۳۱۰۰ میلیارد متر مکعب به عنوان ذخیره تثبیت‌شده و ۴۳۵۰ میلیارد متر مکعب به عنوان ذخیره احتمالی است. البته ۷۰ درصد این ذخیرهٔ گازی است که همراه تولید نفت خام استخراج می‌شود و بقیه ذخیره گاز آزاد است که می‌توان آن را از میدان‌های گازی تولید کرد. میدان‌های گازی عراق عبارت‌اند از: جمجمال، خور مور، خشم الاحمر، جرهٔ بیکا و منصوریه. تمام این میدان‌ها در شمال شرقی عراق

واقع شده‌اند. میدان گازی دیگری هم وجود دارد که اواخر دهه ۱۹۸۰ در غرب عراق نزدیک مرزهای عراق و سوریه اکتشاف شده است و میدان گازی عکاز نام دارد. تاکنون از هیچ‌کدام از میدان‌های گازی بهره‌برداری نشده است.[۱]

شایان ذکر است صنعت گاز تا ابتدای دهه ۷۰ صنعتی عقب‌مانده بود و تنها گازی که همراه نفت در کرکوک استخراج می‌شد مورد استفاده یک کارخانه تولید گوگرد قرار می‌گرفت. سپس گاز از طریق لوله به منطقه تاجی در شمال بغداد انتقال می‌یافت تا از آن پروپان و بوتان تولید و گاز مایع برای مصرف داخلی تهیه شود. هم‌چنین گاز به عنوان سوخت به ۱۰ تأسیسات صنعتی در مرکز عراق رسانده می‌شد. در دهه ۷۰ دو واحد گاز مایع با ظرفیت ۲۰۰ هزار تن در سال برای هر کدام از آنها در بصره ایجاد شد تا از بخشی از گازی که از میدان‌های جنوبی کشور به همراه نفت بیرون می‌آید استفاده شود. هم‌چنین شبکه لوله‌ای برای انتقال فاز اول گاز به تعدادی از تأسیسات صنعتی ایجاد شد. در سال ۱۹۷۹ دو پروژه گازی در شمال عراق (کرکوک) و جنوب عراق (بصره) اجرا شد. علاوه بر این، یک شبکه لوله انتقال گاز ایجاد شد که هدفش انتقال گاز عراق از شمال به جنوب و رساندن گاز به کارخانه‌های پتروشیمی، تولید کود شیمیایی، برق، سیمان و... بود. لوله‌هایی نیز برای انتقال گاز مایع ایجاد شد که از موصل و کرکوک در شمال تا بصره در جنوب امتداد داشت. تأسیسات گازی که در حال حاضر وجود دارند، اگر با ظرفیت اسمی خود کار کنند، تنها توان جذب گازی را دارند که به همراه ۳/۵ میلیون بشکه نفت در روز استخراج می‌شود. شایان ذکر است بیشتر تأسیسات فشرده کردن، انبار و صادرات گاز کشور پس از جنگ اخیر ضرر و زیان‌هایی سنگین متحمل شده‌اند؛ چنان که خطوط لوله موجود در عراق هنوز اصلاح نشده و بیشتر آنها

۱. عصام الجلبی، پیشین، ص ۱۵۶.

در فهرست پروژه‌هایی که باید شرکت‌های امریکایی مثل KBR انجام شود قرار نگرفته‌اند. بر این اساس گاز عراق هم‌چنین باید بسوزد و به جای آن مشتقات دیگر نفتی مصرف شود که هزینه زیادی دارد. حتی در حال حاضر هم عراق مقادیر زیادی از این مشتقات را وارد می‌کند که هزینه آن بالغ بر سه میلیارد دلار در سال است.[۱] گاز استخراج شده به همراه نفت حدود ٤٠ درصد گاز تولیدی را شامل می‌شود. اما حدود ۵۸ درصد از آن هدر می‌رود و بقیه در تولید گاز مایع در مجتمع‌های شرکت گاز شمال و شرکت گاز جنوب مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۸۰ درصد این گاز در ایستگاه‌هایی تولید می‌شود که متعلق به شرکت نفت جنوب است. این شرکت برای تبدیل گاز به ماده‌ای قابل استفاده با کاستی‌هایی بسیار روبه‌روست. در برخی ایستگاه‌ها واحدهای خشک کردن آب و در برخی دیگر دستگاه‌های کمپرسور برای فشرده کردن گاز و بالا بردن فشار آن وجود ندارد. برخی ایستگاه‌ها هم فاقد لوله‌هایی برای رساندن گاز از محل تولید (نفت جنوب) به شرکت نفت جنوب هستند. از سوی دیگر، طرف امریکایی در اختصاص مبالغی که برای بازسازی این شرکت وعده داده بود کوتاهی کرد و شرکت KBR هم در تأمین مواد لازم برای راه‌اندازی خط دوم تأخیر کرده است. ناکامی در اجرای پروژه‌های طرح سرمایه‌گذاری سال ۲۰۰۳ به تداوم مشکل پایین بودن سطح تولید و ادامه هدر رفتن گاز (که سوزانده می‌شود) می‌انجامد. در حالی که امکان استفاده از این گاز برای برطرف کردن نیازهای داخلی و نیز صادرات بخش عمده‌ای از آن وجود دارد.[۲]

وزارت نفت اخیراً شرکت شل و یکی از شرکت‌های ژاپنی را مسئول بررسی تحقیقاتی برای آماده‌سازی و راه‌اندازی تأسیسات گازی کرده است.

---

۱. همان، صص ۱۵۷ ـ ۱۵۶.
۲. وزارت نفت، پیشین، ص ۱۶.

هم‌چنین به نظر می‌رسد که دولت عراق در حال حاضر چند ایستگاه تولید برق را با هدف استفاده از گاز به عنوان سوخت در دست ساخت دارد. اما مشکل اینجاست که لوله‌های انتقال گاز موجود توان انتقال گازی را که در آینده تولید می شود، ندارند.[1]

تصمیم عراق به وارد شدن به توافق‌نامه‌ای که در زمینه گاز بین مصر، اردن، سوریه و لبنان امضا شده، با هدف همکاری در زمینه صادرات و واردات گاز اقدامی مناسب است و باید برای ایجاد شبکه‌های لازم و مورد نیاز این کار تلاش شود.[2]

فساد در بخش نفت

طبق گزارش‌های انگلیس، ریشه‌های فساد در بخش نفت به زمانی باز می‌گردد که دادن امتیازهای حق اکتشاف نفت از طریق روابط فردی، امری شایع و رایج در محافل سیاسی عراق بود.[3] هنگامی که نفت عراق ملی شد، صدام تصمیم گرفت سهم مؤسسه پرتغالی کولبنیکان را با عواید سالانه‌اش در حسابی مستقل در خارج کشور نگهداری کند تا برای رهبری حزب پول کافی در اختیار داشته باشد یا در صورت وقوع کودتا یا تهاجمی خارجی از این پول برای بازگشت به قدرت استفاده کند. شورای رهبری انقلاب قانونی صادر کرد که به موجب آن ۵ درصد درآمدهای سالانه نفت به حزب بعث اختصاص می‌یافت و در حسابی ویژه سپرده‌گذاری می‌شد. بر اساس برآوردهای جواد هاشم، وزیر سابق برنامه‌ریزی عراق، مبالغ جمع شده در این حساب در پایان سال ۱۹۸۹ به

---

۱. عصام الجلبی، پیشین، صص ۱۵۸ ـ ۱۵۷.
۲. پیشین، ص ۱۵۸.
۳. لیورا لوکیتز، العراق و البحث عن الهویة، ترجمه دلشاد میران، اربیل: دار ئاراس، ۲۰۰۴، ص ۱۲۰.

حدود ۱۰ میلیارد دلار رسیده بود و در سال ۱۹۹۰ به ۳۱ میلیارد دلار افزایش یافت.[۱] با وضع قانون شماره ۳۲ در سال ۱۹۸٦ در خصوص فروش و اجاره اموال دولتی، فسادی هم آشکار شد که با قانونی سرپوش نهاده می‌شد که به وزیر مربوط اختیاراتی ویژه می‌داد و نزدیکان صدام حسین از آن نفع می‌بردند؛ وزارت صنایع و تجهیزات نظامی ده‌ها تأسیسات دولتی را به بخش خصوصی که در حقیقت ویترین افراد متنفذ و صاحب قدرت است، فروخت.

در سایه توافق‌نامه نفت در برابر غذا، فساد در بخش نفت شکلی بین‌المللی به خود گرفت، زیرا برخی مسئولان، شرکت‌ها و سازمان‌ها در سایه این توافق‌نامه وارد اقداماتی مشکوک شدند. اتهام اعلام‌شده حتی به کوجو انان، پسر دبیرکل سازمان ملل، و بنین سیفان، مدیر سابق برنامه نفت در برابر غذا هم کشیده شد. تحقیقات از دست داشتن شخصیت‌هایی دیگر در فسادی گسترده خبر می‌داد که قربانی آن مردم عراق بودند. درآمدهای حاصل از نفت عراق برای خریدن سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران و هنرمندانی اختصاص می‌یافت که میلیون‌ها بشکه نفت را به صورت کوپن‌هایی دریافت می‌کردند که آن را در هتل الرشید به دلالان می‌فروختند و بعد هم یا پول آن را دریافت یا این پول را به نزدیکان یا دوستان خود منتقل می‌کردند.

نفت کانالی مهم برای فسادهای گسترده شد. در دوره زمانی ۱۹۹۰ ـ ۱۹۹٦ صادرات نفت از طریق قاچاق آن دور از نظارت سازمان ملل انجام می‌گرفت. در نتیجهٔ این وضعیت در همین دوره گروه‌های قاچاقچی دریایی[۲] به وجود آمدند که با خود حکومت همکاری می‌کردند. حتی در سایه توافق‌نامه نفت در

---

۱. پیشین، صص ۱۴۹ ـ ۱۴۸.
۲. این اصطلاح خطاب به گروه‌هایی به کار می‌رود که از خلیج [فارس] برای اجرای عملیات‌های قاچاق نفت استفاده می‌کردند. در حال حاضر این عنوان برای کسانی استفاده می‌شود که در بغداد در زمینه تجارت مشتقات نفت فعالیت می‌کنند.

برابر غذا نیز به علت افزایش فرصت‌ها و بالا رفتن قیمت نفت خام، کار این گروه رونق گرفت. اما با حمله امریکا و فروپاشی حکومت عراق این کار از رونق افتاد. حتی همین فساد در فروپاشی حکومت عراق در ۹ آوریل ۲۰۰۳ نقش داشت.

اما هنوز هم ابهامات و سؤال‌های مهمی مطرح است. در حال حاضر هم به علت عدم تجهیزاتی که میزان نفت عراق را برآورد کند، هنوز در این بخش به صورت شفاف عمل نمی‌شود. این مسأله در تعارض با اقداماتی است که به صورت استاندارد در سطح بین‌المللی انجام می‌گیرد. حتی دولت انتقالی عراق هم اطلاعاتی جدید در خصوص درآمدها و سپرده‌های صندوق توسعه ارائه نکرد. علاوه بر این به نظر می‌رسد که برای به چالش کشیدن مدیریت درآمدهای نفتی در آینده نیز توجه زیادی نمی‌شود. برخی ایده‌ها پیشنهاد شده است؛ مانند تأسیس صندوقی شفاف که به دقت حسابرسی شود و مستقل از بودجه ملی باشد. چنین صندوقی به دور از بحث‌های روزانه‌ای خواهد بود که بین کابینه و مجلس وجود دارد و مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی را به تکنوکرات‌ها می‌سپارد و به دنبال پروژه‌های توسعه‌ای منصفانه و پایدار خواهد بود.[۱]

از سوی دیگر، گزارش سازمان شفاف‌سازی که در سال ۲۰۰۵ منتشر شد حاکی از این بود که برنامه نفت در برابر غذا که از سوی سازمان ملل متحد مدیریت می‌شد، به شکلی بی‌سابقه درگیر فساد مالی و رشوه‌دهی بوده است. سازمان شفاف‌سازی ایالات متحده امریکا را سرزنش کرد که به سوءمدیریت در زمینه قراردادهای مربوط به بازسازی عراق متهم بود و بیشتر این قراردادها را به شرکت‌های امریکایی واگذار می‌کرد. در گزارش‌هایی متعدد ملاحظاتی در

۱. المجموعة الدولية للازمات، پیشین، صص ۲۰ ـ ۱۹.

خصوص ارزش قراردادهایی که در جریان بازسازی عراق به شرکت‌های امریکایی داده شده و می‌شود، مطرح شده است.[۱]

از برجسته‌ترین نشانه‌های فساد در بخش نفت تداوم عملیات قاچاق نفت است. قاچاقچیان نفت روش‌هایی مختلف را برای انجام کار خود دنبال می‌کنند. در مفتیه، ابوفلوس و خور الزبیر (که همگی در استان بصره واقع شده‌اند) قاچاقچیان لوله‌های انتقال نفت را سوراخ و مقادیر هنگفتی از نفت را در قایق‌های کوچک بارگیری می‌کنند؛ در شط‌العرب هشت اسکله غیرقانونی وجود دارد. برخی شبکه‌های قاچاقچیان مرتبط با برخی عناصر مشغول در وزارت نفت نیز اقدام به تحویل غیرواقعی و دروغین محموله‌های مشتقات نفتی وارداتی می‌کنند. در این خصوص فعالان بخش حمل و نقل و نمایندگان شرکت‌های صادرکننده نقش زیادی در این نوع فساد دارند.[۲]

موضوع قاچاق نفت تنها به منطقه جنوبی کشور محدود نمی‌شود؛ در منطقه مرزی بین عراق و اردن هم محلی برای قاچاق نفت سیاه وجود دارد. هم‌چنین مافیای قاچاق از تعدد و تراکم رفت و آمدی که در مرز با ترکیه صورت می‌گیرد، سوء استفاده و نفت و مشتقات آن را به شکلی گسترده به ترکیه قاچاق می‌کند.

علاوه بر قاچاق به خارج کشور، در داخل هم اقداماتی صورت می‌گیرد تا تولیدات نفتی در حجم انبوه تهیه و در بازار سیاه داخل فروخته شود. طبق آمارهای مرکز آمار و فناوری اطلاعات، بیش از یک میلیارد دلار مشتقات نفتی در بازار سیاه فروخته می‌شود که نسبت آن به صورت زیر است: ٤١ درصد

---

۱. کرم عبد العزیز اصلان، پیشین، ص ۱۵۰.
۲. برای اطلاعات بیشتر رک: گزارش دوم سازمان شفاف‌سازی که در بخش‌های قبلی به آن استناد شد.

بنزین، ۵۱ درصد نفت سفید، ٦۹ درصد نفت گاز و ۵۵ درصد گاز مایع. هزینه حقیقی که برای این تولیدات پرداخت می‌شود کمتر از ۲۰ درصد است؛ به این معنی که کسانی که در این بازار سیاه فعالیت دارند حدود ۸۰۰ میلیون دلار درآمد کسب می‌کنند.[1]

از سوی دیگر، عواملی وجود دارند که فساد را تشویق می‌کنند. سیستم پرداخت دستمزد در حال حاضر سیستمی کلی و غیرفنی است. در این سیستم اصل پاداش و ایجاد انگیزه که کارگران در بخش‌های تولیدی از آن بهره‌مند می‌شوند کنار گذاشته شده است. این نوع عملکرد هیچ هم‌خوانی با تمایل به حرکت دادن اقتصاد عراق به اقتصاد بازار آزاد ندارند که در آن نقش حکومت فقط به خدمات اساسی محدود می‌شود. موضوع دیگر اینکه اقدامات مالی از یک وزارت‌خانه به وزارتخانه دیگر و از یک مؤسسه به مؤسسه دیگر حتی در داخل یک وزارتخانه یکسان نیست. علاوه بر این استنادهای مالی که در بخش دستمزد و حقوق می‌شود، ایفای نقش می‌کند؛ به ویژه در عمل کردن به دو قانون خدمت مدنی و قانون وزارت نفت که نتیجهٔ آن به وجود آمدن تناقض‌ها و تداخل‌هایی در بحث قوانین و اقدامات مالی است و باعث می‌شود حسابرسان و مسئولان مالی به سوی چارچوب‌های قانونی و مالی محتاطانه‌تر روی آورند. در نتیجه اکثر کارمندان وزارت نفت پس از چند دهه تبعیض احساس خسران و زیان می‌کنند، در حالی که آنها تولیدکنندگان منبع درآمد عراقی‌ها به حساب می‌آیند.

فساد در عراق به ویژه در سایه اشغالگری به سطحی گسترده و درهم‌تنیده رسیده است. این فساد از این حیث گسترده است که با معامله‌های بزرگ در بخش مقاطعه‌کاری، تجارت اسلحه و دستیابی به نمایندگی تجاری شرکت‌های

---

۱. وزارت نفت، پیشین، ص ۱.

بزرگ چندملیتی مرتبط است. این فساد از این نظر گسترده است که بخش‌های مختلف را شامل می‌شود. این فساد از این نظر درهم‌تنیده است که در دو سطح سیاسی و اداری دیده می‌شود.

عراق و سازمان اوپک؛ چالش‌های همکاری

به رغم اینکه نفت یکی از زمینه‌های همکاری اصلی بین کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس بوده و هست، این موضوع توجیه‌کننده این نیست که کشورهای این حوزه سیاست نفتی واحدی داشته باشند. با این حال، این زمینه‌های همکاری نفتی متأثر از روابط بین هشت کشور حوزه خلیج فارس در داخل سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و به صورت جزئی در داخل سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت (اواپک) است.[۱] هم‌چنین روابط نفتی بی‌تأثیر از آثار منفی منازعات سیاسی و امنیتی حوزه خلیج فارس نیست. از زمان تأسیس سازمان اواپک در نهم ژانویه ۱۹٦۸ در بیروت توسط کشورهای عربستان سعودی، کویت و لیبی، عربستان در مقابل تلاش‌های برای انضمام عراق به این سازمان مقاومت می‌کرد، هر چند شرایط عضویت بغداد در این سازمان کاملا مهیا بود. با وجود پذیرش الجزایر، دبی، قطر، بحرین و ابوظبی به عضویت این سازمان در ژوئن ۱۹۷۰، مخالفت‌ها با درخواست عراق برای پیوستن به این سازمان ادامه یافت تا اینکه در مارس ۱۹۷۲ عراق نیز به همراه مصر و سوریه به عضویت این سازمان پذیرفته شد.

هر چند عراق و عربستان داخل سازمان اواپک همکاری نفتی نداشتند، این هماهنگی در داخل سازمان اوپک راه خود را پیدا کرد. در فاصله زمانی بین

---

۱. محمد السعید ادریس، *النظام الاقلیمی للخلیج العربی*، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة، ۲۰۰۰، ص ۴۳۶.

۱۹۷۱ تا مارس ۱۹۷٤، همکاری نفتی بین کشورهای نفت‌خیز حوزه خلیج فارس شکوفا شد و عربستان توانست جریان تندرو داخل سازمان اوپک را در خصوص بالا بردن قیمت نفت و پایین آوردن تولید آن رهبری کند. اما ایران و عراق از این سیاست ناراضی بودند. هر چند این سیاست منافعی مشترک را محقق می‌کرد، بیانگر سیاست‌هایی مشترک نبود، چون بین این سه کشور، به ویژه عراق همکاری مشترکی وجود نداشت. از ابتدای سال ۱۹۷٤ جلسات اوپک با بحث و منازعات بین دو گروه مشخص برجسته شد: گروه بازها به رهبری ایران و لیبی که در تلاش برای بالا بردن قیمت نفت بود و کشورهای الجزایر، عراق و نیجریه را هم شامل می‌شد. گروه کبوترها که به دنبال ثبات قیمت متوسطی برای نفت بود. رهبری این گروه را عربستان برعهده داشت و کشورهای امارات، کویت و قطر را شامل می‌شد.

شایان ذکر است تحریم‌های اقتصادی که به صورت کلی و سپس به صورت جزئی بر صادرات نفت عراق تحمیل شد به نوعی خدمتی به منافع کشورهای تولیدکننده نفت بود؛ به ویژه که برخی کشورهای عضو اوپک سهم عراق را در بازار به خود اختصاص دادند. از سوی دیگر، پیش‌بینی می‌شد عراق به علت نیازی که به فروش نفت و تأمین منابع مالی برای بازسازی خود داشت، سیستمی را که اوپک برای میزان تولید نفت تنظیم کرده بود، رعایت نکند.

در سال ۲۰۰۱ تولید نفت کشورهای منطقه خلیج فارس از جمله ایران، عربستان و عراق به ۲۸ درصد تولید ناخالص جهانی افزایش یافت. خلیج فارس دوسوم ذخیره نفتی جهان را که حدود ٦٧٩ میلیارد بشکه برآورد و شامل ٦٦ درصد ذخیره کل نفت جهان می‌شود، در اختیار دارد.[1]

۱. سمیر صارم، *انه نفط یا (...) الابعاد النفطیة للحرب علی العراق*، دمشق: دار الفکر، ۲۰۰۳، ص ۴۸.

با توجه به توانمندی‌هایی که برخی کشورهای حوزه خلیج فارس دارند و افزایش قدرت تولید آنها، همکاری بین این کشورها در زمینه نفت اهمیت زیادی پیدا می‌کند. برآوردها حاکی از این است که در سال ۲۰۲۵ کشورهای عربستان سعودی، امارات، کویت، عراق و ایران بیش از یک‌سوم نفت مورد نیاز جهان را تولید خواهند کرد. در این زمان اوپک نیمی از نیازهای جهان به نفت را برطرف می‌کند. تغییراتی که در سال ۲۰۰٤ در بازار نفت جهان رخ داد، اهمیت همکاری بین این کشورها را مشخص کرد. در این زمان توان تولید نفت نتوانست با افزایش ناگهانی که بر بخش نفت سایه انداخته بود مقابله کند. کاهش سرمایه‌گذاری‌ها برای توسعهٔ توان تولید نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس برای پشت‌سر گذاشتن، بحران نفتی در حال نشان دادن خود بود. تا زمانی که اکتشافات نفتی به سطح چاه‌های بزرگی که منطقه خلیج فارس اعتبار خود را از آن گرفته نرسد. با توجه به اینکه میدان‌های نفتی معروف منطقه به نهایت تولید خود رسیده‌اند و نیاز به سرمایه‌گذاری در این بخش دیده می‌شود، همکاری بین کشورهای نفت‌خیز نیازی جدی و اساسی است تا دست‌کم سطح تولید کنونی حفظ شود.

بازیابی توان دوباره صنعت نفت عراق و قدرت آن برای بالا بردن متوسط تولید متناسب با امکانات نفتی عراق بر منطقه تأثیرگذار خواهد بود. احتمال دارد عراق در کنار کشورهای عربستان سعودی، ایران، امارات، کویت و ونزوئلا جزو بازیگران اصلی این سازمان باشد.[1] عراق می‌تواند در تقویت بازار نفت نقش داشته باشد و در نتیجه، موقعیت منطقه را تقویت کند؛ به ویژه اینکه اعتقاد به ملی‌گرایی عراقی و تمایل به آزاد شدن از سیطره امریکا در بخش نفت، در ناکام گذاشتن طمع‌ورزی‌های امریکا و تمایل این کشور برای ورود به

1. Energy International Administration- International Energy Outlook 2005, July 2005, P 39.

منطقه از طریق عراق نقش خواهد داشت.

اخیراً کشورهای کویت، عربستان و ایران اجازه داده‌اند سرمایه‌گذاری‌های خارجی به شکلی محدود در بخش نفت و گاز انجام شود. مانند قراردادهایی که در زمینه تولید و پالایش نفت امضا شده است و به شرکت‌های خارجی اجازه می‌دهد برای تولید نفت سرمایه‌گذاری کنند. اما نفت در دست دولت‌ها باقی می‌ماند و شرکت‌های خارجی فقط سرمایه‌گذارند. بزرگ‌ترین چالش کشورهای منطقه خلیج فارس تکیه عراق به قراردادها و عقود مشارکتی است که به سرعت در حال اجراست. ایران و کویت به طور خاص به این مسأله توجه دارند؛ چنان که سایر کشورهای خلیج [فارس] هم به آن توجه می‌کنند.[1]

از آنجا که هزینه تولید نفت در عراق بسیار کمتر از هزینه تولید در ایران است، این کشور مجبور خواهد بود شرایط قراردادهای خود را به گونه‌ای تغییر دهد که منابع مالی بیشتری برای افزایش توان تولید خود، متناسب با توان تولیدی که عراق ممکن است به آن برسد، جذب کند.

کویت هم که به دلایل سیاسی و راهبردی و مقابله با صدام، شرکت‌های خارجی را از کشورهای بزرگ جذب کرده بود تا در مناطق شمالی و مرزی این کشور برای تولید نفت سرمایه‌گذاری کنند، امروز رقیبی جدید را کنار خود می‌بیند که همان شرکای کویت را برای سرمایه‌گذاری در مرزهای شمالی کویت جذب کرده است.

عربستان هم عراق را رقیبی می‌بیند که سهم این کشور را در بازار نفت خواهد گرفت؛ به ویژه که عقود مشارکتی خواهان افزایش سریع تولید است. این مسأله به معنای مخالفت عراق به پای‌بندی به سهمی است که در اوپک برای آن در نظر گرفته شده است؟ به ویژه اینکه عراق در سال‌های جنگ و

---

۱. رمزی سلمان، پیشین، ص ۹۱۹.

محاصره خسارت‌های زیادی متحمل شده است. در مقابل، عربستان از این وضعیت بهره برد و خود را به عنوان ناجی و برطرف‌کننده نگرانی‌های بازار معرفی کرد و کاستی‌های تولید نفت را که ناشی از مشکلات عراق بوده، جبران کرد. ممکن است عربستان سعودی به دنبال تجدیدنظر در سهمی باشد که در اوپک برای عراق در نظر گرفته شده است یا خود را برای نبردی جدید با عراق جدید برای گرفتن سهم بیشتر در بازار آماده کند که به نفع هیچ‌کدام از این دو کشور نیست.

در خصوص سازمان اوپک باید گفت که عراق یکی از کشورهای مؤسس عضو این سازمان است و نشست مؤسسان این سازمان در سال ۱۹۶۰ در بغداد تشکیل شد. عراق دومین ذخیره نفتی جهان را دارد و برای صادرات نفت هم راه‌های متعددی در خلیج فارس و دریای مدیترانه دارد. حتی از لحاظ نظری در حال حاضر امکان صادرات نفت عراق از طریق دریای سرخ وجود دارد. عراق با توجه به پتانسیلی که برای آینده دارد، در بازار جهانی بیشترین تأثیر را خواهد داشت. در شرایطی که کشورهای عضو سازمان اوپک سراغ تولیدکننده‌هایی خارج از این سازمان رفته و حتی در تلاش‌اند تولیدکنندگان کوچک نفت مانند سوریه، مصر و عمان را راضی کنند، غیرمعقول است که این سازمان در ارتباط با یکی از اعضای مؤسس خود که تولیدکننده‌ای بزرگ و تأثیرگذار در بازار جهانی است، کوتاهی کند. از سوی دیگر، به مصلحت عراق نیست که اوپک را ضعیف کند یا به دنبال تأثیرگذاری روی قیمت نفت و پایین آوردن آن باشد و در از بین بردن دستاوردهایی نقش ایفا کند که خود در محقق کردن آن نقش فعالی داشته است. از سوی دیگر، بازگشت عراق به موقعیتی که حق این کشور در سازمان اوپک است و تلاش آن برای پیشرفت اوپک، به تقویت موقعیت این سازمان به عنوان سازمانی بین‌المللی کمک

می‌کند.[۱]

در این باره که کشورهای عضو سازمان اوپک و رقیب عراق اجازه دهند که عراق سهم خود را در بازار نفت به دست آورد و ضمن ایجاد توازنی دوباره بین تولیدکنندگان نفت اوپک، سهم آنها به شرایط قبل از سال ۱۹۹۰ بازگردد، تردیدهایی وجود دارد. ممکن است بدون رضایت کامل عراق کشورهای عضو به نقطه توافقی دست یابند. بازگرداندن سهم عراق در داخل اوپک در گرو همکاری کشورهای عضو سازمان است و اینکه این کشورها اجازه دهند عراق سهم نفتی خود را در بازار توسعه دهد و بیشتر کند. دولت عراق هم باید سیاست نفتی آرامی را دنبال کند که مبتنی بر منطق همکاری در داخل سازمان اوپک باشد.

پتانسیل‌های امیدوارکننده بخش نفت

عراق از ذخیره نفتی هنگفتی برخوردار است. از مجموع ۷٤ میدان نفتی موجود در این کشور تنها از ۱۵ میدان نفتی استفاده شده است. برخی از این میدان‌های نفتی هم ذخیره نفتی زیادی دارند و با هر مقیاسی که محاسبه شود، جزو میدان‌های بزرگ نفتی به حساب می‌آیند. مجنون، نهر عمر، حلفایا، غرب قرنه، ناصریه، رطاوی و شرق بغداد از جمله این میدان‌ها هستند.[۲] صحرای غربی عراق منطقه‌ای است که انتظار می‌رود نفت زیادی از آن کشف شود، اما هنوز هیچ عملیات کاوشی در این منطقه انجام نشده است. با علم به اینکه از مجموع ۵۸ میدان نفتی باقی‌مانده حدود ۱۰ میدان جزو میدان‌های بزرگ‌اند.[۳]

۱. همان، ص ۹۲۰.
۲. عصام الجلبی، پیشین، ص ۱۲۷.
۳. صالح یاسر، «قطاع النفط بین الخصخصة و خیارات أخری»، *الثقافة الجدیدة*، ش ۳۰۹، ژوئن ۲۰۰۳، ص ۱۸.

میدان‌هایی که در حال حاضر از آنها استفاده می‌شود شامل شش میدان نفتی با حدود ۲۰۰۰ چاه و عبارت است از: میدان‌های نفتی رمیله که حدود ٦۳۰ چاه نفت در آنها حفر شده است؛ میدان‌های نفتی غرب قرنه، زبیر و نهر عمر که حدود ٦۰ درصد نفت عراق از آنها تولید می‌شود؛ میدان‌های نفتی کرکوک که حدود ٤۰ درصد نفت از آنها استخراج می‌شود؛ میدان‌های نفتی مجنون که هنوز بهره‌برداری نشده است. تولید تمام این میدان‌ها در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز بود. در حالی که میزان تولید قبل از جنگ عراق و ایران بالغ بر ۳/۵ میلیون بشکه در روز بود.

جدول ٦ ـ میدان‌های نفتی استفاده‌نشده در عراق

میدان نفتی	ذخیره نفت (میلیارد بشکه)	حداکثر تولید (میلیون بشکه در روز)	هزینه راه‌اندازی و تولید (میلیارد دلار)
جنوب			
حلفایا	۳/۵	۲۲۵	۲
ابن عمر	۶	۴۷۰	۳/۴
مجنون	۲۱	۶۰۰	۴
قرنه غربی	۱۵	۸۰۰	۴
غراف	۱	۱۰۰	۰/۷
ناصریه	۲	۳۰۰	۱/۹
رافدین	۰/۵	۷۵	۰/۷۵
عماره	۰/۳	۸۰	۰/۵
نور	نامشخص	نامشخص	نامشخص
توبه	۱	۱۸۰	۱/۲۵
رطاوی	۲	۲۰۰	۱/۳

[illegible]			
حمرین	۰/۱	۶۰	۰/۵
خورمال	۱	۱۰۰	۲/۵
طقطق	نامشخص	۱۲۰	۰/۵
جلابات	نامشخص	–	–
قمر	نامشخص	–	–
قره شوک	نامشخص	–	–
خشم الاحمر	نامشخص	–	–
قیاره	نامشخص	۱۷۰	۰/۵
قصب	نامشخص	–	–
نجمه	نامشخص	–	–
جاوان	نامشخص	–	–
مرکز			
شرق بغداد	۱۱	۲۰۰	۰/۸
بلد	نامشخص	–	–
احدب	۰/۲	۱۰۰	۱/۳

ریج موتیت، عقود مشارکة الانتاج: التنازل عن مصدر سیادة العراق، جدول أ۳–۱، ص ۳۹:

http://www.carbonweb.org/documents/crude_designs_arabic.pdf

طبق نظر کارشناسان، هر کدام از میدان‌های نفتی نیازمند کاوش‌ها و ارزیابی‌هایی برای ترسیم طرح‌های راه‌اندازی و برنامه‌های حفاری جدید است. این میدان‌ها به ویژه در بخش نفت خام و گاز همراه آن و سیستم‌های مربوط به پمپاژ نیازمند تأسیسات و تجهیزاتی برای نگهداری هستند. تحریم‌های اقتصادی که بر عراق تحمیل شد بر بخش صنعت نفت بسیار تأثیر گذاشت، به نحوی که زیرساخت‌های نفتی تخریب و ویران شد. نتیجهٔ این ویرانی ضررهایی است که به میدان‌های نفتی وارد شده و زیانی دائم را در زمینه توان

تولید و صادرات نفت به این کشور وارد کرده است. نبود قطعات یدکی و تجهیزات مورد نیاز کافی برای بخش نفت در فاصله زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ و در کنار آن تلاش‌هایی پیوسته برای افزایش تولید نفت سبب زیاده‌روی در تولید نفت از چاه‌ها شد. بدون اینکه مسائل مربوط به حفاظت و نگهداری از این چاه‌ها رعایت شود. در چنین شرایطی بسیاری از چاه‌ها وضع نامناسبی پیدا کردند و به علت نبود ابزارهایی برای زدودن آب چاه‌ها تولید نفت در بسیاری از چاه‌های شمال و جنوب متوقف شد، به نحوی که حدود ۲۰ درصد از این چاه‌ها قابلیت اصلاح و تعمیر نداشتند.[۱]

شایان ذکر است تعدادی از شرکت‌های خریدار نفت عراق اخیراً از پایین آمدن کیفیت نفت کرکوک سخن می‌گویند. هم‌چنین تحقیقی که سازمان ملل چند سال قبل انجام داد، نشان می‌داد که تمام چاه‌های نفت عراق وضعیت نامشخصی دارند و علاوه بر بد بودن شرایط انبارهای نگهداری نفت، فناوری مورد استفاده در این بخش قدیمی و عقب‌مانده است.[۲]

هزینه تولید نفت در عراق کمترین هزینه در جهان است، زیرا که میدان‌های نفتی آن نزدیک سواحل دریا قرار دارند و از لحاظ زمین‌شناسی ساختاری ساده دارند. وزارت نفت طرح‌های میان‌مدت و بلندمدتی برای افزایش تولید نفت عراق تهیه کرده است که بر اساس آن میزان تولید نفت عراق به بیش از ٦ میلیون بشکه در روز می‌رسد. هدفی که برای سال ۲۰۰۷ در نظر گرفته شده ۳/۵ میلیون بشکه در روز است. هزینه‌ای که برای این افزایش تولید برآورد می‌شود حدود چهار میلیارد دلار است. از اهداف دیگری اهدافی که در طرح

۱. تیم نبلوک، *العقوبات و المنبوذون فی الشرق الاوسط: العراق ـ لیبیا ـ السودان*، بیروت: مرکز دراسات وحدة العربیة، ۲۰۰۱، صص ۱۰۱ ـ ۱۰۰.
۲. مجید الهیتی، «مساهمة فی النقاش حول نفطنا»، *الثقافة الجدیدة*، ش ۳۰۹، ژوئن ۲۰۰۳، ص ۹.

بخش نفت در نظر گرفته شده افزایش تولید گاز و دعوت از شرکت‌های خارجی برای مشارکت در راه‌اندازی و تولید از میدان‌های نفت و گاز است که بر اساس عقود مشارکت در تولید انجام می‌شود.[1]

با توجه به شرایط خطوط لوله‌ای که از کشورهای سوریه و عربستان می‌گذرد و در حال حاضر یا تعطیل است یا از این لوله‌ها برای کارهایی دیگر استفاده می‌شود، زیرساخت‌های بخش نفت عراق توان صدور روزانه بیش از ٦ میلیون بشکه نفت را دارد (٢/٨ میلیون بشکه از طریق خلیج فارس، ١/٦٥ میلیون بشکه از طریق عربستان، ١/٦ میلیون بشکه از طریق ترکیه و ٣٠٠ هزار بشکه از طریق اردن و سوریه).[2]

در دسامبر ٢٠٠٤ شرکت ملی حفاری نفت برای توسعه میدان نفتی قبة خرمالة قراردادی به ارزش ٤١٥ میلیون دلار با شرکت مهندسی فناوری ایفرس آسیا که شرکتی ترکیه‌ای است، امضا کرد. انتظار می‌رود تولید نفت از میدان مذکور از ٣٥ هزار بشکه در روز به حدود ١٠٠ هزار بشکه در روز افزایش یابد. میدان نفتی دیگری که در فهرست میدان‌های نفتی برای توسعه قرار دارد، میدان نفتی مجنون است که اکتشاف آن به سال ١٩٧٥ باز می‌گردد و ذخیره نفت آن بین ١١ تا ٣٠ میلیارد بشکه برآورد می‌شود. توسعه این میدان نفتی می‌تواند در مدت دو سال باعث افزایش ٤٥٠ هزار بشکه در روز شود که هزینه این کار چهار میلیارد دلار برآورد می‌شود. میدان نفتی دیگری که باید بسیار توسعه یابد، میدان مفنی حلفایه در جنوب است که برآورد می‌شود ٤/٥ میلیارد بشکه نفت داشته باشد. در ژانویه ٢٠٠٥ توافق‌نامه‌ای بین وزارت نفت

---

١. جمهورية العراق، وزارة التخطيط و التعاون الانمائي، الهيئة الاستراتيجية لإعادة الإعمار، استراتيجية التنمية الوطنية ٢٠٠٧ ـ ٢٠٠٥، ژوئن ٢٠٠٥، ص ٢٠.

٢. همان، ص ٢١.

عراق و شرکت‌های شل، BHP، بیلتون و شرکت نفت دجله با هدف افزایش نفت میدان مذکور امضا شد. میدان‌های نفتی کوچکی که ذخیره نفتی آنها به ۲ میلیارد بشکه می‌رسد از جمله میدان‌های مورد توجه شرکت‌های خارجی هستند. این میدان‌ها عبارت‌اند از: میدان ناصریه (شرکت‌های اینی، ریبول، توبا، ONGC، سونا تراک و پترومینی)؛ میدان رطاوی (شرکت‌های شل، پتروناس و کانوکی)؛ میدان غراف (شرکت‌های ماشسنمبورت و روزنیفتکاز اکسبورت)؛ میدان عماره (شرکت بتر ویتنام). در مه سال ۲۰۰۵ عراق یادداشت تفاهم‌هایی با ۳۰ شرکت امضا کرد که آموزش نیروهای عراقی و فعالیت‌های مشاوره‌ای و تحقیقاتی در خصوص گمانه‌زنی نفت را شامل می‌شد.[1]

عراق ذخایر نفتی هنگفتی دارد که بین کشورهای دارای بالاترین ذخیره تثبیت‌شده نفت، پس از عربستان سعودی در رتبه دوم جای می‌گیرد. براساس برآوردهایی که اخیراً انجام شده است، ذخیره نفت خام عراق به ۱۱۲ میلیارد بشکه می‌رسد که معادل ۱۱ درصد کل ذخیره نفتی جهان است.[2] این ذخایر نفتی در ۱۲ استان عراق پراکنده شده است؛ به گونه‌ای که بیش از ٦۰ درصد آن در بصره، حدود ۱۰ درصد آن در کرکوک و بقیه هم در استان‌های عماره، بغداد، ناصریه، موصل، اربیل، صلاح‌الدین، واسط، دیالی، کربلا و نجف قرار دارد.

کارشناسان میزان ذخیره تثبیت‌شده نفت عراق را که قابل استخراج از میدان‌های کشف‌شده و بالغ بر ۷۳ میدان است، بیش از ۱٤۰ میلیارد دلار برآورد می‌کنند. این آمار طبق اطلاعات، داده‌ها و معیارهایی جهانی بوده و هم اکنون هم موجود است. طارق شفیق، کارشناس مسائل نفتی عراق، در اکتبر

---

۱. همان.
۲. مجید الهیتی، پیشین، صص ۹ ـ ۸، همچنین نگاه کنید: سمیر صارم، پیشین.

۲۰۰۳ در ژنو مقاله‌ای ارائه کرد که طبق آن چنانچه براساس شیوه توزیع حجمی[۱] و نسبت موفقیت عملیات‌های اکتشاف عمل شود، حجم ذخایر احتمالی نفت عراق ممکن است بین ۲۸۰ تا ۳٦۰ میلیارد بشکه برسد.[۲] شایان ذکر است رقم‌هایی که در حال حاضر در خصوص ذخایر احتمالی نفت عراق مطرح می‌شود، براساس معیارها و ابزارهایی است که فقط در عراق بر اساس آن عمل می‌شود. باید توجه کرد از دهه ۱۹۸۰ تاکنون از تکنولوژی‌های جدید در این زمینه استفاده نشده است و نسبت‌هایی که در خصوص ذخایر نفت اعلام می‌شود در بیشتر میدان‌های نفتی بین ۱۰ تا ۳۵ درصد نوسان دارد که امر عجیبی نیست، زیرا در بسیاری از کشورهای نفت‌خیز جهان این نوسان بین ۵۰ تا ۷۰ است.[۳]

طبق آمارهایی که شرکت‌های صاحب امتیاز در عراق منتشر کرده‌اند هزینه اکتشاف و تولید نفت در عراق بالغ بر ۲٦ سنت برای هر بشکه است. اما هزینه تولید که هزینه چاه‌ها و تأسیسات تولید را هم شامل می شود، به طور متوسط در مناطق مختلف عراق حدود یک دلار در هر بشکه است.[٤] این هزینه‌ها نسبت به آنچه در سطح جهان وجود دارد، کمتر است.

در خصوص گاز طبیعی باید گفت متوسط رشد ذخایر گاز فراتر از رشد مصرف است. با توجه به احتمالات آینده که در آن بر پیش‌بینی بالا رفتن مصرف گاز در جهان تأکید شده است، دستاوردهایی که در زمینه گاز طبیعی محقق شده است ادامه پیدا می‌کند.[٥] عراق ذخایر گاز طبیعی مهمی دارد که

1. Size Distribution

۲. عصام الجلبی، پیشین، ص ۱۲۷.
۳. همان، صص ۱۲۸ـ ۱۲۷.
۴. همان، ص ۱۲۸.
۵. برایت اوکوغو، الشرق الاوسط و شمال افریقا فی سوق نفطیة متغیرة، صندوق النقد الدولی، واشنطن العاصمة، ۲۰۰۳، ص ۱۳.

می‌تواند در حال حاضر یا آینده از آنها استفاده کند، اما سرمایه‌گذاری‌ها در صنعت گاز هم‌چنان با کوتاهی و کاستی‌های زیادی مواجه است.

نفت و آینده توسعه اقتصادی

قطعنامه شماره ١٤٨٤ شورای امنیت سازمان ملل تصریح می‌کند که درآمدهای نفتی (علاوه بر پولی که سازمان ملل متحد در برنامه نفت در برابر غذا حفظ می‌کند) باید در صندوق توسعه سپرده‌گذاری و از این صندوق برای پرداخت هزینه‌های بازسازی عراق استفاده شود. هدف این قطعنامه پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی ملت عراق، بازسازی اقتصاد عراق، اصلاح ساختارهای اساسی عراق، ادامه خلع سلاح عراق و پرداخت هزینه‌های مدیریت مدنی عراق و نیز اهداف دیگری است که ملت عراق از آنها بهره می‌برد. نظارت بر این صندوق را شورای مشورتی و نظارتی بین‌المللی برعهده دارد که شامل نمایندگانی از نهاد مالی بین‌المللی و سازمان ملل متحد می‌شود.[1] هزینه کردن از این صندوق زیر نظر و کنترل ایالات متحده امریکا و انگلستان انجام می‌گیرد. اما این صندوق فاقد ضمانت‌هایی برای انجام شدن شفاف کار است، زیرا در این قطعنامهٔ شورای امنیت «تصریحی وجود ندارد که ایجاد مکانیسمی برای شکایت کردن یا چیزی شبیه آن را امکان‌پذیر کند و این اجازه را به عراقی‌ها بدهد که درباره مشروعیت پروژه‌هایی خاص یا چگونگی قراردادها نظر خود را بیان کنند».[2]

بانک بین‌المللیْ نیازهای عراق برای بازسازی را ٥٥ میلیارد دلار در ٥ سال آینده برآورد می‌کند که ١/٦ میلیارد دلار به بخش بهداشت، ٦/٨ میلیارد دلار به

١. منظمة العفو الدولية، پیشین، ص ٩٨.
٢. همان، ص ١٠٠.



بخش آب و فاضلاب و ۱۲ میلیارد دلار به بخش برق اختصاص دارد.[1] با استناد به برآوردهایی که در مورد هزینه بازسازی پس از جنگ دوم خلیج فارس وجود دارد، می‌توان گفت هزینه بازسازی عراق بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار است به شرط اینکه اصلاحاتی بنیادین در اقتصاد عراق صورت گیرد. ذخیره نفتی هنگفت عراق نمی‌تواند منابع مالی لازم را برای بازسازی و شکوفایی و رشد اقتصادی فراهم کند، زیرا این کشور نیازمند حمایت مالی شدید جامعه بین‌المللی است تا متوسط سهم هر فرد از تولید ناخالص داخلی به سطح کشورهای مصر و ایران برسد. اگر نیمی از سرمایه عراق برای بازسازی در نظر گرفته شود، به طور ضمنی نیازهای بازسازی بالغ بر ۸۰۰ دلار برای هر فرد است[2] که در مجموع ۲۱/۵ میلیارد دلار می‌شود.

اگر فرض را بر این بگذاریم که عراق می‌تواند سهم خود را در بازار نفت به دست آورد و به تولید و صادرات نفت ادامه دهد، پس می‌تواند درآمدهای مالی مهمی کسب کند. حتی اگر قیمت نفت خام (کرکوک) برای هر بشکه ۵۰ دلار در نظر گرفته شود. هم‌چنین پیش‌بینی می‌شود شکاف بین درآمدها و نیازهای عراق به ارزهای خارجی با کمک کشورهای کمک‌کننده کمتر شود. دولت باید تلاش کند درآمدهای خود را افزایش دهد و طرح‌های توسعه را در سطحی گسترده دنبال کند؛ به ویژه که کاهش فقر و فعال کردن دوباره اقتصاد و متنوع کردن منابع درآمدی باید جزو اهداف دولت باشد.

طبق راهبرد توسعه ملی (۲۰۰۷ ـ ۲۰۰۵)، درآمدهای دولتی برای مدت سه سال ۸۳/۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود (۲۳ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۵، ۲۸/۹ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰٦ و ۳۱/۸ میلیارد دلار برای سال ۲۰۰۷). درآمدهای

---

۱. کاظم المقدادی، پیشین، ص ۳۹.
۲. منظمة العفو الدولية، پیشین، ص ۱۰۴.

نفت خام نیز ۹۰/۳ درصد مجموع درآمدهای عمومی را شامل و حدود ٧٦/٣ میلیارد دلار برآورد می‌شود (به ترتیب ۲۰/۸، ٢٦/٣ و ۲۹/۲ میلیارد دلار). این برآوردها بر مبنای تولید نفت خام در سال ۲۰۰۵ است که حدود ۱/۵، ۱/۸ و ۲ میلیون بشکه در روز با متوسط قیمت ۳۸، ٤٠ و ٤٩ دلار برای هر بشکه برای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ تخمین زده می‌شود. وزارت نفت این برآوردها را با استناد به این فرضیه به دست آورده است که میدان‌های نفتی شمال و جنوب فعال خواهند بود. بر اساس این برآورد، صادرات نفت در ماه‌های گذشته تا ١/٤ میلیون بشکه کاهش یافته که بسیار پایین‌تر از تخمین‌هایی است که در بودجه بیان شده است و علت آن هم بسته شدن لوله‌های انتقال نفت شمال کشور است.[۱]

نزدیک به برآوردهای فوق مؤسسه بروکینگز هم درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام را بین سال‌های ۲۰۱۰ ـ ۲۰۰٦ بیش از ۱۷۰/۵ میلیارد دلار برآورد کرده است که در سال ۲۰۱۰ به حداکثر خود می‌رسد (جدول ۷).

جدول ۷ ـ تراز پرداخت‌ها: صادرات ۲۰۱۰ ـ ۲۰۰٤ (میلیون دلار)

سال	۲۰۰٤	۲۰۰۵	۲۰۰٦	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰
	برآوردها	درآمدهای احتمالی	برآوردهای پیش‌بینی‌شده				
صادرات ناخالص	۱۷/۷۸	۱۹/۱	۲۷/۲۷	۳۱/۸۹	۳۶/۰۹	۳۸/۱۲	۴۰/۶۰
نفت خام	۱۷/۳۲۹	۱۸/۴۱	۲۶/۶۰	۳۱/۱۹	۳۵/۳۵	۳۷/۴۹	۳۹/۹۳
صادرات دیگر	۴۵۲	۶۰۶	۶۶۵	۶۹۸	۷۳۵	۶۲۷	۶۶۲
درصد نفت	۹۷	۹۷	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸

Source: The Brooking Institution, Iraq Indx: Treaking Varibles of Reconstruction& Security in Postsaddam Iraq, July 31- 2006, P. 40

۱. جمهورية العراق، پیشین، صص ۱۱ ـ ۱۰.

ضرورت تخصیص منابع برای توسعه خود را به شکلی برجسته نشان می‌دهد. برای بازسازی و ثبات اقتصادی لازم است منابعی برای اهداف توسعه و تحقق نرخ بالایی از رشد فراهم شود.

دولت باید به دنبال برطرف کردن تأثیراتی باشد که از رژیم سابق برجای مانده و فشار سیاست‌های اشتباه و نتایج جنگ امریکا علیه تروریسم را که بیش از سه سال است بر سرزمین عراق سایه انداخته تحمل کند. برای این منظور عراق قبل از اجرایی کردن ابتکارعمل‌های اقتصادی و مشخص کردن آینده اقتصادی خود، نیازمند امضای برخی قراردادهاست.

تنوع اقتصادی و کاهش اتکای عراق به نفت در کوتاه‌مدت عملی نیست مگر اینکه تحقق این امر یکی از مبانی اساسی در رویکرد آینده دولت باشد.

معمولاً هنگام پیش‌بینی‌ها در خصوص نفت سه سناریو در نظر گرفته می‌شود. در سناریوی بالا فرض بر وقوع حداکثر متغیرها و در سناریوی پایین فرض بر وقوع حداقل این عوامل است. در سناریوی متوسط نیز فرض بر ارزش‌های متوسط است و به همین دلیل، هنگام تعیین برآوردها احتمالات مقبول در نظر گرفته می‌شود. آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) پیش‌بینی می‌کند تولید نفت عراق از سطح کنونی خود بالاتر رود و در ابتدای سال ۲۰۲۵ به ۶/۶ میلیون بشکه برسد با این فرض که قیمت نفت در سطح متوسط ۳۵ دلار برای هر بشکه باشد. در حالی که کاهش قیمت نفت به ۲۱ دلار تولید را به ۸/۶ میلیون بشکه افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، افزایش قیمت به ۴۸ دلار برای هر بشکه تولید را به چهار میلیون بشکه می‌رساند. (نگاه کنید به جدول زیر.)

جدول ۸ ـ برآورد انرژی تولید عراق (میلیون بشکه در روز)

	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۲۰۱۰	۲۰۱۵	۲۰۲۰	۲۰۲۵
سناریوی قیمت متوسط	۲/۲	۲	۳/۵	۴/۲	۵/۳	۶/۶
سناریوی قیمت بالا	۲/۲	۲	۳/۱	۳/۱	۳/۵	۴
سناریوی قیمت پایین	۲/۲	۲	۴	۵/۷	۷/۱	۸/۶

نکته: این سه سناریو بر مبنای فرضیه سه قیمت پایین (۲۱ دلار)، متوسط (۳۵ دلار) و بالا (۴۸ دلار) برای هر بشکه ارائه شده است.

Source: Energy International Adminidtration International Energy Outlook 2005, July 2005, Table E1-3, PP. 165 - 167

حفظ سطح کنونی تولید در بخش نفت و افزایش مضاعف آن در سال آینده نیازمند نوسازی‌های گسترده و به کارگیری تکنولوژی‌های جدید و سیستم‌های سودمندتر در مدیریت تولید و ذخیره نفت است. برای آینده نفت عراق سناریوهای متعددی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سناریوی خوش‌بینانه: وجود میدان‌های نفتی غنی و امکان توسعه آن و تحقق افزایش تولید که ممکن است به شش میلیون بشکه در روز برسد. شرکت‌های نفتی علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در این بخش هستند و عراق هم نیاز روزافزونی به درآمدهای حاصل از فروش نفت برای بازسازی دارد. تمام این موارد انگیزه‌هایی برای افزایش تولید و بیشتر شدن درآمدها خواهد بود. در این سناریو تا حد زیادی مبالغه شده است زیرا رسیدن به این سطح نیازمند دوره زمانی بسیار بیشتر از آن چیزی است که طراحی و پیش‌بینی شده است. در این سناریو هم‌چنین مشکلات بخش نفت عراق که حرکت قطار اقتصاد عراق را کند کرده، نادیده گرفته شده است.

سناریوی کمتر خوش‌بینانه: براساس پیش‌بینی‌های این سناریو، بازگشت به سطح تولیدی که در دهه ۱۹۸۰ وجود داشت، نیازمند گذشت زمانی بین یک و نیم تا دو سال و نیز هزینه‌ای بالغ بر ۱۰ میلیارد دلار است. کارشناسان بر وجود امکاناتی تأکید می‌کنند که در میان‌مدت توان تولید نفت عراق را به شش میلیون بشکه در روز می‌رساند و این میزان در بلندمدت به ۱۰ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد. اما تحقق چنین افزایش تولیدی نیازمند سرمایه‌گذاری به ارزش حدود ۲۰ میلیارد است.[۱]

سناریوی بدبینانه: بر اساس این سناریو به علت ناامنی و عدم ثبات در عراق و نیز ادامه یافتن اقدامات خرابکارانه‌ای که تأسیسات نفتی را هم شامل می‌شود و تولید نفت را تهدید می‌کند، رشد و پویایی در بخش نفت عراق غیرممکن است.

چالش حمایت از مشتقات نفتی

موضوع تجدید نظر در قیمت مشتقات نفتی از جمله امور حساس بوده و هست؛ به ویژه با رسوخ این تفکر که عراق کشوری نفت‌خیز است و شهروندان این کشور حق دارند که نفت را با قیمتی اندک به دست آورند. به نظر می‌رسد سیاست کاهش یارانه‌های دولتی ـ اگر نگوییم حذف کامل آنها قطعاً عملی شود؛ به ویژه پس از توافق‌نامه اواخر سال ۲۰۰٤ با باشگاه پاریس در خصوص بدهی‌های عراق که با موضوع برنامه اصلاحات اقتصادی هم در ارتباط است. در خصوص این اصلاحات با صندوق بین‌المللی پول و نیز بانک بین‌المللی نیز توافق شد. طرح این موضوع متکی به شیوه‌های اجرایی است به شرط اینکه از نگاهی کلی به اقتصاد عراق و سیستم پولی و مالی جدا نباشد.[۲]

---

۱. صالح یاسر، پیشین، ص ۲۰.
۲. عصام الجلبی، پیشین، ص ۱۶۰.

به رغم اینکه منطق اقتصادی ضرورت غلبه و برتری مؤلفه‌های شایستگی و آزاد کردن قیمت‌های مشتقات نفتی در بازار داخلی را تأیید می‌کند، مؤلفه‌های سیاسی و اجتماعی مانع اتخاذ این نوع تصمیم‌های می‌شود. که علاوه بر نتایج سیاسی بر تداوم حمایت مردمی از هر دولتی بازتات دارد.

جدول ۹ ـ یارانه دولتی برای قیمت‌های سوخت

تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۵	۲٤/۲ میلیارد دلار
یارانه مستقیم برای قیمت‌های سوخت	۸/۸ به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی
یارانه غیرمستقیم برای قیمت‌های سوخت	۱۹/۵۳ به عنوان نسبتی از تولید ناخالص داخلی
میزان ناخالص یارانه‌ها	۲۸/۴۱ درصد

منبع: دفتر بازرس کل در وزارت نفت، گزارش دوم شفاف‌سازی؛ قاچاق نفت خام و تولیدات نفتی، ص ۲.

حمایت زیاد از تولیدات نفتی مانعی در برابر توسعه بخش نفت است. نفت خام با قیمت ۳۰۰ دینار برای هر بشکه (حدود ۲۱ سنت) به پالایشگاه می‌رسد، در حالی که قیمت نفت در بازار نفت بیش از ٤۰ دلار برای هر بشکه است. میزانی که روزانه برای پالایشگاه‌ها آماده می‌شود بین ۵۰۰ تا ۵۵۰ هزار بشکه در روز است. به موجب قیمتی که در بودجه سال ۲۰۰۵ برای هر بشکه نفت خام در نظر گرفته شده و بالغ بر ٢٦ دلار برای هر بشکه است، درآمدهای ازدست‌رفته بین ٤/۷ تا ۵/۲ میلیارد دلار در سال خواهد بود. علاوه بر آن، هزینه واردات مشتقات نفتی بالغ بر ۲/٤ میلیارد دلار و مجموع حمایت (یارانه‌ها) بین ۷/۱ تا ۷/۷ میلیارد دلار در سال خواهد بود. این موضوع نه تنها به ضرر درآمدهای دولت است، بلکه به دلسردی بخش سرمایه‌گذاری صنایع می‌انجامد. به موجب توافق‌نامه کمک‌های فوق‌العاده برای مرحله پس از

منازعات که با صندوق بین‌المللی پول امضا شده، دولت ملزم به افزایش قیمت‌های داخلی تولیدات نفتی است.[1]

حل مشکل مربوط به قیمت تولیدات نفتی نیازمند تحلیل عمیق جوانب مختلف این مشکل است؛ چنان که باید در تمام مؤلفه‌ها و عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز تجدید نظر شود، زیرا کوتاهی در هر کدام از آنها تأثیری منفی بر سیاست، اقتصاد و جامعه عراق خواهد داشت و بر شدت مشکلاتی می‌افزاید که این کشور با آنهاست به گریبان است. مطابق پیشنهادی که وزارت نفت در ابتدای سال ۲۰۰۵ به شورای وزیران ارائه کرد، قوانینی صادر می‌شود که طبق آنها به بخش خصوصی اجازه داده می‌شود پالایشگاه‌هایی ایجاد و یا مشتقات نفتی را وارد کند و در بازارهای داخلی به قیمت بازار به فروش برساند که نتیجه آن رسیدن قیمت این تولیدات به سطحی است که در بازار وجود دارد. این فرایند بین یک سال و نیم تا دو سال عملی می‌شود.[2] به رغم وجود جوانب مثبتی که روشن است، برخی موارد منفی هم در این موضوع وجود دارد، با انجام این‌گونه اقدامات؛ نسبت به برخی جوانب اجتماعی کوتاهی می‌شود و ممکن است گرایش‌های مصرفی در اقتصاد بیشتر و نسبت به گرایش‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری دلسردی‌هایی ایجاد شود؛ چنان که ممکن است باعث افزایش جمعیت شود و خانواده‌ها احساس کنند داشتن بچه‌های بیشتر در کسب درآمد آنها اهمیت خواهد داشت. تمام این موارد بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی حتی سیاسی تأثیری منفی می‌گذارد. فرض بر این است که در بلندمدت هزینه‌های اضافی بر حکومت تحمیل می‌شود که برای برطرف کردن نیازهای روزافزون ساکنان به علت

---

۱. جمهورية العراق، پیشین، ص ۲۲.
۲. عصام الجلبی، پیشین، ص ۱۵۳.

تمایل آنها به مصرف بیشتر یا افزایش جمعیت یا هر دو مورد متحمل آن می‌شود.

معتقدم راه‌حل بهتر برای چالش حمایت از مشتقات نفتی در انجام دو اقدام موازی نهفته است: افزایش تدریجی و ساده قیمت‌ها به همراه افزایش ارزش پول عراق به منظور بازگرداندن توازن در قیمت‌ها. این اقدام ممکن است در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نتایجی پسندیده در پی داشته باشد و بسیاری از اقداماتی که افزایش قیمت اسمی قیمت‌ها می‌طلبد به مشتقات نفتی محدود شود؛ در عین حال، ممکن است متوسط تورم افزایش قیمت اسمی را تحت تأثیر قرار دهد.

گزینه‌هایی برای آینده نفت

گزینه‌های متعددی برای آینده نفت عراق مطرح شده است که به طور کلی می‌توان آنها را به چهار گزینه اصلی محدود کرد:

۱. **خصوصی‌سازی کامل:** عده‌ای معتقدند که باید تسلط حکومت بر ثروت‌های نفتی را متوقف و با آزاد کردن این ثروت‌ها از شرکت‌های خارجی و مؤسسات سرمایه‌گذار دعوت کرد به نوعی برای در اختیار گرفتن مسئولیت مدیریت، تولید و توسعه انرژی‌های تولیدی در بخش صنایع استخراجی وارد عمل شوند.[1] با اینکه از اواخر دهه ۱۹۸۰ خصوصی‌سازی در برخی بخش‌ها انجام شده است و دولت به خصوصی کردن بخش‌هایی مهم از صنایع نفتی در بخش توزیع مشتقات نفتی و اجازه دادن به بخش خصوصی برای ساخت و راه‌اندازی ایستگاه‌های سوخت اقدام کرد، نکته جدید در این خصوص حضور برخی شخصیت‌های وزارت نفت در این فرایند خصوصی‌سازی بود که طبق

۱. پیشین، ص ۱۶۵.

الگوی «عقود مشارکتی تولید» انجام می‌گرفت. «کارشناسان حوزه مسائل مربوط به نفت بر این عقیده‌اند که هدف از این کار در درجه اول مسائل سیاسی بوده است؛ در نتیجه در ظاهر مالکیت ذخایر نفتی در دست دولت باقی می‌ماند، اما در عمل این ذخایر به شرکت‌های نفتی واگذار می‌شد.»[۱] احتمال دارد این شیوه به امضای قراردادهایی با شروطی غیرمنصفانه برای عراق منجر شود.

شایان ذکر است دولت عراق در اواسط دهه ۱۹۹۰ این نوع سرمایه‌گذاری را پذیرفت و قراردادهایی هم با شرکت روسی Lukoil و برخی شرکت‌های دیگر، که در بخش‌های قبلی به نام آنها اشاره شد، امضا کرد. در جریان آماده شدن برای ورود به جنگ، دولت امریکا و شرکت‌های نفتی امریکایی این شیوه از توافق‌نامه‌ها را در عراق و در قالب پروژه «آینده عراق» گسترش دادند. این پروژه جزو طرحی بود که قبل از حمله سال ۲۰۰۳ امریکا به عراق ارائه شد. این ایده توسط مقامات ائتلاف موقت به رهبری پل برمر تقویت شد و مورد پذیرش و تأیید برخی سران دولت انتقالی هم قرار گرفت.[۲]

اما مخالفان این رویه معتقدند که نباید نفت را دوباره به شرکت‌های خارجی تسلیم کرد و دستاوردهای ملی کردن صنعت نفت و فرصتی را که برای کنترل و تسلط بر این بخش به دست آمده است، از دست داد. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری به شیوه عقود مشارکتی خسارتی بین ۷۴ تا ۱۹۴ میلیارد دلار را در مدت زمان اجرای این قراردادها برای عراق در پی دارد. این خسارت به ۱۲ میدان نفتی وارد می‌شود که قرار است به صورت مشارکتی در آنها سرمایه‌گذاری شود. هزینه‌ای که دولت در مقابل این سرمایه خواهد پرداخت بین ۷۵ تا ۱۱۹ درصد خواهد بود. در عین حال، شروط سختی برای

---

۱. کریج موتیت، پیشین.
۲. همان، ص ۴.

طرف عراقی وضع می‌شود، زیرا معمولاً عقود مشارکتی در مناطقی استفاده می‌شود که میدان‌های نفتی کوچکی وجود دارد، هزینه‌های تولید نفت بالاست و احتمالات رسیدن به نفت هم به ویژه در مناطق دریایی زیاد نیست.[۱] بنابراین، عقود مشارکتی برای تولید نفت در عراق نوعی تصمیم‌گیری دوباره و بنیادین برای صنعت نفت عراق به حساب می‌آید. در حالی که دو کشور ایالات متحده امریکا و انگلستان در تلاش‌اند در بازار بی‌ثبات و آشفته انرژی به دنبال ایجاد امنیت در این بازار باشند و نیاز شرکت‌های چندملیتی را برطرف کنند تا از این طریق ذخایر جدیدی برای تضمین رشد آینده خود بیابند.[۲]

اما گزینه خصوصی‌سازی بحث مسائل قومیتی را مطرح می‌کنند که نتایج سیاسی وخیمی درپی خواهد داشت.[۳] با این حال، مشارکت دادن بخش خصوصی امری ضروری برای بخش‌های بازاریابی، توزیع و پالایش نفت است. لازم است برای توسعه بخش خصوصی گسترده و متنوعی اقدام شود که بتواند بازاریابی و خدمات نفتی را توسعه دهد و حلقه رابطی بین نفت و سایر بخش‌های اقتصاد باشد.[۴] به رغم تمام این مسائل، با توجه به وضعیتی که بخش خصوصی در عراق دارد و وضعیت سیاسی و امنیتی کشور، در این خصوص که بخش خصوصی بتواند بار سنگین توسعه و پیشرفت بخش نفت عراق را به دوش بکشد، تردیدهایی وجود دارد، به ویژه که این بخش نیازمند سرمایه‌گذاری زیاد است. هم‌چنین بعید به نظر می‌رسد که بخش خصوصی عراق بتواند

---

۱. همان، ص ۴.
۲. همان، ص ۵.
۳. فالح عبد الجبار، «عراق ما بعد الحرب: سباق من اجل الاستقرار و إعادة البناء و الشرعية»، *معهد السلام الامريكي*، تقرير خاص، رقم ۱۲۰، مايو/ أيار، ۲۰۰۴ ص ۱۲.
۴. مجله *الحكمة*، «الثروة النفطية العراقية و التنمية الاقتصادية و التحول الى الديمقراطية»، الحكمة، بغداد: بيت الحكمة، العدد ۴۰، تموز/ يوليو ۲۰۰۵، ص ۵.



مشارکت‌هایی منصفانه با سرمایه‌گذاران خارجی ایجاد کند و در پر کردن خلئی که در مورد منابع مالی و بخش‌های فنی مورد نیاز سرمایه‌گذاری در بخش نفت وجود دارد، ایفای نقش کند.

دادن نقش بیشتر به بخش خصوصی نیازمند تقویت کارامدی دستگاه‌های نظارتی و بازرسی است؛ به ویژه با فراگیر شدن فساد و هرج و مرج سال‌های اخیر که باعث شکوفایی بی‌سابقه بازار سیاه نفت در این کشور شده بود[1] و در نتیجهٔ آن نفت عراق به آسانی در بازارهای کشورهای همسایه وارد می‌شد. بخش خصوصی عراق نیز درگیر فعالیت‌هایی شده بود که در جهت منافع ملی نبود.

۲. **راه‌حل آلاسکا:** بر اساس این گزینه پیشنهاد می‌شود ثروت نفت و برخی درآمدهای نفت بین مردم عراق توزیع شود و به این ترتیب، مردم سهام‌دار ثروت نفتی عراق شوند. این گزینه جذاب‌ترین گزینه به حساب می‌آید، زیرا عراق را به جامعه‌ای تبدیل می‌کند که در آن افراد در برابر این ثروت مسئول‌اند و صاحبان سهام که شهروندان عراقی از نژاد، قومیت و ادیان مختلف‌اند، درمی‌یابند که به شکل برابر و یکسانی از منابع کشورشان برخوردار می‌شوند. این راه‌حل برای عده زیادی که با مشکل بیکاری مواجه‌اند، پذیرفتنی و ممکن است این گزینه دامنه مشارکت اقتصادی را گسترش دهد و بنیانی قوی برای حرکت به سوی دموکراسی به وجود آورد.[2] این راه‌حل به نوعی به اصطلاح رانتی برای مردم است، در حالی که در دهه‌های گذشته این رانت فقط برای نخبگان وجود داشت.

۳. **تجربه نروژ:** این تجربه که مبتنی بر الگوی ایجاد صندوق نفت است که نهادی فرعی و وابسته به بانک مرکزی نروژ آن را اداره می‌کند. این صندوق

---

۱. الجلبی، پیشین، ص ۱۶۱.
۲. عبد الجبار، پیشین، ص ۱۲.



بدان علت ایجاد شد که بین درآمدهای نفتی با درآمدها و هزینه‌های غیرنفتی تفاوت گذاشته شود. این صندوق ابزار شفاف‌سازی است که به دولت و ملت اجازه می‌دهد به شکلی پیوسته از میزان کسری غیرنفتی و مبلغی که از درآمدهای نفتی استفاده می‌شود، مطلع شوند. قدرت صندوق نروژ بدان علت است که این صندوق بخشی از یک نظام حکومتی دموکراتیک هماهنگ[۱] و باثبات است. طرفداران این گزینه به لزوم اداره مستقل دارایی‌های صندوق بدون داشتن ارتباطی با دولت اشاره می‌کنند. در حالی که عده‌ای دیگر پیشنهاد می‌کنند که مقامات بخش نفت به دنبال کاهش مواجه شدن کشور با خطرهایی باشند که ناشی از نوسانات قیمت نفت است و برای این منظور قراردادها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که عواقب این‌گونه نوسانات متوجه شرکت‌های نفتی باشد که با آنها قرارداد امضا می‌شود.[۲] گروه بین‌المللی بحران این گزینه را تأیید می‌کند چون معتقد است باید توجهی جدی به ایجاد صندوقی خاص شود که جدای بودجه ملی عمومی است و ساختار اداری و مدیریتی آن هم تا حد زیادی مستقل از تصمیم‌گیری‌های سیاسی روزمره است.[۳]

اجرای تجربه نروژ، آلاسکا یا تجربه‌ای دیگر نیازمند تحقیقات و بررسی‌هایی برای مراحل مختلف این تجربه‌ها و مبانی و پایه‌های اجرایی آنها در کشورهایی است که از لحاظ نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت از عراق‌اند. بنابراین تنها پس از گذشت چند سال ثبات سیاسی و اقتصادی در عراق می‌توان به این‌گونه تجربه‌ها فکر کرد و به دنبال شیوه‌ای بود که بهترین نتیجه را برای ملت عراق داشته باشد.[۴]

---

۱. *الحکمة*، پیشین، ص ۱۲.
۲. همان.
۳. المجموعة الدولیة لمعالجة الازمات (الشرق الاوسط)، اعادة اعمار العراق، پیشین، ص ۲۱.
۴. الجلبی، پیشین، ص ۱۶۵.

٤. قرار دادن درآمدهای نفتی در اختیار قوه مقننه به جای قوه مجریه: هدف جلوگیری از گرایش‌های استبدادی ناشی از استقلال مالی است که درآمدهای نفتی برای دولت به وجود می‌آورد و آثاری منفی بر مدیریت بخش نفت می‌گذارد و در عین حال، مسائل گروهی و سیاسی بر آن تأثیرگذار خواهد شد. بنابراین، لازم است تمام درآمدهای نفتی و پرداختی مرتبط با بودجه دولت فدرال زیر نظر مجلس نمایندگان باشد.

نیاز به اتخاذ تصمیم سیاسی شجاعانه

نفت قدرت اقتصادی و سیاسی اصلی در عراق به حساب می‌آید. به لحاظ اقتصادی، ابزاری برای تأمین مالی پروژه‌های توسعه و بازسازی این کشور و از لحاظ سیاسی ابزاری برای تحمیل سیطره حکومت و دادن شکلی فردی به نهادهای حکومتی است. توصیف شایع و رایج برای حکومت در عراق «حکومتی رانتی» است که از رانت نفت به عنوان ابزاری سیاسی برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی استفاده می‌شود. پس عجیب نیست که بحث و جدل در مورد درآمدهای نفتی رأس بحث‌هایی باشد که در محافل سیاسی، اجتماعی و دانشگاهی مطرح می‌شود و هر کدام از آنها هم اهداف خاص خود را در پس این بحث‌ها دارند.

در ماده ۱۱۱ قانون اساسی تصریح شده است: «نفت و گاز دارایی تمام مردم عراق در تمام مناطق و استان‌ها به حساب می‌آیند.» بدون تردید، تمام مردم عراق در خصوص این دو منبع درآمدی مهم دارای حق هستند. ماده ۱۱۲ مدیریت بخش نفت و گاز را به صورت مشترک بر عهده دولت فدرال، دولت‌های اقلیم‌ها و استان‌های تولیدکننده نفت گذاشته است. در این ماده تصریح شده است: «اول، دولت فدرال نفت و گاز استخراج‌شده از میدان‌های نفتی کنونی را با دولت‌های اقلیم‌ها و استان‌های تولیدکننده آن مدیریت می‌کند

تا درآمدهای حاصل از آن به شکلی منصفانه و متناسب با پراکندگی جمعیت در سراسر کشور توزیع شود. هم‌چنین سهم اقلیم‌هایی که به شکل احجاف‌امیزی از سوی رژیم سابق متحمل ضرر و زیان شده‌اند مشخص می‌شود تا به این ترتیب، مناطق مختلف کشور به شکلی برابر توسعه یابند. اجرای این امر بر عهده قانون است.

دوم، دولت فدرال و دولت‌های اقلیم‌ها و استان‌های تولیدکننده نفت در کنار هم سیاست‌های راهبردی لازم را برای توسعه نفت و گاز اتخاذ می‌کنند تا اینکه حداکثر منافع برای مردم عراق محقق شود و برای این منظور از جدیدترین تکنولوژی‌ها استفاده و سرمایه‌گذاری‌ها هم تشویق می‌شود.»[۱] این دو ماده از جمله موادی هستند که گروه‌های سیاسی در خصوص آنها اختلاف نظر دارند زیرا بیش از آنکه بازتابی از مشارکت و همکاری باشند، که معمولاً در قانون‌های اساسی به آن توجه می‌شود، بازتابی از این امر هستند که به چه کسی ظلم شده است. در حالی که می‌توان به چارچوبی جایگزین دست یافت که براساس مبانی مشارکت، همکاری، شهروندی و عدم تبعیض باشد.

گروه بین‌المللی بحران اشاره می‌کند که کردها براساس تفسیر خاص خود از ماده ۱۱۲، شکل ارائه‌شده از آن را پذیرفته‌اند. «سیفین دزه ئی»، مدیر دفتر روابط بین‌الملل حزب دموکرات کردستان که رهبری آن را مسعود بارزانی بر عهده دارد، معتقد است: «در مورد کرکوک تولید نفت از میدان‌های شناخته‌شده نفت و میدان‌های سرمایه‌گذاری‌نشده منحصراً بر عهده اقلیم کردستان است، چون کرکوک پس از همه‌پرسی سال ۲۰۰۷ به این اقلیم اضافه می‌شود.[۲] ما

۱. جمهورية العراق، دستور جمهورية العراق، الطبعة الثانية، نيسان /ابريل ۲۰۰۶، المادتان ۱۱۱ و ۱۱۲.
۲. المجموعة الدولية لمعالجة الازمات (الشرق الاوسط)، تفكيك العراق: عملية دستورية تتعثر، ايجاز كرايسز جروب للشرق الاوسط، رقم ۱۹، ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۶، ص ۹.

می‌توانیم با درس گرفتن از کشورهای تولیدکننده نفت و گذشته عراق به بررسی علنی شیوه مدیریت درآمدهای نفت بپردازیم.»[۱]

بازسازی ساختار بخش نفت و ادغام شرکت‌های ملی نفت در شرکتی واحد موضوعی است که در حال حاضر مطرح است. وزارت نفت برای اجرای سیاست‌ها و اقداماتی برنامه‌ریزی می‌کند که وضوح، شفافیت و مورد قبول بودن ویژگی آن است تا از این طریق سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کند. دنبال کردن راهبردی برای ترویج مشارکت بین شرکت‌های نفت و گاز عراقی و شرکت‌های خارجی امری مهم برای دستیابی به منابع مالی به منظور سرمایه‌گذاری‌های لازم جهت توسعه و بازسازی صنایع نفتی است.[۲]

در حال حاضر بحث‌های داغی در مورد پیش‌نویس قانون نفت و گاز عراق در جریان است.[۳] این قانون که اواسط مارس سال جاری ارائه شده از ۴۳ ماده تشکیل شده و شامل هفت فصل و چهار پیوست است. بررسی این قانون بر خلاف فضای بحرانی که همراه با بحث تدوین قانون اساسی بود، هم‌چنان ادامه دارد و نمونه آن را می‌توان در نگرش کردها ملاحظه کرد.[۴] کردها بیش از

---

۱. المجموعة الدولية لمعالجة الازمات (الشرق الاوسط)، اعادة إعمار العراق، پیشین، ص ۲۱.
۲. جمهورية العراق، پیشین، ص ۲۱.
۳. این قانون را کمیته‌ای متشکل از ثامر الغضبان، فاروق القاسم و طارق شفیق تهیه کرده است. این افراد از کارشناسان صنعت نفت هستند و به عنوان افرادی صاحب تجربه و شایسته شناخته می‌شوند. قانون نفت و گاز چندین مرتبه اصلاح شد و تا زمان تهیه این مطلب دو ویراست از آن ارائه شده است: ابتدا در نیمه ماه ژانویه گذشته و بعد هم در نیمه ماه فوریه.
۴. البته اشتی هورانی، وزیر نفت اقلیم کردستان، در جریان برگزاری نشستی در دبی که پارلمان عراق در دبی با امارات متحده عربی برای بررسی پیش‌نویس این قانون تشکیل داده بود، مخالفت خود را با نسخه اصلاح‌شده قانون نفت و گاز نشان داد و آن را مغایر قانون اساسی دانست. او گفت: «کردها کار را به موجب قراردادهایی که در گذشته امضا کرده‌اند، ادامه خواهند داد.» این وزیر کرد خواست که پیش‌نویس جدید به سطل زباله انداخته شود و آن را پیش‌نویسی قومی و بعثی توصیف کرد، زیرا در بحث تصمیم‌گیری در مسائل مربوط به نفت

بقیه عجله دارند تا بتوانند با شرکت‌های خارجی قراردادهایی در زمینه نفت و گاز امضا کنند.[1] قانون نفت و گاز در خصوص مسائل مورد اختلاف مربوط به آینده نفت عراق راه‌حل‌های توافقی را دنبال می‌کند. این قانون دربرگیرنده شکل اصلاح‌شده‌ای از راه‌حل و گزینه نروژ است که طبق آن صندوق منابع نفتی برای سپرده‌گذاری درآمدهای[2] نفتی تأسیس می‌شود. در کنار این صندوق، صندوق دیگری هم وجود دارد که صندوق آینده است و بخشی از درآمدهای نفتی در آن سپرده‌گذاری می‌شود.[3]

جدول ۱۰ ـ پیوست‌های چهارگانه پیش‌نویس قانون نفت و گاز

پیوست شماره یک	میدان‌های نفتی	۲۷ میدان، از جمله میدان‌های مجنون، نهر عمر، طوبا، غرب القرنه، حلفایا، بلد، کرکوک (خرماله) و تکریت
پیوست شماره دو	میدان‌های غیرتولیدی نزدیک به قرارداد تولید	۲۵ میدان که مهم‌ترین آنها میدان نفتی رطاوی در استان بصره است.
پیوست	میدان‌های غیرتولیدی	۲۶ میدان: احدب، غراف، ناصریه، رافدین، قمر در

مرکزگرا و متضمن تصمیمی است که بر تشکیل دوباره شرکت نفت ملی عراق تأکید دارد. «الاکراد یعتبرون مشروع قانون النفط و الغاز العراقی بعثیا»، CNN العربیه، ۲۰۰۷/۴/۱۹.

۱. در ماه ژوئن دولت اقلیم کردستان توافق‌نامه‌ای با شرکت نروژی DNO امضا کرد؛ در اکتبر ۲۰۰۵ توافق‌نامه‌ای با شرکت نفت ترکیه برای انجام تحقیقاتی در خصوص میدان طقطق امضا کرد. بعد هم توافق‌نامه‌ای با یک شرکت ترکیه‌ای و سپس توافق‌نامه‌ای در ماه آوریل ۲۰۰۷ با شرکت گازی اماراتی دانة امضا کرد.

۲. در این قانون نسبت به مفهوم درآمدها و واردات خلط مبحث شده است. گاهی به درآمدها به عنوان مبالغی که از فروش نفت حاصل می‌شود اشاره و گاهی به واردات کالا و خدمات از خارج کشور به عنوان منابع مالی اشاره شده است.

۳. پیش‌نویس قانون نفت و گاز عراق، ماده ۱۱.

شماره سه	که نزدیک به امضای قرارداد تولید نیست.	استان دیالی، طقطق در استان اربیل، جلابات، خشم الاحمر و عطاس الغازی[۱]
پیوســـــت شماره چهار	مناطق اکتشاف	۶۵ منطقه در سراسر کشور

نکته: این جدول با استناد به پیوست‌ها توسط نگارنده تنظیم شده است.

نظریات متفاوتی درباره این قانون وجـود دارد؛ عبـدالهادی حسـانی، عضـو مجلس نمایندگان و مسئول پرونده انرژی در پارلمان عراق، در سخنان خود در نشستی که در ۱۹ فوریه ۲۰۰۷ در لندن برگزار شـد، گفـت: «بمبـی سـاعتی در صورتی که منفجر شود خسارت‌های اقتصادی بزرگی بـه ملـت عـراق خواهـد زد.» با این حال، برخی از کسانی که قانون را بررسـی کردنـد بـه نقـاط مثبتـی می‌پردازند که باید از آنها بهره‌برداری کرد؛ چنـان کـه برخـی کاسـتی‌هـا در آن وجود دارد که باید کنار گذاشته شود. اما این قانون به طور کلـی و طبـق گفتـه ابراهیم بحرالعلوم، وزیر نفت سابق عراق، گامی به جلـو اسـت.[۲] برخـی دیگـر تأسیس شرکت ملی نفت عراق را برای انجام سیاست‌های نفتی به خودی خـود گامی مثبت تلقی می‌کنند. در حالی کـه قـانونْ ابزارهـا و وسـایل لازم را بـرای شروع به کار این شرکت فراهم کرده است.[۳] این امری است که نمی‌تـوان آن را پذیرفت، زیرا تشکیل چنین شرکتی فراتـر از اقـدامی بروکراتیـک نیسـت و بـه طور کامل در اختیار دولت جمهوری عراق است... این شرکت دو شرکت نفت

---

۱. این میدان اخیراً در استان انبار کشف شده است.
۲. سخنرانی ابراهیم بحرالعلوم در اتاق بازرگانی نجف اشرف، ۹ آوریل ۲۰۰۷.
۳. پیش‌نویس قانون نفت و گاز عراق، ماده ۶.



جنوب و شرکت نفت عراق را به هم مرتبط می‌کند.[1]

به طور کلی می‌توان گفت قانون نفت و گاز دارای برخی کاستی‌ها و خلأهاست که باید در تدوین نهایی برطرف شود. به ویژه در موادی که به مقولات عمومی و نامشخص مربوط است و می‌توان آن را با معانی مختلفی تفسیر کرد. اما موضوع خطرناک‌تر کیفیت قراردادهایی است که در سایه این قانون امضا خواهد شد. به نظر می‌رسد وزارت نفت بیشتر به دنبال شیوه عقود مشارکت تولید است که خطرهایی برای آینده نفت و گاز در عراق دارد و خسارت‌هایی درپی می‌آورد که هیچ توجیهی برای ارائه مجانی آن به شرکت‌های خارجی وجود ندارد.

نیاز به سیاست نفتی جایگزین

وضعیت کنونی دولت عراق مانع وضع و اجرای راهبردی برای توسعه صنعت نفت است؛ چنان که موانعی دیگر در بحث شایستگی دولت در استفاده از منابع موجود وجود دارد. احتمال می‌رود تمرکز عراق روی موضوع بازسازی سبب افزایش سهم آن از صادرات نفت شود، اما عراق نخواهد توانست به ویژه در کوتاه‌مدت در بخش تولید نفت پیشرفت چشم‌گیری کند.

اعتقاد بر این است که ثروت نفتی عراق در مرحله پس از صدام برای پوشش دادن به نیازهای جامعه و اقتصاد این کشور کفایت می‌کند؛ میدان‌های نفتی استفاده‌شده نیازمند مبالغ هنگفتی برای سرمایه‌گذاری و انجام اصلاحات است تا تولید کامل از این میدان‌ها دوباره از سر گرفته شود. چه بسا عراق نیازمند حدود سه سال زمان باشد تا بتواند سطح تولید خود را به اندازه‌ای برساند که در سال ۱۹۹۰ وجود داشت. رسیدن به این موقعیت نیازمند

---

۱. پیش‌نویس



هزینه‌های اضافی دیگری است که احتمال دارد از پنج‌میلیارد دلار هم فراتر رود. هم‌چنین نزدیک به سه میلیارد دلار برای پوشش دادن به هزینه‌های سالانه راه‌اندازی مورد نیاز است.[1] بر این اساس چاره‌ای نیست جز اینکه سیاست نفتی ملی وضع شود که بتوان تلاش‌ها و منابع را در کنار هم جمع کرد. جعفر عبدالغنی دو چارچوب برای سیاست نفتی ملی ارائه می‌دهد: یکی، چارچوبی کوتاه‌مدت و دیگری، چارچوبی بلندمدت. چارچوب اول ممکن است بین ٤ تا ٥ سال ادامه داشته باشد و در آن تمرکز روی بسیج تمام منابع مالی، اقتصادی و انسانی مطابق برنامه‌ای است که برای خارج کردن عراق از بحران کنونی آن، رها شدن از میراثی که رژیم سابق این کشور برجای گذاشته است و رهایی از ویرانی گسترده ناشی از اقدامات نظامی امریکا و انگلستان دنبال می‌شود. مأموریتِ بازسازی عراق و عمل کردن به تعهدات خارجی عراق است. برای تحقق این امر باید تا حد امکان تولید و صادرات نفت افزایش یابد و از سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های خارجی برای تأمین حداکثر منابع مالی حمایت و از آن به صورت انحصاری برای بنای اقتصادی و اجتماعی داخلی استفاده شود و قدرت لازم برای بازسازی و نوسازی مستقل اقتصاد عراق فراهم آید.

چارچوب دومِ سیاست نفتی، اصلاح ساختار داخلی عناصر تشکیل‌دهنده درآمد ملی و ایجاد اقتصادی متوازن را دنبال می‌کند؛ به گونه‌ای که از اتکا به منابع نفتی خودداری می‌کند و در پی تنوع تولیدات مالی و خدماتی اقتصاد عراق است تا اینکه با تولید و کیفیت بالا به تقاضاهای داخلی و خارجی پاسخ داده شود. در این مرحله از اتکا به منابع و درآمدهای نفتی کاسته و روی توسعه منابع

---

۱. رک: منظمة العفو الدولية، «العراق نيابة عن من؟ حقوق الانسان و عملية إعادة بناء الاقتصاد في العراق»، *المستقبل العربي*، س ۲۶، ش ۲۹۴، آگوست ۲۰۰۳، ص ۹۷.

اقتصادی و مالی جایگزین تمرکز می‌شود. برای رسیدن به منابع مالی جایگزین در بودجه چاره‌ای جز استفاده از منابع مالیاتی، عوارض و درآمد نهادهای عمومی مختلف نیست تا از این طریق به تدریج از اتکا به منابع نفتی در بودجه کاسته شود. لازم است مقامات پای‌بندی کاملی به موضوع تخصیص انحصاری منابع نفتی به اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشند و به دنبال مسائل جانبی و تحقق اهداف سیاسی و منطقه‌ای خاصی نباشند.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

با توجه به آنچه گفته شد، اهمیت نقش نفت در صحنه اقتصادی عراق مشخص می‌شود. بنابراین، مدیریتِ شایستهٔ این بخش و افزایش درآمدهای آن و نیز تخصیص مناسب آن همگی کلیدی برای یافتن راه‌حلی مهم برای مشکلات مربوط به این بخش است که تمام جامعه، اقتصاد و حکومت عراق درگیر آن است.

توسعه بخش نفت و افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها در آن شرط اساسی برای تحقق این اهداف است. اما این امر در گرو سیاست اقتصادی عقلانی، مدیریت شفاف، تکیه بر معیارهای حرفه‌ای و تکنوکرات و دوری گزیدن از مسائل سیاسی در تعامل با قضیه نفت است.

با توجه به این مطالب، می‌توانیم چند توصیه کنیم:

ـ لازم است مالکیت و مدیریت نفت زیر نظر دولت فدرال باقی بماند.

ـ تکیه بر طرح‌های برنامه‌ریزی‌شده برای حل مشکلات صنعت نفت براساس اهداف راهبردی بلندمدت و در نظر گرفتن وضعیت صنعت نفت و نیازهای اقتصاد عراق؛ پذیرش این راهبرد مبتنی بر اصولی است که بر اساس موارد زیر شکل می‌گیرد: بررسی‌ها و تحقیقات زمین‌شناسی جدید برای ارزیابی ذخایر و میدان‌های نفتی، ارزیابی کامل تأسیسات تولید، نگهداری و



انتقال نفت، حفر چاه‌های جدید، تعمیر چاه‌های نفت، تکمیل تعمیر تأسیسات نفتی آسیب‌دیده و قرار دادن دستگاه‌های اندازه‌گیری روی مبادی خروجی نفتی که صادر می‌شود.

ـ عقلانی کردن تولید نفت عراق در اندازه‌ای که به تداوم این منبع درآمد طبیعی ختم شود و دوری از افتادن در دام حرکت غیرعقلانی به سوی افزایش تولید قبل از نهایی شدن بررسی‌هایی که در خصوص ثبت منابع نفتی و امکان تولید و استخراج آن انجام می‌گیرد.

ـ تقویت چارچوب حقوقی و تشکیلاتی برای بخش نفت؛ در خصوص قانون نفت و گاز هم نباید برای تصویب آن عجله کرد و لازم است این قانون به صورت علنی در داخل عراق بررسی شود.

حل مشکل قراردادهایی که در زمان رژیم سابق برای تحقق اهدافی سیاسی امضا شده و مذاکره دوباره با این شرکت‌ها به منظور اصلاح شروطی که در آن به حقوق عراقی‌ها اجحاف شده است.

جذب سرمایه‌گذاران خارجی به منظور فراهم کردن پول و تجربه فنی برای توسعه بخش نفت بر اساس دوری از امضای عقود مشارکت تولید و تکه بر شیوه‌ها و روش‌های کم‌هزینه‌تر و کم‌ضررتر برای منافع ملی؛

ـ آموزش کادرهای بخش نفت و حمایت از برنامه‌های آموزشی و پشتیبانی از توانمندی‌ها؛

ـ اقدام در جهت ایجاد تنوع اقتصادی و افزایش اهتمام به دو بخش کشاورزی و صنعتی؛ این کار برای کاستن از شوک‌هایی است که اقتصاد عراق با آن مواجه می‌شود. همین‌طور کاهش حجم بیکاری و تشویق رشد و افزایش نسبت مشارکت این دو بخش در تولید ناخالص داخلی.

ارزیابی ذخایر نفتی و فراهم کردن تجهیزات نظارتی و ارزیابی و شروع هر

چه سریع‌تر اصلاح چاه‌های نفت؛

ـ اقدام در راستای برنامه تولید درستی که متناسب با وضعیت نفتی عراق است و خرابی‌هایی را مشخص می‌کند که به واسطه مدیریت نادرست در رژیم سابق حاصل شده است.

ـ مبارزه با فسادی که در بخش نفت شایع شده است و مافیای خطرناک و گروه‌های مرتبط با شخصیت‌های دولتی و حزبی آن را اداره می‌کنند.

در خصوص پالایشگاه‌ها و صنعت پالایش موارد زیر توصیه می‌شود:

نوسازی پالایشگاه‌های موجود و افزایش میزان نفتی که وارد آنها می‌شود برای تولید فرآورده‌های سبک و کاهش سوخت کوره؛

ـ بازسازی پالایشگاه بصره و بیجی و بررسی جدی ساخت پالایشگاه‌های جدید و احیای پروژه پالایشگاه مسیب؛

ـ بالا بردن کیفیت فرآورده‌های تولیدشده و تقویت شرایط تولید آنها به گونه‌ای که به حمایت از محیط زیست کمک کند.

ـ بازسازی واحدهای تولید روغن؛

ـ تکمیل شبکه انتقال فرآورده‌های نفتی.

در خصوص صنعت گاز شایسته است تأسیسات مربوط به استفاده از گازی که همراه نفت بیرون می‌آید بازسازی شود تا این گاز به طور کامل جذب شود. اصلاح تأسیسات فشرده‌سازی، انبار و صادرات گاز به منظور کاستن از خسارت‌های ناشی از مصرف سایر فرآورده‌های نفتی.

اقدام برای بهبود و تقویت جایگاه عراق در داخل سازمان اوپک و تقویت همکاری با سایر اعضای این سازمان تا اینکه عراق بتواند سهم خود را در بازار فروش نفت دوباره به دست آورد بدون اینکه بخواهد وارد منازعات جانبی شود که خود سازمان اوپک و ثبات قیمت‌های نفت را تهدید می‌کند.

نقش کشورهای حوزه خلیج فارس عضو سازمان اوپک در بازار نفت با اشاره به نفت عراق

نویسندگان: هیثم عبد الله سلمان و احمد صدام عبدالصاحب، از دانشگاه بصره

مقدمه

صنعت نفت کشورهای حوزه خلیج فارس عضو سازمان اوپک هم‌چنان نقشی برجسته در صحنه انرژی جهانی ایفا می‌کند. این ایفای نقش به لطف ذخایر هنگفت نفت در این کشورهاست که بالغ بر ۶۵ درصد کل ذخایر نفتی جهان را شامل می‌شود. در عین حال، تولید نفت در این منطقه هزینه کمی دارد.

مصرف نفت جهان افزایش یافته و از ۱۰ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۵۰ به ۷۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۰۳ رسیده که علت آن رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته و کشورهای در حال توسعه است. طبق تحقیقات مراکز تحقیقاتی انرژی جهانی، پیش‌بینی می‌شود تقاضای جهانی برای نفت در سال ۲۰۲۵ به مرز ۱۰۷ میلیون بشکه در روز برسد.

در چنین شرایطی صنعت نفت کشورهای حوزه خلیج فارس عضو اوپک با چالش‌هایی مواجه است که در رقابت احتمالی کشورهای خارج از سازمان نمود می‌یابد. البته باید به سیاست نفتی جدید امریکا اندکی قبل از حملات یازدهم سپتامبر و سیاست مصرفی که این کشور دنبال می‌کند و تنها یک‌چهارم

مصرف نفت جهان را به خود اختصاص داده است، توجه کرد.

بنابراین باید برای افزایش تولید در آینده آماده بود تا بتوان با این چالش‌ها مقابله کرد و نیاز قابل پیش‌بینی جهان به نفت را پاسخ داد.

۱. تأثیر نفت در صحنه انرژی جهانی

در این بخش به موضوع عرضه و تقاضای نفت می‌پردازیم و عوامل تأثیرگذار بر آن را بررسی و بر تحولات تکنولوژیکی رخ داده در عرصه نفت تأکید می‌کنیم.

الف) تقاضای جهانی نفت

بدون شک، بین منابع انرژی، نفت جایگاه اصلی را دارد، زیرا حدود ۹۰ درصد نفت جهان به عنوان سوخت برای تولید انرژی استفاده می‌شود و درصد باقی‌مانده هم به عنوان ماده اولیه در صنایعی مثل صنایع پتروشیمی به کار می‌رود.[۱]

تقاضای نفت متأثر از چندین عامل است که مهم‌ترین آن متوسط رشد اقتصادی جهان (در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، سیاست‌های متقابل کشورهای مصرف‌کننده تأثیرگذار بر تقاضای نفت مانند تحمیل عوارض بر مصرف فرآورده‌های نفتی یا بالا بردن سطح قیمت این فرآورده‌ها به منظور تأمین درآمد برای خزانه عمومی یا تمایل به محدود کردن اتکا به نفتی است که از خارج می‌آید. هم‌چنین حمایتی که این کشورها از منابع انرژی جایگزین با هدف کاستن از مصرف نفت می‌کنند.

کارشناسان نفتی اعلام می‌کنند که در صد سال آینده نفت به عنوان منبع اصلی انرژی باقی خواهد ماند و تنها گاز طبیعی می‌تواند تا حدودی با آن رقابت کند. در

---

۱. احمد رجب، «دور النفط العراقی فی الاسواق العالمیة للنفط»، پایگاه اینترنتی:
http://www.althakfaaljaded.com/311/ahmadrajab.htm

حال حاضر، به رغم پیشرفت‌هایی که در زمینه تکنولوژی حاصل شده است، انتظار نمی‌رود که نفت و گاز طبیعی جایگاه خود را به عنوان سوخت به انرژی‌هایی مثل انرژی خورشیدی و سوخت هیدروژنی بدهند. به ویژه نفت که در حال حاضر هیچ سوختی از لحاظ اقتصادی قابل رقابت با آن نیست.

منابع[1] سازمان اوپک پیش‌بینی می‌کنند متوسط رشد تقاضای جهانی نفت در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰ حدود ۱/۷ درصد باشد. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۰۲ که حدود ۷۷ میلیون بشکه در روز است به حدود ۸۰ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۵، حدود ۹۰ میلیون بشکه در روز برای سال ۲۰۱۰ و ۱۰۷ میلیون بشکه در روز برای سال ۲۰۲۰ افزایش یابد. پیش‌بینی می‌شود بیش از ۵۰ درصد این افزایش‌ها به کشورهای در حال توسعه، به ویژه هند، چین و سایر کشورهای آسیایی مربوط باشد.

نکته پایانی در مورد این دوره این است که احتمالات رشد تقاضای نفت وضعیت غالب جهانی خواهد بود و کشورهای حوزه خلیج فارس عضو اوپک باید آماده باشند به این نیازها پاسخ دهند و با رقابت‌های احتمالی خارج از اوپک در بازارهای بین‌المللی روبه رو شوند.

ب) عرضه جهانی نفت

عوامل متعدد و متفاوتی بر عرضه جهانی نفت تأثیرگذارند که در رأس آنها سطح قیمت‌های نفت و قیمت‌های منابع انرژی جایگزین قرار دارند. سیاست‌های کشورهای مصرف‌کننده، به ویژه در زمینه حمایت از اکتشاف و تولید نفت در کشورهای خود و نیز نقش پیشرفت‌های تکنولوژیک برای استخراج نفت از مناطق نفتی که دسترسی به نفت آن سخت است ـ مثل

---

۱. همان.

آب‌های عمیق ـ و همین‌طور وضعیت انبار و نگهداری نفت در کشورهای مصرف‌کننده از عوامل تأثیرگذار دیگر بر تقاضای نفت است.

کشورهای عضو سازمان اوپک در منطقه خلیج فارس از منابع مهم برای تقاضای جهانی نفت هستند و در مقایسه با کشورهایی که خارج سازمان اوپک فعالیت می‌کنند، اهمیت بیشتری دارند. ما در این قسمت روی عامل پیشرفت‌های تکنولوژیک متمرکز می‌شویم؛ به علت اجرای خصوصی‌سازی، پایین آمدن مالیات‌ها و باز شدن راه برای شرکت‌های بین‌المللی فعال در حوزه نفت، این احتمال وجود دارد که تولید نفت در خارج سازمان اوپک افزایش یابد. بر اساس پژوهشی[1] نفتی که مؤسسه گولدمن زاکس در نیویورک برای دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۱۹۹٤ در خصوص هزینه اکتشاف و تولید نفت در ١٦ شرکت بزرگ انجام داد، ثابت شده است هزینه کلی اکتشاف و تولید در این شرکت‌ها در طول این سال‌ها ٦/٤٣ دلار (یعنی ۳۵ درصد) برای هر بشکه کاهش یافته است. علت این کاهش پیشرفت‌هایی است که در زمینه دستگاه‌های حفاری افقی حاصل شده است. این پیشرفت‌های تکنولوژیک باعث می‌شود تولید نفت از همان ذخیره‌ای که موجود است بیشتر استخراج شود. به عبارت دیگر، با پیشرفت دستگاه‌ها نفت بیشتری از میدان‌ها استخراج می‌شود. هم‌چنین تکنولوژی‌های حفاری عمودی امکان حفاری در طبقاتی از زمین را که دارای نفت است، فراهم می‌کند و نتیجه آن افزایش ذخیره قطعی نفت است. فناوری‌های پیشرفته این امکان را فراهم می‌سازد که در آینده عرضه نفت برای پاسخ‌گویی به نیاز بازارهای نفتی بیشتر شود.[2]

---

۱. خلیل حماد، «الطاقة فی الخلیج... تحدیات و تهدیدات»، مکتبة الحرمین للإعلام الاسلامی، پایگاه اینترنتی:

http://www.alharamain.co.uk/text/kotob/kotoba.htm

۲. عدنان الجنابی، «الاسواق العالمیة للنفط»، سایت اینترنتی:

http://www. Althakafaaljdeda.com/311/3.adnan-aljanabi.htm

بنابراین، تغییر مهمی که پیشرفت‌های تکنولوژیک ایجاد کرده است در مراحل اولیه تولید سود زیادی محقق می‌کند، زیرا هزینه تولید در سطح معینی باقی می‌ماند. تولید نفت از میدان‌های نفتی دریایی بهترین نمونه برای نشان دادن تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیک است. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ تولید نفت در این مناطق بسیار کم بود ولی در ادامه افزایش یافت و در سال ۱۹۹۵ به یک‌سوم تولید جهانی نفت رسید،[۱] زیرا با کمک تکنولوژی این امکان فراهم شد که نفت از چاه‌هایی در عمق ۱۰۰۰ متری زیر دریا نیز استخراج شود.

۲. نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس عضو سازمان اوپک

در این قسمت به وضعیت نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس می‌پردازیم: اینکه توان تولید این کشورها در چه حدی است، ذخیره نفت در آنها چه اندازه است و چگونه می‌توان برای این ذخایر نفتی در آینده سرمایه‌گذاری کرد.

الف) توان تولید و قیمت‌ها

کشورهای حوزه خلیج فارسِ عضو اوپک بیشترین سهم تولید نفت در منطقه را دارند. درصد صادرات نفتی برای هر کدام از کشورهای عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت، امارت و قطر در اوپک به ترتیب عبارت است از: ٤٤، ۱۵، ۱۲، ۱۲، ۵ و ۵ درصد.[۲]

عربستان سعودی که در صدر کشورهای صادرکننده نفت سازمان اوپک و کل جهان قرار دارد، بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده نفت به شمار می‌رود.

---

۱. خلیل حماد، پیشین.
۲. سمیر صارم، «انه النفط یا (...)، الابعاد النفطیة فی الحرب الامریکیة علی العراق، دمشق: دار الفکر، ۲۰۰۳، ص ۵۰.

صادرات این کشور بین ۷/۵ تا ۸ میلیون بشکه در روز است و این میزان از نفت ۱۰/۵ درصد تقاضای جهانی برای نفت را تشکیل می‌دهد. پس از عربستان، ایران دومین تولیدکننده نفت در سازمان اوپک است که روزانه ۳/۵ تا ۳/۷ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند.[1]

تولید جهانی نفت در سال ۲۰۰۲ به ۷۷/۸ میلیون بشکه در روز رسید. در این سال شش کشور حوزه خلیج فارس عضو سازمان اوپک ۱۷/۷ میلیون بشکه در روز نفت تولید می‌کردند که ۲٤/۳ درصد تولید جهانی نفت بود.[2]

توان کشورهای حوزه خلیج فارس در حفظ توانمندی‌های واقعی تولید خود یا افزایش آن، به میزان نفت موجود، میزان مصرف از میدان‌های نفتی موجود و به سرمایه‌گذاری‌های موجود بستگی دارد. ما در اینجا روی عامل سوم متمرکز خواهیم شد؛ افزایش فعالیت‌های اکتشافی با هدف افزایش توان تولید به مشارکت شرکت‌های خارجی نیازمند است تا تولید میدان‌های موجود حفظ و میدان‌های جدید هم کشف شود. علت این است که این شرکت‌ها از توان تکنولوژیکی، مالی، مدیریتی و... برخوردارند.

اینکه کشورهای حوزه خلیج فارسِ عضو اوپک یک‌چهارم تولید نفت جهان را در اختیار دارند، نشان‌دهنده قدرت و کارامدی است که نفت در اقتصاد کشورهای این منطقه دارد و در نتیجه، ثبات بازارهای نفت برای این کشورها مهم است و مانع پایین آمدن قیمت نفت به سطحی می‌شود که در آن اقتصاد این کشورها متحمل ضرر و زیان گردد، زیرا این اقتصادها به درآمدهای نفتی متکی است. حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد صادرات این کشورها و ۷۵ درصد درآمدهای عمومی آنها حاصل فروش نفت است. البته به این معنی که برای بالا

---

۱. همان، ص ۵۱.
۲. همان، ص ۳۲.



بردن قیمت‌های نفت به سطحی که به رشد اقتصاد جهانی آسیب برساند، اقدام شود، زیرا نفت به ویژه برای کشورهای صنعتی اهمیت راهبردی اساسی دارد. بر این اساس هماهنگی اقتصادی نفتی امری ضروری برای ثبات قیمت‌هاست تا کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده هیچ‌کدام ضرر نکنند. هنگامی که قیمت نفت در سال ۱۹۹۸ کاهش شدیدی یافت و کشورهای تولیدکننده آن متحمل خسارت زیادی شدند، عربستان سعودی و ایران نقش مؤثری در بازگرداندن ثبات در قیمت‌های نفت داشتند تا اندازه‌ای که منافع مشترک دو طرف محقق شود. در همین راستا کشورهای اوپک توافق کردند قیمت نفت بین ۲۲ تا ۲۸ دلار برای هر بشکه باشد و برای رسیدن به این سطح از قیمت در چند مرحله تولید نفت خود را کاهش دادند که آخرین آن در سال ۱۹۹۹ بود که تولید اوپک روزانه به ۱/۷ میلیون بشکه کاهش یافت.[۱]

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود قیمت پایین نفت به نفع تولیدکننده و مصرف‌کننده نیست. تولیدکنندگان نفت در اوپک به علت پایین بودن درآمدهای نفتی و در نتیجه، کسری بودجه و پایین آمدن متوسط رشد متضرر می‌شوند؛ چنان که افزایش قیمت‌ها به نفع طرفین نیست و مصلحت آنها در این است که قیمت‌های جهانی نفت در سطحی مقبول با ثبات باقی بماند. بالا رفتن قیمت نفت باعث افزایش تولید در خارج سازمان اوپک می‌شود و سرمایه‌گذاری در مناطقی که تولید نفت در آن پرهزینه‌تر است، مثل روسیه و کانادا، از لحاظ اقتصادی سودمند می‌شود و در نهایت هم افزایش نفت‌رسانی به کشورهای مصرف‌کننده کاهش قیمت‌ها را در پی خواهد داشت. افزایش قیمت‌های نفت روی رشد اقتصاد جهانی تأثیر می‌گذارد، چون افزایش

---

۱. رک: حمید الجمیلی، «اوبک و مواجهة النظام البترولی العالمی الجدید»، مجله *اخبار النفط و الصناعة*، ش ۳۷۵ ، دسامبر ۲۰۰۱، ص ۱۵.

هزینه‌های تولید کالا و خدمات و از سوی دیگر، کاهش سرمایه‌گذاری باعث کم شدن نگاه‌ها به انرژی و در رأس آن نفت می‌شود و علاوه بر آن، کشورها تشویق می‌شوند به دنبال منابع جایگزینی برای نفت (زغال سنگ و گاز) باشند. روی آوردن به منابع انرژی جایگزین نفت باعث کم شدن سهم نفت در انرژی جهان می‌شود که در نهایت بر اقتصادهای کشورهای عضو اوپک که موضوع مورد بحث ماست، تأثیر منفی می‌گذارد.

ب) ذخیره‌های قطعی نفت و شکل سرمایه‌گذاری

منطقه خلیج فارس بیش از ٦٥ درصد ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارد و در حال حاضر هم بیش از ۳۵ درصد نفت جهان را تولید می‌کند. عربستان سعودی با ذخیره نفتی حدود ٢٦١ میلیارد بشکه[1] در رتبه اول قرار دارد که یک‌چهارم ذخیره جهانی نفت را شامل می‌شود. ایران پس از عربستان در جایگاه دوم قرار می‌گیرد و ذخیره نفتی آن طبق برآوردهای شرکت بریتیش پترولیوم، ۱۳۱ میلیارد بشکه است.[2] عراق هم با ۱۱۲ میلیارد بشکه در رتبه سوم قرار دارد.[3] علت تغییر جایگاه ایران کشف میدان نفتی جدید و بزرگی در سال ۱۹۹۹ در منطقه خوزستان است که میدان «یادآوران» نامیده می‌شود. سرمایه‌گذاری عملی در این میدان نفتی در سال ۲۰۰۷ شروع خواهد شد و ذخیره نفت آن ١٦ میلیارد بشکه برآورد می‌شود.[4] امارات در رتبه چهارم قرار

---

۱. رونالد نیومان، «الاهمیة العالمیة للخلیج العربی»، مجلس الشؤون العالمیة، اوهایو، نوامبر ۲۰۰۰: سایت اینترنتی:
http://www.usinfo.state.gov/arabic/mena/1220nwmn.htm

۲. جابر احمد، «الرؤیة الامریکیة لمنابع النفط و الغاز فی ایران»، مرکز دراسات الاهواز:
http://ahwazstudies.org/arabic/Av-new.oil.htm

۳. خلیل عماد، پیشین.

۴. جابر احمد، پیشین.

دارد و ذخیره نفتی آن ۹۸ میلیارد بشکه برآورد می‌شود.[۱] جایگاه پنجم از آن کویت است که ذخیره نفتی آن ۹۵/۵ میلیارد بشکه در سال ۲۰۰۱ برآورد شده است. سرانجام ذخیره نفتی قطر هم ٤٠ میلیارد بشکه برآورد شده است.[۲]

در خصوص شکل و نوع سرمایه‌گذاری در بخش نفت باید گفت درخواست‌های متعددی در مورد خصوصی‌سازی بخش نفت و جدایی این بخش از سیطره حکومت مطرح شده است تا اموری مثل اکتشاف، تولید، پالایش و بازاریابی نفت از وزارت‌خانه‌های نفت گرفته و به شرکت‌هایی واگذار شود که به عنوان شرکت تجاری فعالیت می‌کنند و مالیات می‌پردازند. بخشی از این شرکت‌ها از طریق بورس واگذار می‌شوند و همین امر شرکت‌های بین‌المللی نفتی را به رقابت برای خرید این سهام تشویق می‌کند تا به عنوان بخشی از صاحبان شرکت‌ها وارد عمل شوند و تجربه مدیریتی و تکنولوژی پیشرفته خود را به کار گیرند و با استفاده از سرمایه خود آنچه را برای توسعه توان تولید نفت مورد نیاز است، تهیه کنند.[۳]

از این پیشنهاد این‌گونه فهمیده می‌شود که بخشی از ذخیره نفتی از قبل به سرمایه‌گذار خارجی فروخته می‌شود، چون این شرکت مالک تمام ذخیره‌های نفتی حال و آینده است. با چنین وضعیتی به سختی می‌توان خصوصی‌سازی یا فروش ذخایر نفتی را اجرایی کرد، زیرا قیمت‌گذاری و برآورد قیمت دقیق نفت استخراج‌شده سخت است. برخلاف شرکت‌های عادی مثل هتل‌ها و رستوران‌ها که می‌توان قیمت دقیق آنها برآورد کرد.

همان‌گونه که گفته شد، با اکتشاف یک میدان نفتی در منطقه خوزستان ذخیره

---

۱. *البیان الاماراتیة*، الصفحة الاقتصادیة، ۱۹۹۹/۱۰/۳۰.
۲. سمیر صارم، پیشین، ص ۴۹.
۳. جمیل طاهر، *تعقیبات حول ورقة عمل «مستقبل قطاع النفط العراقی»*، منظمة الاقطار العربیة المصدرة للبترول، ۲۰۰۴، ص ۱۵.

نفتی ایران با یک پله صعود در رتبه دوم سازمان اوپک قرار گرفت. نکته دیگر اینکه ذخایر نفتی متعلق به یک نسل نیست، بلکه نسل‌های آینده هم در آن سهم دارند. هم‌چنین این نوع سرمایه‌گذاری در بخش نفت به معنای کاهش نفوذ دولت بر بخش نفت به عنوان منبع اصلی درآمد کشورهای حوزه خلیج فارس است. با خصوصی شدن بخش نفت شرکت‌های خارجی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تولید و قیمت‌گذاری نفت تأثیر زیادی خواهند داشت حتی اگر اکثریت سهام شرکت‌های نفتی را در اختیار نداشته باشند. این نکته را هم نباید فراموش کنیم که این نوع سرمایه‌گذاری در تضاد با اصول سازمان اوپک است و باعث در حاشیه قرار گرفتن این سازمان می‌شود. در واقع، این وضع به نفع کشورهای تولیدکننده نفت خارج اوپک است و آنها را تشویق می‌کند سهم خود را در بازارهای بین‌المللی نفت افزایش دهند.

آنچه گفته شد به این معنا نیست که نباید از تکنولوژی‌های پیشرفته، به ویژه تکنولوژی که شرکت‌های نفتی بزرگ امریکایی، انگلیسی و فرانسوی در اختیار دارند، استفاده کرد. می‌توان از طریق قراردادهای مقاطعه‌کاری از توانمندی‌های این شرکت‌ها بهره برد.

پژوهشگران معتقدند بهترین روش برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت در کشورهای سازمان اوپک در منطقه خلیج فارس این است که این بخش به طور کامل در مالکیت حکومت‌ها باقی بماند؛ در عین حال، شرکت یا شرکت‌های خارجی با مسئولیت کامل برای اکتشاف و تولید نفت اقدام کنند و در مقابل آنچه به عنوان هزینه به کار می‌گیرند، بخشی از تولید را به عنوان سهم خود در طول مدت قرارداد دریافت کنند. در چنین حالتی حکومت مالک منابع نفتی باقی می‌ماند و از فناوری و تجربه شرکت‌های نفتی استفاده می‌کند؛ به ویژه اینکه بسیاری از شرکت‌ها تمایل به سرمایه‌گذاری در کشورهای حوزه خلیج

فارس دارند، زیرا نفت این منطقه ویژگی‌هایی مثل کمیت بالای نفت و پایین بودن هزینه استخراج و تولید را دارد. بنابراین، هیچ مشکلی برای جذب سرمایه‌گذار وجود ندارد و دلیلی هم برای فروش ذخایر نفتی نیست.

۳. عوامل مؤثر بر بازار نفت خلیج فارس

این عوامل را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: اول، عوامل اقتصادی مربوط به رشد اقتصاد در سطح جهانی و عوامل مربوط به تقاضای آسیا برای نفت کشورهای حوزه خلیج فارس؛ دوم، عوامل سیاسی که تأثیری ملموس بر حال و آینده نفت می‌گذارد، به ویژه سیاستی که ایالات متحده امریکا پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در پیش گرفته است.

الف) عوامل اقتصادی

ـ **عوامل اقتصادی در سطح جهان:** رشد اقتصاد جهانی و بازار نفت رابطه‌ای مستقیم با هم دارند، زیرا هر گونه تحول مثبتی در کشورهای پیشرفته در زمینه تقاضای نفت بر وضعیت کشورهای تولیدکننده در خصوص پاسخ به نیاز بازار این کشورها تأثیرگذار خواهد بود. از جمله عواملی که متوسط رشد اقتصادی جهانی را از ابتدای دهه پایانی قرن گذشته تقویت کرد، آزاد شدن تجارت در نتیجهٔ شرایط جهانی شدن و قواعد پیوستن به سازمان تجارت جهانی بود. تمام این تحولات بین‌المللی باعث گسترش بازارهای نفت شد؛ به گونه‌ای که علاوه بر کشورهای توسعه‌یافته (تولیدکننده)، کشورهای در حال توسعه (مصرف‌کننده) هم نیازمند نفت شدند. بر این اساس تقاضای نفت افزایش یافت. برای برطرف کردن نیازمندی‌های کشورهای در حال توسعه به نفت باید تولید نفت افزایش می‌یافت، زیرا در تمام این تحولاتْ نفت منبع اصلی انرژی



برای این صنایع بود و نفت کشورهای حوزه خلیج فارس هم در این زمینه تأثیر بسیاری داشت که نتیجهٔ این تأثیر وقوع تحولاتی مثبت در این کشورها بود.

از سوی دیگر اگر سطح اقتصاد جهانی پایین بیاید، شرایط کاملاً بر عکس تصویری می‌شود که در بالا توضیح داده شد. برای مثال در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به علت پایین آمدن سطح اقتصاد جهانی، تقاضای نفت کشورهای حوزه خلیج فارس نیز کاهش یافت. همین مسأله باعث شد سازمان اوپک به منظور حمایت از قیمت نفت، تولید خود را کاهش دهد. در سال ۲۰۰۱ کشورهای عضو این سازمان تصمیم گرفتند در سه مرحله پی در پی عرضه نفت خود را کاهش دهند، به گونه‌ای که کاهش تولید نفت به ۵/۳ میلیون بشکه در روز رسید.[1] در نتیجه این وضعیت، متوسط رشد در کشورهای حوزه خلیج فارس کاهش یافت. دلیل این کاهش پایین آمدن تقاضا برای نفت به علت ضعیف شدن اقتصاد جهانی بود.

ـ **تقاضای آسیا برای نفت خلیج فارس:** رشد اقتصادی سریع کشورهای آسیایی اساساً به افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد. در این دوره این کشورها سرمایه‌های داخلی و خارجی را به لطف نیروی کار ارزان و آموزش‌دیده‌ای که داشتند جذب کردند و در کنار آن، جمعیت زیاد به ایجاد بازارهایی بزرگ در آینده کمک می‌کند. بدیهی است افزایش سرمایه‌گذاری‌ها به مضاعف شدن رشد اقتصادی و توسعه بلندمدت به عنوان نتیجه‌ای برای افزایش توان تولیدی اقتصاد کمک می‌کند.

رشد اقتصادی همیشه با افزایش فعالیت اقتصادی و بالا رفتن سطح درآمد

---

۱. مرکز الخلیج للدراسات، «التقریر الاقتصادی الخلیجی لعامی ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳»:
http://www.alkhaleej.ae/study-center/report-economy.html

مقایسه می‌شود. امری که باعث افزایش تقاضای نفت می‌گردد. در بخش صنعت، افزایش سطح تولید نیازمند افزایش استفاده از انرژی به عنوان یکی از مستلزمات تولید است. برای مثال، افزایش درآمد باعث روی آوردن از منابع سنتی انرژی مثل زغال سنگ به نفت می‌شود. هم‌چنین در بخش حمل و نقل ملاحظه می‌کنیم افزایش تعداد خودروها به افزایش مصرف نفت یا فرآورده‌های نفتی می‌انجامد. بدین ترتیب، با افزایش رشد اقتصادی تقاضا برای نفت نیز افزایش می‌یابد.

کشورهای آسیایی ۷۳ درصد[1] از نیازهای نفتی خود را از منطقه خلیج فارس وارد می‌کنند. با توجه به نیاز این کشورها به نفت و مصرف ذخیره نفتی آنها و در نتیجه به دلیل محدود بودن نفت در آن مناطق، در آینده تقاضای کشورهای آسیایی برای مصرف نفت بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، تولید نفت در خود این کشورها با موانعی همراه است که عبارت‌اند از:[2]

۱. بالابودن هزینه سرمایه‌گذاری‌های جدید در زیرساخت‌های نفت؛

۲. مشکلات مربوط به حمل و نقل انرژی و در کنار آن افزایش احتمال وقوع بلایای طبیعی.

با توجه به فاصله رو به افزایشی که بین عرضه و تقاضا در آسیا وجود دارد، فرصت‌های بزرگ‌تری برای صادرکنندگان نفت در منطقه خلیج فارس فراهم می‌شود تا به رشد اقتصادی سریع این کشورها پاسخ دهند و خلأ موجود در زمینه کمبود نفت را پر کنند. با توجه به عواملی که در بالا به آن اشاره شد، درصد نفت وارداتی از کشورهای عضو اوپک در منطقه خلیج

---

۱. علی الزکری، «مستقبل نفط الخلیج بعد احتلال العراق»، ابوظبی: المؤتمر السنوی التاسع للطاقة، ۲۰۰۳:

http://www.ppsc. Info/mainpages/Arabic/lect.con/p6.htm

۲. خلیل حماد، پیشین.

فارس در آینده افزایش خواهد یافت.

٤. عوامل سیاسی و چالش‌های نفتی

الف) حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱

حوادث یازدهم سپتامبر در نیویورک در چهار محور بر بازار جهانی نفت تأثیر گذاشت: اولین محور تأثیر این حادثه بر سرعت رکود اقتصادی امریکا و بازتاب های جهانی آن در کاهش تقاضای نفت و هم‌زمان افزایش عرضه نفت از سوی کشورهای خارج از سازمان اوپک (روزانه ۷۰۰ هزار بشکه)[1] بود. این شرایط باعث شد کشورهای عضو اوپک به صورت پی در پی که در مورد آن توضیح داده شد ـ تولید نفت خود را کاهش دهند تا کاهش تقاضا و افزایش عرضه خارج از اوپک را کنترل کنند. محور دوم، تأثیر بر حمل و نقل هوایی امریکا و جهان بود که بر تقاضای سوخت هواپیما تأثیر گذاشت. محور سوم با عدم اطمینانی ارتباط پیدا می‌کند که هم‌زمان با این حوادث و آماده شدن برای انجام اقداماتی نظامی در افغانستان مطرح شد. محور چهارم هم به انتقال نفت از منطقه خلیج فارس و بازتاب‌های آن بر ذهن و احساس کسانی که در کشورهای پیشرفته در مورد نفت برنامه‌ریزی می‌کنند، مربوط بود.

تأثیر محورهای اول و دوم بر تقاضای نفت کوتاه‌مدت بود، اما تأثیر محورهای سوم و چهارم بلندمدت است و چه بسا برای سال‌های طولانی بازتاب‌هایی بر منطقه داشته باشد. موضوع ثبات سیاسی منطقه و اهمیت تکیه بر نفت آن از جمله موضوعات مهمی است که مورد توجه تصمیم‌گیران در ایالات متحده امریکا و به طور کلی غرب است. همین توجه امریکا و هم‌پیمانان باعث شده است در کشورهای منطقه دخالت نظامی کنند. این

---

۱. رک: مرکز الخلیج للدراسات، پیشین.

دخالت از افغانستان شروع شد و به عراق رسید. امریکا هنوز هم به حضور و فعالیت خود در این منطقه ادامه می‌دهد و از سوی دیگر، مشخص نیست سیاست نفتی جدید آن چه تأثیراتی در آینده خواهد داشت. این موضوعی است که در بخش بعد به آن می‌پردازیم.

ب) سیاست نفتی جدید امریکا

نفت اساس رابطه بین ایالات متحده امریکا و کشورهای منطقه خلیج فارس را تشکیل می‌دهد. این منطقه بزرگ‌ترین ذخیره نفتی جهان را دارد و پیش‌بینی می‌شود تا ۱۰۰ سال آینده این ذخیره نفتی به پایان نرسد؛ در حالی که ذخایر نفتی سایر مناطق جهان ممکن است تا ۲۵ سال آینده پایان یابد.

«هدف سیاست نفتی جدید امریکا توسعه و تنوع در تهیه نفت در قالب طرحی فراگیر و بلند مدت است که در نتیجه آن ایالات متحده امریکا از لحاظ انرژی امنیت بیشتری می‌یابد و از رشد جهانی، دموکراسی و ثبات هم حمایت می‌شود!»[۱]

مشخص است در این طرح بر افزایش واردات نفت از منطقه خلیج فارس و نیز کشورهای خارج سازمان اوپک تمرکز خواهد شد تا از راه‌های متعددی نفت به امریکا برسد. این مسأله برای منافع ایالات متحده امریکا حیاتی است و دلایل آن هم مشخص است: دوسوم ذخیره نفتی جهان در این منطقه قرار دارد و خلیج فارس در زمینه تولید روزانه نفت جایگاه اول را دارد. به همین دلیل، مصلحت راهبردی امریکا ایجاب می‌کند قیمت‌های نفت خلیج فارس باثبات باشد. حجم بالای صادرات نفت این منطقه کمک می‌کند قیمت جهانی نفت

---

۱. کولن ال. باول، «التحدیات التی تواجه امن الطاقة»، نشرة *واشنطن*، وزارة الخارجیة الامریکیة:
http://www.usinfo.state.gov/ar/archive/2004/Aug/19-338542.html

نسبتاً باثبات باشد و قطعاً این موضوع بازتاب‌هایی بر اقتصادِ متکی به نفت امریکا دارد.

ایالات متحده امریکا در حال حاضر ۵۳ درصد نیازهای نفتی خود را از منابع خارجی تأمین می‌کند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ این میزان به ۶۲ درصد افزایش یابد.[1] این نسبت مشخص‌کننده افزایش مصرف نفت در امریکا و کاهش مداوم تولید داخلی آن است. به همین دلیل، توجه این کشور به موضوع افزایش و متنوع کردن مبدأ صادرات نفت به امریکاست که در واقع، طرحی جدید و قدیم است و نشان می‌دهد در دخالت‌های نظامی امریکا در افغانستان و عراق هم موضوع نفت مؤثر بوده است. شایان ذکر است جیمی کارتر؛ رئیس‌جمهور امریکا، برای نخستین‌بار در سال ۱۹۸۰ این طرح را که بارها مورد استفاده قرار گرفته است، تهیه کرد. در جنگ عراق و ایران نفت‌کش‌های کویتی به درخواست دولت کویت،[2] پرچم ایالات متحده امریکا را بر عرشه خود برافراشتند تا در برابر حملات قایق‌های جنگی ایران از آنها حفاظت شود. در همین راستا از نیروهای امریکایی برای بیرون کردن ارتش عراق از کویت استفاده شد؛ چنان که همین نیروها دو سال قبل برای کنار زدن صدام حسین از قدرت و باقی ماندن در عراق به کار رفتند. این سیاست امریکا هم‌چنان فعال است و راهی برای خلاصی از آن نیست.

بر این اساس می‌توان سیاست نفتی جدید را شمشیری دولبه دانست، زیرا چه بخواهیم یا نخواهیم باید با آگاهی و واقع‌بینی با این سیاست مواجه شویم. مخالفت فرضی کشورهای عضو اوپک در منطقه خلیج فارس با سیاست جدید

---

۱. سحر بعاصیری، «السیاسات النفطیة العالمیة و المشهد الجدید للصراع»، *النهار اللبنانیة*، ۳۱ آذار ۲۰۰۲.
۲. همان.



امریکا به این معناست که این کشور در تلاش‌هایی که در آینده در خصوص نفت انجام خواهد داد، روی موضوع سرمایه‌گذاری‌های نفتی در کشورهای خارج از سازمان اوپک متمرکز خواهد شد و در نتیجه، قیمت نفت برای پوشش دادن به هزینه‌های بالای تولید در این مناطق افزایش خواهد یافت. این امر بازتابی منفی بر اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس، به ویژه اعضای سازمان تجارت جهانی خواهد داشت، زیرا به علت برخی مؤلفه‌های مربوط به افزایش هزینه‌های تولید کالا و خدمات در کشورهای پیشرفته، قیمت واردات برای کشورهایی حوزه خلیج فارس نیز افزایش خواهد یافت و با کاهش صادرات نفتی، بودجه‌های این کشورها با کسری مواجه خواهد شد.

موضوع دیگر بحث واقع‌بینی است؛ یعنی قبول کردن طرح امریکا یا همراهی با آن. افزایش متوسط تولید نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس نیازمند ورود شرکت‌های سرمایه‌گذار نفتی در منطقه است و در چنین حالتی سیاست دولت‌های عضو اوپک در منطقه و سیاست‌گذاران نفتی این کشورها باید تأکید روی سرمایه‌گذاری درست و مناسب باشد.

۵. نفت در عراق

نفت عراق با ویژگی‌هایی اقتصادی متمایز می‌شود که این ویژگی‌ها دلایلی برای مطرح شدن موضوع اشغال عراق در طرح امریکاست. و از این طریق امریکا به تنهایی سرمایه‌گذاری‌های آینده را در بخش نفت انجام می‌دهد.

الف) ویژگی‌های نفت عراق

ـ ذخایر نفتی بزرگ

همان‌گونه که در قسمت‌های پیشین گفته شد، ذخیره نفتی قطعی عراق ۱۱۲



میلیارد بشکه است که ۱۱ درصد ذخیره نفتی ۱۰۸۷ میلیارد بشکه ای جهان به حساب می‌آید. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که عراق چندین برابر این میزان ذخیره قطعی داشته باشد، زیرا از زمان ملی شدن صنعت نفت عراق در سال ۱۹۷۲ برآورد دقیقی در خصوص میدان‌های نفتی عراق انجام نگرفته است. بر اساس برآورد اداره اطلاعات انرژی امریکا، ذخیره نفتی تثبیت‌نشده عراق به ۴۰۰ میلیارد بشکه می‌رسد، زیرا میدان نفتی قرنه غربی به تنهایی ۱۰۰ میلیارد بشکه ذخیره تثبیت‌نشده دارد. کارشناسان هم‌چنین اشاره می‌کنند که عراق بیش از ۵۲۶ چاه نفت دارد که تنها ۱۲۵ حلقه آن اکتشاف شده است.[۱] بنابراین، سخن گفتن از ذخیره‌های تثبیت‌نشده درست است. به همین دلیل در چند دهه آینده ممکن است عراق به پاسخگوی اصلی نیازهای روزافزون نفت تبدیل شود.

ـ هزینه پایین تولید

گزارش‌ها[۲] حاکی است هزینه استخراج نفت عراق کمترین هزینه استخراج در سطح جهان است. نفت عراق نزدیک سطح زمین است و به علت حجم نفتی که در میدان‌های نفتی آن وجود دارد، متوسط خروج نفت از چاه‌ها هم بالاست. بیش از یک‌سوم ذخایر کنونی نفت عراق تنها در فاصله ۶۰۰ متری سطح زمین قرار دارد.

بسیاری از شرکت‌های نفت غربی تأکید می‌کنند که استخراج یک بشکه نفت در عراق بیشتر از ۱/۵ دلار هزینه نخواهد داشت، در حالی که در کشورهای دیگر ممکن است هزینه نفت به بشکه‌ای ۱۰ دلار هم برسد. برای

---

۱. خلیل حماد، پیشین.
۲. رک: احمد رجب، پیشین.

عنوان مثال، هزینه استخراج نفت در دریای شمال بین ۱۲ تا ۱٦ دلار است. در میدان‌های نفتی تکزاس و کانادا هم هزینه استخراج هر بشکه نفت به ۲۰ دلار می‌رسد.[1] بنابراین زمانی که قیمت نفت به زیر ۲۰ دلار برسد استخراج نفت از میدان‌های نفتی امریکایی سودی نخواهد داشت. بر عکس اگر قیمت نفت ارزان شود، استخراج آن از چاه‌های عراق بسیار سودمند است.

ـ درآمدهای ویژه

درآمدهایی که برای نفت عراق برآورد شده است، نقش مهمی در جذب شرکت‌های سرمایه‌گذار به این کشور دارد. اگر قیمت نفت بر اساس ۲۵ دلار برای یک بشکه حساب شود، درآمدهای اقتصادی حاصل از نفت عراق (برای ۲۵۰ میلیارد بشکه نفت تثبیت‌نشده) رقمی نزدیک به ۳/۱۲۵ تریلیون دلار خواهد شد. با فرض اینکه هزینه تولید نفت برای هر بشکه ۱/۵ دلار باشد، سود ناخالص ۲/۹۳۷ تریلیون دلار خواهد بود. اگر سودها برای یک دوره قرارداد مثلاً ۵۰ ساله بین دولت و شرکت‌های سرمایه‌گذار تقسیم شود، دستاورد شرکت ۲۹ میلیارد در سال خواهد بود که رقم کمی نیست.

٦. دلایل نفتی برای اشغال عراق

دلایل مستقیم و غیرمستقیم نفتی در پس اصرار امریکا برای جنگ علیه عراق و اشغال آن به شرح زیر است:

الف) دلایل مستقیم

۱. برطرف کردن نیازهای نفتی ایالات متحده امریکا که روزانه ۲۵ درصد

---

۱. همان.

تولید جهانی نفت را مصرف می‌کند.

۲. تحقق منافع شرکت‌های نفتی امریکایی و انگلیسی؛ پنج شرکت بزرگ جهان بازار نفت را در دست دارند که دو شرکت اکسون موبیل و شفرون تکزاس امریکایی هستند و دو شرکت بریتیش پترولیوم و شرکت سلطنتی شل انگلسی هستند. توتال هم شرکتی فرانسوی است. اکسون موبیل بزرگ‌ترین شرکت در سراسر جهان به حساب می‌آید. شایان ذکر است شرکت‌های امریکایی حدود سه‌چهارم تولید نفت عراق را قبل از ملی شدن آن در سال ۱۹۷۲ در دست داشتند و پس از آن به صورت مشارکتی با شرکت‌های روسی و فرانسوی در این کشور فعالیت کردند.

بنابراین، سیطره امریکا و انگلیس بر نفت عراق از طریق این شرکت‌ها فرصت سرمایه‌گذاری بزرگی برای آنها فراهم می‌کند و عراق هم وادار می‌شود از این طریق بخشی از هزینه‌های اشغال را با درآمدهای نفتی بپردازد.

ب) دلایل غیرمستقیم

۱. پس از پایان یافتن جنگ عراق در ۹ آوریل ۲۰۰۳ مطالب زیادی در رسانه‌ها مطرح شد که عراق قصد خارج شدن از سازمان اوپک را دارد، زیرا نیازمند تولید نفت بیشتر است تا با درآمد آن بازسازی و توسعه عراق را دنبال کند. اگر چنین اتفاقی در آینده رخ دهد، بدین معناست که تلاش می‌شود سازمان اوپک که بارها به عنوان مانعی در برابر ایالات متحده امریکا قرار گرفته است در حاشیه قرار گیرد، چون این سازمان به تنهایی قیمت جهانی نفت را مشخص می‌کند. خروج عراق از اوپک به این معناست که ۱۱ درصد از ذخایر قطعی نفت جهان از طریق قراردادهایی که با دولت عراق امضا می‌شود در اختیار امریکا قرار می‌گیرد و این مسأله باعث می‌شود امریکا در برابر

سازمان اوپک در موضع قدرت قرار گیرد. قیمت نفت تنها زمانی ممکن است به شدت پایان بیابد که عراق میزان هنگفتی نفت به بازار وارد کند و بر اقتصاد کل کشورهای عضو اوپک تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، نظام نفتی جدیدی در جهان شکل می‌گیرد که قدرت آن نه در دست سازمان اوپک بلکه در دست ایالات متحده امریکا خواهد بود.

۲. سیطره امریکا بر نفت عراق به معنای کنترل غیرمستقیم منافع کشورهای دیگر از طریق رساندن نفت و تعیین قیمت آن است. برای مثال، کاهش قیمت نفت خسارت زیادی به بخش نفت روسیه و سایر کشورهای نفت‌خیز وارد می‌کند که هدفی راهبردی برای امنیت ملی امریکاست تا به هیچ قدرت دیگری اجازه ندهد در کنترل اقتصاد جهان با آن رقابت کند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری‌ها را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: نتیجه‌گیری‌ها در مورد کل کشورهای عضو اوپک در منطقه خلیج فارس و نتیجه‌گیری‌هایی که ویژه عراق و وضعیت کنونی آن است:

۱. اهمیت نقش کشورهای عضو اوپک خلیج فارس در تأثیرگذاری بر بازار نفت جهان در پرتو پیش‌بینی افزایش تقاضای جهانی نفت در دو دهه آینده؛

۲. احتمال رقابت کشوری خارج از سازمان اوپک با اجرای سیاست نفتی جدید امریکا؛ در این خصوص تا حدودی غلو شده است چون نفت کشورهای حوزه خلیج فارس شرایط خاصی دارد (حجم بالای نفت و پایین بودن هزینه استخراج آن) و رقابت را برای کشورهایی مثل روسیه که خارج از سازمان اوپک هستند، سخت می‌کند.

۳. نیاز شدید به سرمایه‌گذاری در بخش استخراج نفت در کشورهای عضو

اوپک خلیج فارس برای افزایش توان تولید احتیاط به منظور مقابله با افزایش تقاضای نفت در بیست سال آینده؛

٤. سیاست نفتی جدید امریکا را نمی‌توان رد کرد. امریکا به علت پیشرفت‌های تکنولوژیکی و سیطره اقتصادی خود قدرت تأثیرگذاری بر اقتصادهای کشورهای عضو اوپک منطقه خلیج فارس دارد. از سوی دیگر، ساختار تولید در کشورهای حوزه خلیج فارس ضعیف و متکی به منبعی است که همان صادرات نفت است. بنابراین، مصلحت در این است که با سیاست جدید امریکا و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری آن همراهی کند به شرط اینکه در خصوص شیوه سرمایه‌گذاری امتیازی داده نشود.

پژوهشگران در خصوص عراق به نتایج زیر رسیده‌اند:

٥. در صورت خروج عراق از سازمان اوپک که با هدف افزایش تولید و بدون پای‌بندی به سهم‌بندی‌های مشخص‌شده در سازمان اوپک انجام می‌شود، کشورهای عضو اوپک تولید نفت خود را به منظور کنترل قیمت‌ها پایین می‌آورند. در نتیجه، درآمدهای کشورهای عضو این سازمان و سایر کشورهای نفت‌خیز کاهش می‌یابد و تمام تولیدکنندگان نفت در وضعیت بدی قرار می‌گیرند.

٦. خروج عراق از سازمان اوپک به مصلحت این سازمان نیست چون نفت عراق تأثیر زیادی بر ثبات بازارهای جهانی نفت می‌گذارد. قیمت‌های باثبات نفت به معنای درآمدهای بالا برای عراق و سایر کشورهای تولیدکننده نفت است.

٧. محدودیت کنونی در زمینه میزان تولید یعنی پای‌بندی به سهم‌هایی که مشخص شده (٣/٧ میلیون بشکه در روز)، نتیجه خرابکاری‌های عمدی است که هر از گاهی در خطوط لوله انتقال نفت رخ می‌دهد.

٨. تحولات سیاسی آینده در عراق تأثیر زیادی بر بازارهای جهانی نفت خواهد گذاشت، زیرا عراق از تولیدکنندگان و صادرکنندگان اصلی نفت خام است.

سناریوهایی برای توسعه میدان‌های نفتی جنوب

نویسند: عبدالجبار عبود حلفی ـ دانشگاه بصره

۱. چشم‌انداز کنونی نفت عراق

عراق با ۱۱۰ میلیارد بشکه ذخیره تثبیت‌شده نفت خام، دومین ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارد.[۱] بیش از ٦٠ درصد این ذخیره نفتی در جنوب عراق قرار دارد، اما ذخایر تثبیت‌نشده نفت عراق طبق برآوردها به ۲۸۰ تا ۳٦٠ میلیارد بشکه می‌رسد. ذخیره اصلی (ذخیره زمین‌شناسی) هم ۳۱۰/۵ میلیارد بشکه است.[۲] بیشتر این ذخایر نفتی در اراضی جنوبی عراق است. در خصوص گاز هم ذخایر تثبیت‌شده عراق بالغ بر ۱۱۱ تریلیون مترمکعب است.[۳] استخراج نفت در عراق با کمترین هزینه تولیدی که در جهان دارد متمایز می‌شود، زیرا میدان‌های نفت و گاز عراق روی خشکی و در عمق نزدیک به سطح زمین قرار دارند. اکثر این میدان‌ها صرفه اقتصادی بالایی دارند که علت آن گستردگی مساحت و عدم ترکیب‌های پیچیده در ساختار خاک منطقه است. چند میدان بزرگ وجود دارد که جزو بزرگ‌ترین میدان‌های نفتی جهان به حساب می‌آیند. از جمله میدان مجنون با ۲۵ میلیارد بشکه که با میدان غوار در

---

۱. تقریر الامین العام السنوی (۳۱) لسنة، ۲۰۰۰، اوابک، الکویت، ص ۳۲.

۲. محمد مختار اللبابیدی، «الامکانات لاضافة احتیاطات بترولیة جدیدة فی الدول العربیة»، مجله *النفط و التعاون العربی*، المجلد ۲۳، العدد ۸۱، الکویت، ۱۹۹۷، ص ۸۵.

۳. التقریر الاقتصادی العربی الموحد، ۲۰۰۵، ملحق ۵/۹، القاهره، ص ۳۱۱.

عربستان سعودی و میدان عکاس در منطقه غربی برابری می‌کند.[1]

از ویژگی‌های بخش نفت عراق نسبت میدان‌های استفاده‌شده در این کشور در مقایسه با کل میدان‌های شناخته‌شده است. در حال حاضر ۷۳ میدان نفتی شناخته‌شده در عراق وجود دارد که تنها از ۱۵ میدان استفاده شده است. از ۵۸ میدان باقی‌مانده نیز حدود ۱۰ میدان جزو میدان‌های بزرگ نفتی به حساب می‌آیند.[2]

بزرگ‌ترین میدان نفتی کنونی عراق که ذخایر آن مشخص است و در جنوب کشور واقع شده، میدان نفتی غرب قرنه است که نزدیک به ۲۰ میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد. میدان نفتی جزایر مجنون با ۱۳ میلیارد بشکه و میدان نفتی رمیله با ۱۰ میلیارد بشکه نیز جزو میدان‌های بزرگ هستند.[3]

در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ عراق دومین صادرکننده نفت سازمان اوپک بود که تولید نفت آن در سال ۱۹۷۹ با ۳/۷ میلیون بشکه در روز به بالاترین حد خود رسید. با شروع جنگ عراق و ایران سقف تولید نفت عراق هم کاهش یافت. در سال ۱۹۸٤ تولید نفت عراق به ۱/۲ میلیون بشکه در روز کاهش یافت، اما در سال ۱۹۸۷ به دو میلیون بشکه در روز و در سال ۱۹۸۸ به ۲/٦ میلیون بشکه در روز افزایش یافت.[4] پس از اشغال کویت در سال ۱۹۹۰ تولید نفت عراق به شدت کاهش یافت. زیرساخت‌های اقتصادی عراق از جمله بخش نفت آن با شروع جنگ بین عراق و نیروهای ائتلاف ویران شد. در سال ۲۰۰۳ چیزی از بخش نفت عراق باقی نمانده بود. متوسط تولید نفت

---

1. *Petroleum Economist*, Vol 68, No.9, 11/2001, P. 23.

۲. صالح یاسر، «قطاع النفط بین الخصخصة و خیارات اخری»، مجلة *الثقافة الجدیدة*، العدد ۳۰۹، دمشق، ۲۰۰۳، ص ۱۹۰.

۳. همان، ص ۱۹۰.

۴. تقریر الامین العام السنوی الخامس عشر، ۱۹۸۸، اوابک، الکویت، ص ۷۱.

برای سال‌های قبل از سقوط رژیم سابق عراق روزانه ۱/۳ میلیون بشکه نفت بود. در پایان سال ۲۰۰۵ تولید نفت عراق به ۱/۷ میلیون بشکه در روز رسید.[1] سهم نفت جنوب به علت حملاتی که به لوله‌های انتقال نفت و تأسیسات میدان‌های نفتی در شمال می‌شد، به حدود ۷۵ درصد رسید. تولید نفت خام در کرکوک هم کاهش یافت (نگاه کنید به جدول ۱).

جدول ۱ ـ تولید نفت عراق (میلیون بشکه در روز)

۱۹۷۹	۱۹۸٤	۱۹۸٦	۱۹۸۸	۱۹۹۳	۲۰۰۱	۲۰۰۳	۲۰۰۳	۲۰۰۵
۳/۷	۱/۲	۱/۶	۲/۶	۲/۵	۲/۳	۱/۷	۱/۳	۱/۷

منبع: تقریر الامین العام السنوی الخامس عشر، ۱۹۹۸، اوابک، الکویت، ص ۱۰.

OPEC Bulletion, 11- 12 /2005 P.20

عراق چهارمین شرکت بزرگ جهان را در اختیار دارد که همان شرکت نفت جنوب است. این شرکت ۲۰ هزار کارمند فنی و اداری دارد و قلب اقتصاد امروز عراق به حساب می‌آید. اما این قلب به علت کوتاهی که از دهه ۱۹۸۰ تاکنون صورت گرفته به قلبی ضعیف تبدیل شده است. این شرکت باید به تقاضای وزارت نفت مبنی بر حداکثر تولید پاسخ دهد و زیرساخت‌های خود را نوسازی کند و میدان‌های نفتی را توسعه دهد. قرار بود کنفرانسی بین‌المللی زیر نظر وزارت نفت برگزار شود که ده‌ها شرکت بین‌المللی برای حضور در آن دعوت شده بودند. هدف از برگزاری این کنفرانس توسعه میدان‌های نفتی عراق، به ویژه میدان‌های نفتی جنوب بود. اما این کنفرانس به دلایلی غیرقابل

1. ***OPEC Bulletion***, 11-12/2005, P.92.

توجیه برگزار نشد. در حال حاضر شرکت با مشکلات قدیمی بودن تجهیزات و دستگاه‌های ویژه حفاری، تولید و توزیع مواجه است و چاه‌های نفت و لوله‌های انتقال نفت هم وضعیت مناسبی ندارند، به گونه‌ای که شرکت برای استخراج مقادیر بیشتری از نفت مجبور است از روش‌های ابتدایی استفاده کند که باعث خراب شدن چاه‌ها شده است. پرونده شماره یک چالش‌هایی را نشان می‌دهد که شرکت با آنها روبه‌روست.

۲. مشکلات تأثیرگذار بر بخش نفت در جنوب

بیشتر چاه‌های متعلق به شرکت نفت جنوب (تعداد چاه‌های این شرکت ۸۵۰ حلقه است) فرسوده شده‌اند. غیر از میدان نفتی غرب قرنه که بکر و دست‌نخورده است، میدان‌های نفتی رمیله جنوبی و شمالی به دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. این میدان‌ها به علت تصمیم‌های سیاسی، و نه اقتصادی، اتخاذشده در زمان نظام سابق تضعیف شده و تحلیل رفته‌اند. اما شرکت مجبور بود با همان تجهیزات و دستگاه‌های قدیمی به تولید نفت در بالاترین سطح خود ادامه دهد. هر چند این شرکت از دستگاه‌ها و تجهیزات جدید استفاده کرد، اما این دستگاه‌ها و تجهیزات که از کشورهای آسیایی وارد می‌شدند، از لحاظ تکنولوژیکی قدیمی و به همین دلیل، فاقد کارایی لازم بودند. نتیجهٔ این امر تغییر در وضعیت چاه‌های حفرشده و توقف یا کاهش تولید نفت از آنها بود. فناوری‌های جدید نشان داده است که چاه‌های نفت عراق تا چه اندازه آسیب دیده‌اند. شرکت نفت جنوب فاقد فناوری‌های حفر عمودی و افقی است، در حالی که شرکت‌های مشابه در کشورهای مجاور از ابتدای دهه ۱۹۹۰ این فناوری‌ها را به دست آورده‌اند.

تضعیف زیرساخت‌های صنعت نفت عراق از جمله شرکت نفت جنوب، به

ویژه پوسیدگی خطوط لوله انتقال نفت خام یا فرآورده‌های نفتی و هم‌چنین پایین آمدن سطح عملیات‌های نگهداری انبارهای نفتی و قدیمی بودن آنها و فناوری‌های قدیمی در ایستگاه‌های تولید و پمپاژ پیامد پایین بودن کیفیت و عدم استفاده از تجهیزات مناسب است.

افزایش تولید نفت عراق و توسعه توان تولید نفت به ٤ تا ٦ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۱۰ نیازمند توسعه صنعت نفت و خرید دستگاه‌های پیشرفته و باکیفیت است. طبق برآورد وزارت نفت عراق، این کار نیازمند سرمایه‌گذاری به ارزش حدود ۱۵ میلیارد دلار است،[1] از جمله ۷ میلیارد دلار برای توسعه میدان‌های نفتی جنوب که در حال حاضر دولت، شورای استان بصره و سایر استان‌های جنوبی به علت کمبود منابع توان تأمین مالی پروژه‌هایی را ندارند که توسعه این میدان‌ها را محقق می‌کند.

معضل فساد اداری در نهادهای دولتی نقش منفی در شفاف‌سازی مد نظر در خصوص درآمدهای حقیقی نفت عراق و مبالغ موجود در صندوق بازسازی عراق دارد، به نحوی که تعدادی از مراکزی که به عراق برای توسعه صنایع نفتی وام می‌دهند یا در این بخش به‌طور مستقیم سرمایه‌گذاری می‌کنند، به علت همین عدم شفافیت مالی و ناامنی دچار تردید شده‌اند. هم‌چنین فساد اداری که در تأسیسات و دستگاه‌های نفتی شایع شده مانعی در برابر تلاش‌های دولتی است که قصد آن پوشش دادن به نیازهای داخلی در بخش فرآورده‌های نفتی اساسی است. دولت حتی مجبور شده است روزانه مبلغ ۱۵ میلیون لیتر بنزین از کشورهای همسایه وارد کند که خود فشار بیشتری به بودجه عمومی کشور وارد می‌کند.

عملیات قاچاق نفت از مبادی جنوبی باعث ابهام در حجم تولید عملی

---

۱. وزیر النفط، «حوار نشر فی جریدة المدی»، العدد، ۱۱، بغداد، ۲۰۰۳/۱۰/۱۴، صص ۱۳ ـ ۱۲.

نفت خام و فرآورده‌های نفتی شده و نتیجهٔ آن آشفتگی در کار و برنامه‌های شرکت‌های نفت جنوب در زمینه شناخت سطح تولید روزانه بوده است.

نتیجهٔ انزوای بخش نفت عراق از جهان خارج در دوره نظام سابق از دست رفتن فرصت‌های زیاد در زمینه آموزش تکنیسین‌های شرکت نفت جنوب و به دست آوردن تجربه فناوری‌های جدید نفتی از سوی آنها بوده است. همین موضوع بر کیفیت فنی و مدیریتی کار افراد شاغل در این بخش تأثیر گذاشته است.

مرکزگرایی در اتخاذ تصمیم‌ها مانع توسعه عملیات‌های شرکت نفت جنوب در تمام زمینه‌ها بوده است، به ویژه در خصوص دستیابی به تکنولوژی‌های جدید تولید، امضای توافق‌نامه‌هایی با شرکت‌های بزرگ نفتی جهان برای توسعه میدان‌های نفتی، توسعه سرمایه‌گذاری‌های شرکت و همکاری با کشورهای همسایه و محدودیت‌های تحمیلی بر بودجه شرکت که به عنوان بخشی از بودجه وزارت نفت به آن نگاه می‌شود.

بیکاری در برخی واحدهای اداری و برخی کاستی‌ها در کادرهای فنی باعث هزینه بیشتر شرکت نفت جنوب و ایجاد مانع در توسعه اداری آن شده است.

۳. راه‌های ایده‌آل برای توسعه تکنولوژیک بخش نفت

روش‌های ایده‌آل متعددی برای ارائه راه‌حلی به منظور رهایی از عقب‌ماندگی بخش نفت عراق، به ویژه در جنوب، وجود دارد. هر کدام از راه‌ها هنگام استفاده هزینه‌ها و مزایای خاص خود را دارد. در ادامه به برخی از این راه‌ها می‌پردازیم.

الف) سرمایه‌گذاری ملی

شرکت نفت جنوب کادرهای فنی باتجربه‌ای در زمینه حفاری، تولید و انتقال نفت، برآورد ذخایر، وضعیت تولید چاه‌ها و بررسی وضعیت آسیب‌های واردشده به چاه‌ها دارد. بنابراین، میدان‌هایی وجود دارد که شرکت می‌تواند در زمینه توسعه آنها از طریق نیروی انسانیِ در اختیار خود اقدام کند. برای مثال، یکی از این میدان‌ها میدان نفتی غرب قرنه است که تمام عملیات‌های اکتشاف تولید و نگهداری آن را شرکت نفت جنوب انجام داده است. البته پس از آنکه در دهه ۱۹۹۰ شرکت روسی از ادامه کار در توسعه این میدان کنار کشید. مدیر کل کنونی شرکت نفت جنوب نقش پیشگامی در شروع تولید و توسعه این میدان نفتی دارد. توان تولید این میدان نفتی ٤٥٠ هزار بشکه در روز برآورد می‌شود که امکان افزایش آن تا ۷۵۰ هزار بشکه هم وجود دارد. ذخیره این میدان نفتی نیز بالغ بر ۲۰ میلیارد بشکه است که از نفت سبک و مرغوب جهان به حساب می‌آید.

ب) سرمایه‌گذاری بین‌المللی

میدان‌های نفتی بزرگ دیگری وجود دارد که نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عظیم و فناوری‌های پیشرفته تولید است. می‌توان با امضای قرارداد با شرکت‌های نفتی جهانی برای تولید نفت از این میدان‌ها اقدام کرد. این همکاری به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود از جمله:

۱. توافق‌نامه خدمات عملیاتی[1]

۲. توافق‌نامه مشاوره فنی[2]

---

1. Operating Service Agreement
2. Technical Consultancy Agreement

این دو روش در سطح جهانی مورد استفاده است. بسیاری از شرکت‌های جهانی تمایل دارند این نوع توافق‌نامه‌ها را به صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت امضا کنند. این دو روش در آموزش نیروی انسانی شرکت نفت جنوب و استفاده از تجربه شرکت‌های بین‌المللی در تمام مراحل تولید نفت کاربرد دارد.

شایسته است به مدیریت شرکت نفت جنوب اختیارات امضای قرارداد با شرکت‌های خارجی داده شود تا از مشکلات بروکراتیک سر راه توسعه صنعت نفت در جنوب دوری شود؛ به ویژه در شرایطی که ثبات امنیتی هم وجود داشته باشد. از جمله میدان‌هایی که می‌توان قراردادهایی را به صورت مقاطعه‌کاری در مورد آنها امضا کرد میدان نفتی رمیله شمالی و جنوبی، میدان مجنون، میدان نهر عمر، میدان ارطاوی و میدان حلفایه است.

اقدام شرکت نفت جنوب با هماهنگی شوراهای استان‌های جنوبی در امضای قراردادهای مقاطعه‌کاری برای توسعه میدان‌های نفتی با شرکت‌های خارجی تعارضی با قانون اساسی عراق ندارد. ماده ۱۱۰ قانون اساسی تصریح می‌کند: «دولت فدرال و دولت‌های اقلیم‌ها و استان‌ها سیاست‌های راهبردی لازم را برای توسعه نفت و گاز ترسیم می‌کنند، به گونه‌ای که حداکثر منافع ملت عراق محقق شود و در این راه از فناوری‌های جدید استفاده و سرمایه‌گذاری در این بخش تشویق می‌شود.» در پیوست این پژوهش چارچوبی اقتصادی و حقوقی برای قراردادهای مقاطعه‌کاری آمده است.

معتقدیم سرمایه‌گذاری خارجی منبع و راهی برای انتقال فناوری پیشرفته است. سرمایه‌گذاری خارجی هم‌چنین تشویق‌کننده سرمایه‌گذاری داخلی است، زیرا فرصت‌های سرمایه‌گذاری جدیدی برای شرکت‌های داخلی که در صنایع مختلف فعالیت می‌کنند فراهم می‌شود. با خلق فرصت‌های شغلی جدید متوسط بیکاری هم پایین می‌آید و این امکان برای نیروی کار ملی فراهم

می‌شود که فناوری‌های جدید را به دست آورد و چه بسا بتواند در آینده این فناوری‌ها را بومی‌سازی کند. ترتیب اقدامات در پرتو وضعیت نفتی در جنوب عبارت‌اند از:

- تأسیس شرکت ملی نفت در جنوب؛
- بهبود ساختار حقوقی و اداری بخش نفت

بهبود مشارکت راهبردی بین شرکت ملی نفت و شرکت‌های نفت و گاز خارجی؛

- سرمایه‌گذاری در آموزش مدیریتی و تکنولوژیکی برای تقویت توانمندی‌ها؛
- ترسیم نقشه زمین‌شناسی جدید برای اراضی جنوب؛
- کاهش یارانه‌های سوخت.

گام آخر (کاهش یارانه‌های سوخت) به نارضایتی مردمی منجر می‌شود. در واقع، این اقدام هم‌چون شمشیری دولبه است که از یک سو، به قشرهای کم‌درآمد ضرر می‌زند و نتیجه آن بالا رفتن سطح تورم است و از سوی دیگر، در میان‌مدت و بلندمدت باعث کاهش بدهی‌های عراق و جذب سرمایه‌های خارجی می‌شود.

چارچوب اقتصادی و حقوقی در قراردادهای مقاطعه‌کاری برای توسعه میدان‌های نفتی جنوب

میدان‌های نفتی عراق نیاز شدیدی به فناوری‌های جدید در زمینه تولید نفت دارند. این میدان‌ها نیازمند بررسی و ارزیابی ترسیم طرح‌های توسعه و برنامه‌ریزی برای حفاری‌های جدیدند. هم‌چنین تأسیسات و تجهیزات این میدان‌ها نیازمند تعویض قطعات و نگهداری است؛ به ویژه تجهیزات و دستگاه‌هایی که به نفت خام و گاز همراه آن مربوط است و همین‌طور سیستم‌هایی که ویژه پمپاژ و انبار است.

عراق که با ذخیره نفتی خود در جنوب متمایز می‌شود، نیازمند افزایش تولید در سال‌های باقی‌مانده از دهه کنونی و نیز در دهه آینده است تا در زمینه رفاه مردم به رشد و توسعه برسد. افزایش ظرفیت تولید به ٤ تا ٦ میلیون بشکه در روز نیازمند سرمایه‌گذاری‌های عظیم و فناوری‌های پیشرفته است. اما در حال حاضر عراق این امکان را در اختیار ندارد و ناگزیر باید از شرکت‌های خارجی کمک بگیرد که در این زمینه صاحب تجربه‌اند.

عمر ذخیره تثبیت‌شده نفت عراق با متوسط تولید ۳ تا ٤ میلیون بشکه در روز برای مدت ۲۵۰ سال برآورد شده است.

چالشی که عراق، از جمله جنوب عراق در آینده با آن مواجه می‌شود نیاز به افزایش توان تولید به حدود ۳ میلیون بشکه در روز در پنج سال آینده است. با این افزایش عراق می‌تواند جایگاه جهانی خود را به عنوان تولیدکننده اصلی نفت و یکی از کشورهای مؤسس سازمان اوپک حفظ کند. برای این کار باید از میدان‌هایی نفتی استفاده شود که استخراج نفت از آنها سخت‌تر و پیچیده‌تر و نیازمند فناوری‌هایی است که تنها در اختیار شرکت‌های نفتی بین‌المللی است. به ویژه اینکه سازمان اوپک در حال برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه تولید نفت است تا در سال ۲۰۱۰ به سطح تولید ۳۸ میلیون بشکه در روز برسد.

کمک گرفتن از شرکت‌های نفتی خارجی برای توسعه میدان‌های نفتی شیوه‌ای است که تمام شرکت‌های ملی نفت در جهان، از جمله کشورهای همسایه عراق، به آن روی آورده و منافع اقتصادی ملموسی هم به دست آورده‌اند. ثبات امنیتی در جنوب توجیه‌کننده شروع توسعه میدان‌های نفتی است. این موضوع در حال حاضر قضیه ملی روز عراق به حساب می‌آید.

٤. مؤلفه‌ها و ضوابط قانونی

باید قانونی وضع شود که سازمان‌دهنده عملیات‌ها و اقدامات مربوط به نفت در جنوب باشد. در این قانون بر حفظ مالکیت دولت بر ثروت نفت تصریح شده است و سرمایه‌گذاری در این بخش تنها از طریق سرمایه‌گذاری‌های مستقیم یا با کمک گرفتن قانونی از شرکت‌های نفتی بین‌المللی انجام می‌گیرد تا اینکه حقوق حاکمیتی کشور نقض نشود. بنابراین لازم است قراردادی برای مقاطعه‌کاری با شرکت‌های خارجی به منظور توسعه میدان‌های نفتی امضا شود که متضمن موارد زیر باشد:

۱. باید هنگام اعلام قراردادهای مقاطعه‌کاری با شرکت‌های خارجی شفافیت کاملی وجود داشته باشد، همین‌طور مکانیسمی برای اعلام پروژه‌های توسعه میدان‌ها و ضوابطی برای آماده کردن شرکت‌ها و نیز فراهم بودن شرایطی که در آن شرکت‌ها امکان رقابت با هم را داشته باشند.

۲. هزینه‌ای که به شرکت‌ها پرداخته می‌شود باید مشروط به نتایج توسعه و سطح این توسعه باشد تا شرکت نفت جنوب یا شرکت ملی نفت جنوب ملزم به پرداخت مبالغ هنگفتی نباشد بدون اینکه به نتایج مد نظر رسیده باشد. شرکت طرف قرارداد هم نمی‌تواند در زمینه تولید نفت، مالکیت، چگونگی مدیریت، میزان، قیمت و چگونگی انتقال یا بازاریابی نفت دخالت کند. دستمزدی که شرکت طرف قرارداد دریافت می‌کند متناسب با نتایج مشخص شده است نه تلاش‌هایی که به صورت مبهم و نامشخص در زمینه توسعه صنعت نفت انجام می‌دهد.

۳. هنگام بروز اختلاف و منازعه بین دو طرف قرارداد، هر دو در خصوص داوری به احکام قوانین عراق تن می‌دهند.

٤. شرکت طرف قرارداد ملزم است تکنیسین‌های عراقی را طبق مفاد

قرارداد آموزش دهد.

۵. چالش‌های پیش روی شرکت

۱. عدم روی آوردن به بهترین روش‌های کاری که در شرکت‌های نفتی بزرگ دنبال می‌شود؛ به ویژه هدر دادن زمان در تصمیم‌گیری به علت فقدان فضای کاری مرتبط با سطح عملکرد.

۲. نیاز شرکت به توانمندی‌های حرفه‌ای جدید؛

۳. نبود مشاورانی برای مدیر کل در تخصص‌های فنی و مدیریتی در شرایطی که نیاز به تصمیم‌گیری‌های خاص می‌باشد و از کنترل خارج شدن برخی مأموریت‌های اساسی که به حضور در نشست‌های نفتی در خارج از کشور مربوط است. بنابراین، نوعی خلأ مدیریتی و فنی دیده می‌شود، در حالی که باید نوعی رهبری در سایه وجود داشته باشد تا هنگام بازنشستگی مدیر کل مدیریت را در دست گیرد.

٤. دوگانگی در عملکرد شرکت و وزارت نفت در خصوص وضع راهبردی برای توسعه میدان‌های نفتی؛ در حالی که شرکت آمادگی وضع این راهبرد را دارد، وزارت نفت توجهی به این کار مهم ندارد. دلایل این امر هم مشخص نیست و آنچه ارائه می‌شود چیزی جز توجیه نیست.

۵. نگرش وزارت نفت به شرکت تنها به عنوان کانالی برای رسیدن به پول است، در حالی که این رابطه باید بر اساس یک اصل باشد تا شرکت نقشی اقتصادی و توسعه‌ای ایفا کند که در جهت تنوع در منابع درآمدی ملی قرار دارد. اختلاف نظر بین وزارت نفت و شرکت نفت جنوب باعث شده است این شرکت فعالیت چندانی در زمینه ارائه ابتکار عمل و نوآوری نداشته باشد.

٦. راه‌کارها

١. وضع راهبردی برای توسعه اداری و فنی کار شرکت برای توسعه میدان‌های نفتی برای بیست سال آینده؛

٢. وضع معیارهایی برای بهبود کیفیت عملکرد کمیته‌های فنی و بخش‌های اداری؛

٣. اجرایی کردن آموزش‌ها که نفع فنی و اداری آن برای شرکت خواهد بود. بازنگری در ساختار نیروی کار برای کاستن از سطح بیکاری به گونه‌ای که کاهش هزینه‌ها را هم در پی داشته باشد.

٤. باز کردن کانال‌هایی برای همکاری فنی با شرکت‌های ملی نفت در کشورهای همسایه به ویژه با کویت و ایران و گفت‌وگوی سازنده در خصوص میدان‌های نفتی مشترک؛

٥. وضع مکانیسم پاداش که متناسب با سطح عمکردها باشد.

٦. تأسیس دانشکده‌ای برای تحقیق در زمینه انرژی بر پایه تکنولوژی‌های جدید با کمک گرفتن از دانشکده‌های مشابه در کشورهای پیشرفته و استفاده از دانشگاه‌ها و متخصصان امور نفت در دانشگاه بصره؛

٧. انتشار مجله‌ای علمی که تخصصی امور انرژی باشد و با فعالیت در زمینه نوآوری و ارائه راه‌حل برای برخی مشکلات فنی میدان‌های نفتی و پیگیری دستاوردهای صنعت نفت جهان به شرکت نفت جنوب کمک کند.

امریکا و نفت عراق

نویسنده: حیدر الفریجی

مقدمه

نفت مهم‌ترین منبع انرژی در جهان است که به نسبت به وفور یافت می‌شود و در مقایسه با سایر منابع انرژی کم‌هزینه‌تر است. علاوه بر آن، راه‌های انتقال و توزیع متعددی دارد. اهمیت راهبردی نفت پس از انقلاب صنعتی در اروپای غربی و ایالات متحده امریکا افزایش یافت، چون در پی افزایش مصرف انرژی در کارخانه‌های آهن و فولاد و سایر صنایع سنگین معادن زغال سنگ تمام شد.

اما نقطه عطف مهم و حیاتی در بحث نفت تنها در سال ۱۹۷۳ رخ داد که کشورهای نفت‌خیز عربی به کشورهایی که در جنگ اکتبر حضور داشتند، اعلام کردند صادرات نفت به این کشورها را متوقف می‌کنند. این امر باعث آشفتگی این کشورها و روبه‌رو شدن آنها با بحران شدید انرژی شد. در نتیجه این کشورها به دنبال یافتن راه‌حلی برای این مشکل برآمدند تا در آینده با کمبود انرژی مواجه نشوند.

از آن زمان به بعد بیشتر تحرکات سیاسی امریکا، به ویژه در خصوص موضوع نفت، حول محور تسلط بر مناطق نفت‌خیز متمرکز است.

نفت و مصرف آن در ایالات متحده امریکا

در سال ۱۹۵۰ ایالات متحده امریکا ۵۲ درصد از کل تولید جهانی نفت را تولید می‌کرد، اما این نسبت اکنون کاهش یافته و به ۱۱ درصد رسیده است. تا اواخر دهه ۱۹۵۰ تولید نفت ایالات متحده امریکا تنها برای مصرف داخلی این کشور کفایت می‌کرد، اما افزایش مصرف سوخت به افزایش واردات نفت منجر شد. در حال حاضر ۵۳ درصد از نفت مورد نیاز امریکا از خارج وارد می‌شود؛ تولید روزانه نفت خام ایالات متحده امریکا ۹ میلیون بشکه در روز است، در حالی که مصرف داخلی این کشور به ۱۹ میلیون بشکه در روز می‌رسد. پیش‌بینی می‌شود افزایش مصرف نفت خام امریکا در دو دهه آینده افزایش یابد و به ۲٦ میلیون بشکه در روز برسد. در حالی که پیش‌بینی نمی‌شود تولید داخلی نفت چنین افزایشی داشته باشد. بدین ترتیب، واردات نفت امریکا به ۱۷ میلیون بشکه افزایش خواهد یافت. در خصوص منابع واردات نفت امریکا هم باید گفت کشورهای حوزه خلیج فارس ۲۵ درصد واردات نفت امریکا را به خود اختصاص داده‌اند و در این بین عراق پس از عربستان سعودی در رتبه دوم قرار دارد.

با توجه به اینکه ذخیره تثبیت شده نفت امریکا از ۳۲ میلیارد بشکه فراتر نمی‌رود و این کشور تنها ۳ درصد ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارد، مشخص می‌شود انتقال نفت به امریکا تا چه اندازه برای این کشور مهم است.

اما اهمیت نفت عراق در این انتقال تا چه اندازه است؟ پاسخ به این سؤال نیازمند مشخص کردن کامل وضعیت نفت عراق است.

نفت عراق، توان تولید و ذخایر نفتی

بخش نفت عراق با تغییر و تحولات بسیاری مواجه شده است که در اینجا

مجال پرداختن به آن نیست. تولید نفت در عراق در اوایل دهه ۱۹۹۰ به بالاترین میزان خود یعنی متوسط ۳/۵ میلیون بشکه در روز رسید، اما به علت شرایط جنگ و تحریم‌ها و محاصره اقتصادی این میزان تولید به شدت کاهش یافته و در حال حاضر به حدود دو میلیون بشکه در روز رسیده است. اما این میزان تولید نفت به هیچ وجه متناسب با ذخیره تثبیت‌شده نفت عراق نیست که بالغ بر ۱۱۲ میلیارد بشکه (۱۱ درصد ذخیره نفتی جهان) است. با این میزان ذخیره نفتی، عراق در رتبهٔ دوم پس از عربستان سعودی قرار می‌گیرد که با ۲٦۳ میلیارد بشکه ۲۵ درصد از ذخیره نفتی جهان را در اختیار دارد. اما نکته بسیار مهم این است که اکتشاف نفت از اوایل دهه ۱۹۹۰ در عراق تقریباً متوقف شده است. علاوه بر این، وسایل تولید و حفاری برای استخراج نفت در عراق از فناوری‌های قدیمی است. پیش‌بینی می‌شود اگر روند اکتشاف نفت در عراق به شکل طبیعی آن دنبال می‌شد، ذخیره نفتی این کشور دو برابر وضعیت کنونی بود. این چیزی است که ایالات متحده امریکا آن را به خوبی می‌داند.

در حال حاضر این امکان وجود دارد که پس از گذشت پنج سال تولید نفت عراق به شش میلیون بشکه در روز برسد.

آنچه نفت عراق را از نفت کشورهای دیگر متمایز می‌کند، کیفیت بالای این نفت است (نفت‌سبک) و همین‌طور هزینه استخراج آن که نیم دلار برای هر بشکه است. در حالی که این رقم در عربستان یک دلار، در ونزوئلا ۵ دلار و در ایالات متحده امریکا ۱٦ دلار است. میزان و حجم نفت در چاه‌های عراق بالاست و به همین دلیل، استخراج آن آسان و نسبتاً زیاد خواهد بود.

بررسی مسائل مربوط به بحران اخیر قیمت نفت که به بیش از ٤۰ دلار رسید، نشان‌دهنده اهمیت صادرات نفت عراق است. بزرگ‌ترین کشورهای

تولیدکننده و صادرکننده نفت تقریباً با تمام توان خود نفت تولید می‌کنند و برای کوتاه‌مدت تنها عراق می‌تواند تولید نفت خود را به صورت جدی افزایش دهد و قیمت بسیار بالایی نفت برای کشورهای مصرف‌کننده را کنترل کند. بدین ترتیب نتیجه می‌گیریم نفت عراق برای بازارهای جهانی نفت و ایالات متحده امریکا به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت از اهمیت زیادی برخوردار است.

نفت عراق در سیاست امریکا

بدون شک نفت یکی از محرک‌های مهم در سیاست امریکاست. این موضوع به صورت آشکار در بسیاری تحقیقات و سخنرانی‌های نظریه‌پردازان و سیاست‌مداران امریکایی و غیرامریکایی دیده می‌شود. پروفسور جان هانز،[1] از دانشگاه واشنگتن، می‌گوید: «نفت هم‌چون سوپاپ اطمینانی برای اقتصاد امریکا در حال حاضر و آینده خواهد بود.» پل دنیس،[2] تحلیلگر سیاسی امریکایی، به شکل واضح‌تری می‌گوید: «جنگ علیه عراق برای امریکا بسیار مهم بود، چون با این جنگ امریکا نسبت به سیطره خود بر منابع نفتی این کشور نفت‌خیز مطمئن خواهد شد.» آنتونی کردسمن،[3] تحلیلگر مسائل سیاسی، نیز چنین نظری دارد و می‌گوید: «امریکا به علت وجود سلاح‌های کشتار جمعی یا تروریسم علیه عراق وارد جنگ نمی‌شود، بلکه این جنگ برای این است که عراق از نفت زیادی برخوردار است. با وجود این، باید توجیهی سیاسی برای حمله امریکا به عراق وجود داشته باشد.»

---

۱. جوه هانز، اهمیة النفط فی الاقتصاد الامریکی، بحث منشور علی شبکه الانترنیت.
۲. بول کا. دینیس، *الواشنطن بوست*، مقال منشور علی شبکه الانترنیت.
۳. انطونی کوردیسمان، *الواشنطن تایمز*، العدد الاول، آب ۲۰۰۲، تقریر منشور علی شکبه انترنیت.

طبق نظر آلن وودز،[1] تحلیلگر سیاسی انگلیسی: «اگر امریکایی‌ها بتوانند دست خود را روی نفت عراق بگذارند، آینده خود را به شکل مطمئنی تضمین می‌کنند. آنها می‌توانند میزان زیادی نفت استخراج کنند و به این ترتیب قیمت‌های نفت را تحت کنترل خود درآورند».

رهبران سیاسی و نظامی امریکایی ثابت کرده‌اند که نفت عراق از چه اهمیتی برخوردار است. آنها در آغاز جنگ اخیر طرح‌هایی ویژه برای میدان‌های نفتی در جنوب عراق طراحی و اجرا کرده‌اند. برای این منظور این میدان‌ها تحت سیطره امریکا درآمدند و از آنها در برابر تخریب و ویرانی حمایت شد تا اینکه به روند انتقال نفت عراق به امریکا و کشورهای دیگر خللی وارد نشود. هر چند امریکایی‌ها مدعی بودند این کار را برای حفاظت از ثروت عراق انجام می‌دهند، بدون شک این اظهارنظرها برای تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی بود.

بدین ترتیب مشخص می‌شود نفت عراق از لحاظ اقتصادی و سیاسی برای آینده سیاسی و اقتصادی ایالات متحده امریکا چه اهمیتی دارد و بدون تضمین‌های نظامی ـ عملی نمی‌توان از آن حفاظت کرد. این تضمین کمک می‌کند ثبات بازارهای نفت حفظ شود و این بازارها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت سیطره امریکا باقی بمانند.

متأسفانه امریکا از زمان ورود خود به عراق صادرات نفت عراق را زیر نظر خود گرفته است بدون اینکه نهادهای عراقی اطلاعی داشته باشند. این موضوع را دکتر احمد چلبی و سایر مسئولان عراقی مورد تأکید و تأیید قرار داده‌اند.

---

۱. الن وودز، «العراق، الهدوء الذی یسبق العاصفة»، بحث منشور علی شبكة الانترنیت.



Andishehsazan-e Noor Institute for Studies

Oil and Iraq's Oil Policies

النفط و السياسات النفطية في العراق

این کتاب که توسط متخصصان تراز اول اقتصاد و بازار نفت عراق تألیف شده است به موضوع نفت و سیاست‌های نفتی عراق و آثار اجتماعی و اقتصادی آن در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌پردازد و سناریوهای مختلف را برای توسعه میدان‌های نفتی عراق بررسی می‌کند.

